



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

دو فصلنامه علمی - تخصصی

سال سوم

شماره پنجم

پاییز و زمستان ۱۴۰۳
رمضان ۱۴۴۶ ه. ق

تبلیغ و تفسیر

دفاع از مسلمان مظلوم از دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی
سید تقی واردی

مبانی و مؤلفه‌های شهادت طلبی در قرآن و متون فریقین
دکتر احمد فلاح‌زاده

بایسته‌های اعتقادی و فرهنگی تشکیل امت اسلامی
دکتر علی اصغر نصرتی

مجاهدان متحد، محبوبان خدا
سید مصطفی عبدالله‌زاده

مسئله فلسطین از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام
احمد کوثری

شاخصه‌های مکتب شهید سید حسن نصرالله
عبدالکریم پاک‌نیا

روشنی‌های عالمان شیعه و اهل سنت در مبارزه با استحاله فرهنگی
عبدالله مؤمنی اورعی

ایمان ثابت و ایمان عاریتی
محسن اصغری

دوستی با مؤمنان و دشمنی با دشمنان
محمد باغچیقی

زندگی عزت‌مندانه از دیدگاه آیات و روایات
حسن شیرزاد کمانگر

امام حسن عسکری علیه السلام در منابع اهل سنت
علی جباری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

تبلیغ و ترویج

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: سعید روستا آزاد

سر دبیر: مصطفی آزادیان

کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال سوم - شماره پنجم

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید محمد اکبریان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ناصر رفیعی محمدی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

سعید روستا آزاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

میرتقی قادری

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

علی نظری منفرد

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

نشریه «تبلیغ و ترویج» بر

اساس پروانه انتشار به شماره

ثبت ۹۷۲۴۷ تاریخ

۱۴۰۳/۱۱/۱۵ معاونت امور

مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی

وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، به عنوان دوفصلنامه

تخصصی منتشر می‌شود.

شمارگان: ویراستار:

۲۰۰ نسخه ◀ مرتضی غلامی

قیمت: صفحه‌آرا:

۸۰۰۰۰ تومان ◀ اکبر اسماعیل پور

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

آدرس: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱ -

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۲۰۲۱ - پایگاه اینترنتی: <http://jpp.dte.ir> - پست الکترونیک: tabligh@dte.ir

فهرست مطالب

- سخن نخست ۵
- دفاع از مسلمان مظلوم از دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی ۹
حجت الاسلام والمسلمین سید تقی واردی
- مبانی و مؤلفه‌های شهادت‌طلبی در قرآن و متون فریقین ۱۹
حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد فلاح‌زاده
- بایسته‌های اعتقادی و فرهنگی تشکیل امت اسلامی ۲۹
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی
- مجاهدان متحد، محبوبان خدا ۳۹
حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی عبدالله‌زاده
- مسئله فلسطین از دیدگاه مقام معظم رهبری ۴۹
حجت الاسلام والمسلمین احمد کوثری
- شاخصه‌های مکتب شهید سید حسن نصرالله ۶۱
حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا
- روش‌های عالمان شیعه و اهل سنت در مبارزه با استحاله فرهنگی ۷۱
حجت الاسلام والمسلمین عبد الله مومنی اورعی
- ایمان ثابت و ایمان عاریتی ۸۳
حجت الاسلام والمسلمین محسن اصغری
- دوستی با مؤمنان و دشمنی با دشمنان ۹۱
محمد باغچیتی
- زندگی عزت‌مندانه از دیدگاه آیات و روایات ۱۰۱
حجت الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر
- امام حسن عسکری علیه السلام در منابع اهل سنت ۱۱۱
علی جباری

سخن نخست

استقامت در دین‌ورزی راز دست‌یابی به بهروزی و سعادت دنیوی و اخروی است. جوامع ایمانی وقتی ماندگار و پابرجا می‌مانند که در راه اهداف و اعتقادات راستین خود استقامت و پایداری ورزند: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛^۱ و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم!» به نظر می‌رسد مطابق این آیه شریفه، بالاتر از ایمان، پایداری و استقامت در راه ایمان است. تنها با استقامت است که آثار و برکات دنیوی و اخروی ایمان ظاهر خواهد شد. امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از «اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ» استقامت در مسیر اهل بیت علیهم السلام است و از امام صادق علیه السلام نقل شده است که اگر مردم بر ولایت ما استقامت داشته باشند از علم کثیر کامیاب می‌شوند. «لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا».^۲

استقامت در دین‌ورزی مستلزم پایبندی به همه لوازم ایمان، اعم از لوازم شناختی، عاطفی و ارادی است؛ در راس این لوازم، شوق به معرفت‌اللّه و انجام واجبات و ترک محرمات و در عرصه اجتماع و سیاست، دفاع از حریم آموزه‌های دین و مقاومت در برابر خواسته‌ها و ترفندهای دشمنان دین، بویژه آمریکای جنایت‌کار و رژیم صهیونی کودک‌کش قرار دارد.

الحمد لله خداوند متعال توفیق درک حضور ماه سراسر نور و پر خیر و برکت رمضان را به همه ما عنایت فرمود. این ماه عزیز، بهترین فرصت برای نیل به اهداف عالی اسلام در عرصه‌های فردی و جمعی است. نیل به مقامات بالای اخلاقی و عرفانی و درک حضور حضرت باری تعالی در همه صحنه‌های زندگی و اطاعت محض و خالصانه از فرامین الهی و حضرت

۱. جن: ۱۶.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۰، ص ۲۵۱.

رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت گرامی ایشان، و نیز استقامت در دین‌ورزی و عاقبت‌بخیری در این ماه نورانی میسور خواهد بود. توفیق روزه‌داری با حفظ همه مراتب آن، شب زنده‌داری، قرائت و تدبیر در آیات قرآن کریم، حضور در مساجد و مجالس و عظ و خطابه، حضور فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و دغدغه‌مندی نسبت به مظلومان، مستضعفان و محرومان و... از برکات درک ماه مبارک رمضان است. «ماه رمضان به معنای جامع کلمه، ماه مبارکی است. تعبیر «ماه مبارک» یک تعبیر تعارف‌آمیز نیست؛ به معنای واقعی کلمه این ماه، مبارک است؛ یعنی از جوانب مختلف، این ماه قابلیت‌های معنوی درونی انسان را رشد می‌دهد و ارتقاء می‌دهد... اینکه گفتیم از جوانب مختلف، یعنی از جانب روزه، از جانب تلاوت قرآن... از ناحیه تَضَرُّع و دعاها و مناجات‌هایی که در این ماه وارد است، از ناحیه لَيْلَةُ الْقَدْرِ که یک فرصت فوق‌العاده مهمی است که «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۱ و از جهات مختلف»^۲.

خدا را سپاس می‌گوییم که توفیق عنایت فرمود تا ره‌توشه‌های ماه مبارک رمضان را در قالب‌های ذیل آماده و در اختیار مبلغان ارجمند قرار دهیم:

● فصلنامه ره‌توشه: این فصلنامه کوشیده است در ذیل عناوین "عقاید و اندیشه"، اخلاق و معنویت"، "خانواده"، و "مباحث سیاسی و اجتماعی"، سی مقاله و نوشتار را متناسب با نیازهای روز جامعه تألیف نماید. عناوین مقالات ره‌توشه عبارتند از: اهمیت و ارزش معرفت‌الله؛ شیرینی ارتباط با خدا از طریق مدیریت فکر و اندیشه؛ ظهور اعمال در قیامت از دیدگاه قرآن و روایات؛ راه‌های افزایش ایمان در زندگی؛ رهنمودها و نگرانی‌های امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام درباره قرآن کریم؛ تحلیل و تبیین مؤلفه‌های آرمان شهر مهدوی با تاکید بر دعای افتتاح؛ شناخت نفس و درمان بیماری آن؛ تحلیلی اجمالی از مقام رضا و تسلیم از منظر قرآن کریم؛ نقش انفاق در تهذیب و تکامل مؤمن و جامعه ایمانی؛ دنیاگرایی و راهکارهای پیشگیری از آن از دیدگاه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام؛ توصیه‌های امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به کمیل بن زیاد نخعی؛ اوصاف ماه رمضان در دعای ۴۴ صحیفه سجاده؛ نگاهی به سلامت و بهداشت در سیره معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ عوامل تحکیم خانواده در سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ اصول و روش‌های تربیتی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره دعوت به نماز فرزندان؛ جامعه مؤمنان و ازدواج جوانان؛ نقش حمایتی خانواده در کاهش آسیب‌های اجتماعی فرزندان

۱. قدر: ۳ «شب قدر بهتر از هزار ماه است!»

۲. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1631>

از دیدگاه قرآن و روایات؛ تاثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر تربیت فرزندان؛ ازدواج سفید و آسیب‌های آن؛ مسئولیت والدین در برابر فرزندان؛ دشمن‌شناسی در آیات و روایات؛ حمایت جمهوری اسلامی از جبهه مقاومت؛ چرایی، آثار و استلزامات؛ تحلیلی بر دو دستاورد مهم مقاومت در برابر جنایات صهیونی؛ بررسی دشمنی دیرینه و تمدنی یهود صهیونیست با مسلمانان؛ دعا برای مرزبانان اسلام؛ ایمان و وعده الهی به برتری جامعه مؤمنان؛ اتحاد و همبستگی مؤمنان در برابر دشمن؛ ولایت و پیوستگی میان مؤمنان؛ و بهار در بهار.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه ره توشه می‌توانید به نشانی: <http://rahtooosheh.dte.ir>

مراجعه کنید.

● **فصلنامه تبلیغ و خانواده؛** این فصلنامه برای همه مبلغان به ویژه مبلغان محترمی که در عرصه خانواده تبلیغ می‌کنند، آماده شده است. مقالات این فصلنامه عبارتند از:

راهکارهای خانواده در مقابله با استحاله فرهنگی و نفوذ دشمن؛ مدگرایی زنان در مردانه‌پوشی؛ اصول اساسی مدیریت اقتصاد خانواده (راهنمایی برای خانوارها)؛ خانواده الگو و محبت به همسر و فرزندان؛ بررسی آثار رعایت عدل و احسان و رسیدگی به نزدیکان در آیه ۹۰ سوره نحل؛ الگوی مقاومت زنان در آیات و روایات؛ خانواده متعادل در نهج البلاغه؛ انواع خانواده از منظر قرآن کریم؛ نقش تربیتی مدارا در تحکیم خانواده.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه تبلیغ و خانواده به نشانی: <http://jpf.dte.ir> مراجعه شود.

● **فصلنامه تبلیغ و تقریب؛** رویکرد فصلنامه تبلیغ تقریبی است و برای همه مبلغان، به ویژه مبلغانی که در مناطق مشترک شیعه و سنی به تبلیغ مشغولند، تالیف و آماده شده است. مقالات این فصلنامه به شرح ذیل است:

دفاع از مسلمانان مظلوم از دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی؛ مساله فلسطین از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ شاخصه های مکتب شهید سید حسن نصرالله؛ مبانی شهادت‌طلبی در قرآن و متون فریقین؛ بایسته های اعتقادی تشکیل امت اسلامی؛ مجاهدان متحد محبوبان خدا؛ روش‌های علمای شیعه و سنی در مبارزه با استحاله فرهنگی؛ ایمان ثابت و ایمان عاریتی؛ دوستی با مومنان و دشمنی با دشمنان در قرآن کریم؛ زندگی عزت‌مندانه در روایات فریقین؛ و امام حسن عسکری علیه السلام در منابع اهل سنت.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه تبلیغ و تقریب به نشانی: <http://jpp.dte.ir> مراجعه شود.

● رتوشه پیوستی؛ در کنار سه فصلنامه فوق، "رتوشه پیوستی" قرار دارد. این رتوشه شامل مجموعه‌ای از مقالات مهم و مناسبی است که در سال‌های گذشته در فصلنامه رتوشه به چاپ رسیده و همچنان قابل استفاده است. رتوشه پیوستی در پایگاه خبری بلاغ به نشانی <https://www.balagh.ir> در دسترس است.

انتظار می‌رود مبلغان گرامی با مطالعه و استفاده از مطالب این فصلنامه‌ها، ما را از پیشنهادات و انتقادات سازنده و تجربیات ارزشمند خود بهره‌مند سازند. در پایان لازم می‌دانم از نویسندگان فرهیخته و همه کسانی که در تولید و عرضه این مجموعه ارزشمند تلاش کردند، به ویژه حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تقدیر و تشکر و موفقیت و خوشبختی آنان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

دفاع از مسلمان مظلوم از دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین سید تقی واردی*

اشاره

دفاع از مظلوم، امری فطری و عقلانی است که تمامی ادیان و مذاهب الهی بر آن تأکید دارند. دین اسلام بر مبنای عقل، فطرت و شریعت الهی، اهمیت ویژه‌ای به دفاع از ستمدیدگان به‌ویژه مسلمانان تحت ظلم می‌دهد. آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام نشان‌دهنده وجوب دفاع از مظلومان در جایگاه یک تکلیف انسانی و شرعی است. فقیهان اسلامی مذاهب مختلف با استناد به قرآن و احادیث، حکم به وجوب شرعی دفاع از انسان مظلوم به‌ویژه مسلمانان داده‌اند و این عمل را جزء جهاد دفاعی و واجب کفایی برای عموم مسلمانان برشمرده‌اند. آشنایی با دیدگاه‌های فقیهان شیعه و اهل سنت و انتشار آن در عصر کنونی که مسلمانان در مواجهه با ظلم بیگانگان قرار گرفته‌اند، می‌تواند به آگاهی و تلاش برای دفاع از مسلمانان مظلوم در کشورهای همچون فلسطین، یمن و افغانستان کمک کند. این نوشتار در دو محور اصلی، دیدگاه فقیهان مذاهب اسلامی در وجوب دفاع از مسلمانان مظلوم را بررسی می‌کند.

محور اول: احکام فقهی ایجابی در یاری مسلمان مظلوم

وجوب دفاع از مظلوم و تقویت روحیه ظلم‌ستیزی در اسلام کاملاً صریح و شفاف است. در این دین هرگونه تمایل به ظلم و حمایت از ظالمان، گناه و معصیت به شمار می‌آید و پیامدهای منفی برای انسان در دنیا و آخرت به همراه دارد. امام خامنه‌ای ره در بیان ارزش دفاع از مظلوم فرموده‌اند:

دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است. کنار نیامدن با ظالم، رشوه‌پذیرفتن از زورمند و زرمند و پافشاردن بر حقیقت، ارزش‌هایی است که هیچ‌وقت در دنیا کهنه

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نمی‌شود. در شرایط و اوضاع و احوال گوناگون، این خصوصیات همیشه با ارزش است. ما اینها را باید دنبال کنیم...^۱.
فقیهان اسلامی این بحث را در سه فرع ذیل بررسی کرده‌اند و فتوا داده‌اند.

۱. وجوب ایستادگی مظلومان در برابر ظالمان

از دیدگاه اسلام، ستم‌دیدن همانند ستمگری ناپسند و محکوم است و به هر کسی ظلم و تعدی شده است، باید قبل از هر کسی و هر چیزی خودش اقدام به دفع ظلم کند. دفع ظلم، فرمان الهی است که در قرآن به صراحت بیان شده است. خداوند در مرحله نخست، تکلیف مردم با ظالمان را چنین بیان می‌فرماید: «وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»^۲ به راستی که خدا هیچ‌گاه ستمگران را دوست ندارد». در واقع این آیه بیان‌کننده این نکته است که مظلومان و ستم‌دیدگان بدانند خدا با ظالمان نیست و آنان را دوست ندارد. پس هر کسی که دل به خدا دارد، نباید با ظالمان باشد یا آنان را دوست بدارد؛ یعنی باید در برابرشان ایستادگی و دشمنی کند. همچنین خداوند می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۳ به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردید، اجازه جهاد داده شده است؛ چراکه به آنان ستم شده است. و خدا بر یاری آنها تواناست». خداوند در آیه‌ای دیگر - ضمن بیان وجوب دفاع از مظلومان - کسانی را سرزنش می‌کند که از مظلومان دفاع نمی‌کنند: «وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»^۴ چرا در راه خدا و [در راه] مردان و زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد [ستم‌دیده‌ای] که می‌گویند: پروردگارا، ما را از این شهر [مکه] که اهلسش ستمگرند، بیرون ببر؛ و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده؛ و از جانب خود، یار و یاور برای ما تعیین فرما». طبری^۵ و فخر رازی بر اساس آیه یادشده، جهاد (رهایی‌بخش) را واجب می‌دانند و در شرایطی که زنان، مردان و کودکان

1. <https://farsi.khamenei.ir> =25931

۲. آل عمران: ۵۷؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۱۱.

۳. حج: ۳۹؛ ر.ک به: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۳؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۳۵.

۴. نسا: ۷۵.

۵. محمد بن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۲۷۹.

زیر ستم به نهایت ناتوانی رسیده‌اند، هیچ عذری در ترک آن جهاد پذیرفته نیست.^۱

امام خمینی علیه السلام درباره وجوب ایستادگی در برابر ظلم می‌فرماید: «کوشش همه مردم باید این باشد که زیر بار ظلم نروند. همان طوری که ظلم حرام است، زیر بار ظلم رفتن هم حرام است. مظلوم شدن غیر از زیر بار ظلم رفتن است. آدم باید تا آنجا که قدرت دارد، زیر بار ظلم نرود».^۲

همچنین ایشان می‌فرماید: «اگر فردی مورد حمله یک دزد یا هر شخص دیگری قرار گیرد و برای او به طور ناعادلانه‌ای تهدید به مرگ صورت گیرد، او موظف است با هر وسیله ممکن از خود دفاع کند، حتی اگر به قتل مهاجم منجر شود. تسلیم شدن و ظلم را پذیرفتن جایز نیست».^۳

جزیری می‌نویسد: «فقیهان اسلامی اتفاق دارند که اگر مردی با فردی مواجه شود که قصد دارد مال او را بگیرد یا او را بکشد، چه در شهری که کمک‌رسانی وجود دارد و چه در بیابانی که کمک‌رسانی نیست و نیز اگر شخصی بخواهد به حریم او تعرض کند، اختیار با اوست که با مجرم صحبت کند و از مسلمین یا نظامیان کمک بخواهد. اگر او مانع شد یا از این کار امتناع کرد و به او حمله نکرد، مرد نیز حق ندارد به او حمله کند. اما اگر مجرم از امتناع سر باز زد و به او حمله کرد برای گرفتن مال، کشتن او یا یکی از اعضای خانواده‌اش یا ورود به حریم او (همسر ...)، یا اگر دزدی با هدف ورود به خانه برای ارتکاب فحشا یا تجاوز به یکی از آنها به خانه نزدیک شود، بر سرپرست خانواده واجب است که با تمام توان و سلاح خود از آنها دفاع کند».^۴

ابوالحسن ماوردی از فقهای شافعی مذهب نیز می‌گوید: «شهید مظلوم است و مظلوم می‌تواند در برابر ظالمی که قصد جاننش را نموده از خود دفاع کند و اگر ظالم کشته شود، ضمانتی و غرامتی برای خون او نیست».^۵ ابن حزم اندلسی نیز درباره دفاع شخص از خود در برابر ظلم ظالم می‌گوید: «فرض است که مظلوم باید به هر چیزی که می‌تواند برای دفاع از خود انجام دهد، به سرعت اقدام نماید».^۶

در هر صورت، راضی شدن به ظلم ظالمان و باقی ماندن در سیطره ظالمان، از نظر اسلام مردود و ممنوع است.

۱. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۴۱.

۲. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۲۶۴.

۳. همو، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۹.

۴. عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۶۴.

۵. ابوالحسن علی بن محمد ماوردی، الحاوی الکبیر، ج ۱۳، ص ۱۲۶.

۶. علی بن احمد ابن حزم اندلسی، المحلی بالآثار، ج ۱۱، ص ۳۱۴.

۲. وجوب یاری مظلومان بر عموم مسلمانان

اگر مظلوم نتواند از خود دفاع کند و در هنگام ظلم کشته شود، بر مسلمانان واجب است که از او دفاع و دادخواهی کنند. نخستین مسئولیت بر عهده ولیّ مظلوم است که باید از او حمایت نماید و قاتل را محاکمه کند. اگر قاتل غیر مسلمان باشد یا کشته‌شدگان مانند حوادث غزه بیش از یک نفر باشند، اولیای قربانیان حق دارند جنایت‌کاران را به محاکم بین‌المللی بکشانند. اگر چنین محاکمه‌ای امکان‌پذیر نباشد یا مستکبران مانع شوند، اولیای کشته‌شدگان باید به هر طریق ممکن حق خود را از جنایت‌کاران بستانند. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَأَنَّ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا؛^۱ هر که حق مظلوم را از ظالم بگیرد، در بهشت همراه من خواهد بود».

شیخ طوسی درباره‌ی دفاع از مظلومان می‌نویسد: «... باید ملت‌ها با یکدیگر متحد شوند تا از یکدیگر حمایت کنند، همکاری داشته باشند و از ظلم و ستم دوری کنند و در این راستا همچون یک دست واحد عمل کنند».^۲

همچنین امام خمینی علیه السلام درباره‌ی وجوب دفاع مسلمانان می‌فرماید:

اگر سرزمین‌های مسلمانان یا مرزهای آنها با دشمنی روبرو شود که بر اسلام و اجتماع آنها تهدیدی احساس می‌شود، بر آنها واجب است که با هر وسیله ممکن از جمله بذل اموال و جان‌های خود از آن دفاع کنند.^۳

امام خامنه‌ای علیه السلام درباره‌ی وظیفه مسلمانان در برابر ظالمان می‌فرماید: «... نظام سیاسی اسلام با ظالم مخالف است؛ خیلی ساده دستور دارد "و كُنَّا لِلظَّالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا"^۴؛ به ما گفته‌اند "و كُنَّا لِلظَّالِمِ حَصْمًا". امیرالمؤمنین علیه السلام وصیتش به دو فرزندش ... این است که با ظالم دشمن باشید؛ با ظالم خصومت کنید «و لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا».^۵ آیت‌الله مکارم شیرازی درباره‌ی وجوب دفاع از مظلومان مسلمان و بلاد اسلامی می‌فرماید: «... اسلام مسلمانان را به مبارزه با ظلم و دفاع از مظلومان امر می‌کند و این شامل نجات مظلومان از دست ظالمین حتی اگر مظلوم غیر مسلمان باشد، نیز می‌شود. آیه شریفه‌ای از سوره "نساء" به‌وضوح بر این ادعا تأکید دارد: "وَ مَا لَكُمْ لَا

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵۹.

۲. محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، ص ۱۸۱.

۳. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۱۷.

۴. سیدرضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۲۱.

تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ...؛ با توجه به این آیه شریفه، تعجبی ندارد اگر ما شاهد باشیم که مردم ایران عزیز ندا دهند که از مظلومان در فلسطین، لبنان، افغانستان، عراق، بوسنی و دیگر ملل تحت ظلم دفاع کنند؛ زیرا آنها به مضمون این آیه عمل می‌کنند و باید سریعاً به ندهای هر مظلومی در هر نقطه از جهان از آمریکا تا آفریقا و از اروپا تا آسیا و استرالیا پاسخ دهند و کمک کنند تا او را از دست ظالمین نجات دهند. شگفت‌انگیز است که برخی کشورهای اسلامی نه تنها به حمایت از مسلمانانی که تحت ظلم در فلسطین قرار دارند، اقدام نمی‌کنند، بلکه به ایجاد روابط با دشمنان و تبادل سفرای با آنها مبادرت می‌ورزند و دست در دست یهودیان ظالم می‌گذارند تا دولت مردمی مردم مظلوم فلسطین را سرنگون کنند.^۱

ابن حجر عسقلانی درباره حدیث نبوی ﷺ «انصر أخاك ظالماً أو مظلوماً»، می‌گوید: مردی گفت: ای رسول‌الله، اگر او مظلوم باشد، چگونه به او کمک کنم؟ و اگر او ظالم باشد، چگونه به او کمک کنم؟ پیامبر ﷺ پاسخ دادند: «از ظلم او پرهیز کن، زیرا این خود نصر اوست». گفتنی است این روایت را احمد از هشیم از عبیدالله نقل می‌کند و اسماعیلی نیز از طرق دیگری از هشیم به همین مضمون نقل کرده است.^۲ وی بعد از نقل این حدیث درباره یاری مسلمان مظلوم، می‌گوید: «عنوان "نصر المظلوم" یک وظیفه جمعی (فرض کفایی) است که برای همه مظلومان و همچنین ناصران استفاده می‌شود؛ به این معنا که فرض کفایی، بر همه واجب است و این نظریه قوی‌تر به نظر می‌رسد. این وظیفه گاهی بر افراد خاصی که توانایی انجام آن را دارند، واجب می‌شود... اگر فرد بداند یا به طور قوی گمان کند که عمل او فایده‌ای نخواهد داشت، وجوب آن ساقط می‌شود، ولی اصل استحباب باقی می‌ماند».^۳

شمس الأئمه سرخسی^۴ درباره لزوم دفاع از مظلوم از طریق قضاوت می‌گوید: «وَأَمَّا قَالَ مسروق ان القضاء يومًا بالحق أحب إلي من أن أربط سنة لما في اظهار الحق من المنفعة للناس ودفع الظلم عن المظلوم واتصال الحق إلى المستحق ومنع الظالم عن الظلم واليه أشار النبي ﷺ في قوله عدل ساعة خير من عبادة سنة».^۵

۱. ناصر مکارم شیرازی، یسنلونک عن...، ص ۶۰.

۲. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۶، ص ۲۶۳.

۳. همان، ص ۲۶۴.

۴. از عالمان حنفی مذهب.

۵. محمد بن احمد شمس الأئمه سرخسی، المبسوط، ج ۱۶، ص ۷۲.

۳. وجوب دفاع از مظلومان توسط حکومت

افزون بر عموم مردم، حکومت اسلامی و دولت‌های مسلمان نیز واجب است از مظلومان کشور خود و دیگر مسلمانان جهان دفاع کنند و ریشه‌های ظلم را از میان آنان برچینند تا به هیچ‌کس و به هیچ‌وجه در حوزه حکومتی آنان ظلمی واقع نشود. خدای متعال از لسان ذوالقرنین می‌فرماید: «قَالَ أَمَا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا؛^۱ گفت اما کسی را که ستم کرده است، مجازات خواهیم کرد؛ سپس به سوی پروردگارش باز می‌گردد و خدا او را مجازات شدیدی خواهد کرد». آیت‌الله خامنه‌ای عنه‌السلام درباره وظایف دولت‌های مسلمان و رؤسای کشورهای اسلامی در دفاع از مسلمانان مظلوم می‌فرماید:

... رؤسای کشورهای اسلامی و نخبگان سیاسی و دینی و فرهنگی در دنیای اسلام وظایف سنگینی بر دوش دارند ، وظیفه دفاع قاطع از اقلیت‌های تحت ستم مسلمان، همچون مظلومان میانمار و غیره؛ و از همه مهم‌تر وظیفه دفاع از فلسطین و همکاری و همراهی بی‌چند و چون با ملت‌تی که نزدیک به هفتاد سال است برای کشور غصب‌شده خود مبارزه می‌کند.^۲

فقیهان شیعه، دولت‌های مسلمان را در ایفای حقوق مظلومان و محرومان تشویق می‌کنند و فتوا داده‌اند که برای نصرت مظلومان از هر راه ممکن استفاده نمایند؛ برای مثال شیخ طوسی درباره صرف بیت‌المال برای اجرت قاضیان جهت داوری و احقاق حقوق مظلومان نوشته است: «و لأن بیت المال للمصالح، و هذا منها بل أكثرها حاجة إليه، لما فيه من قطع الخصومات، و استيفاء الحقوق، و نصرة المظلوم و منع الظالم».^۳

جزیری نیز دیدگاه فقیهان اهل سنت در این مسئله را چنین بیان می‌کند: «فقیهان اتفاق نظر دارند که اگر مقتول مسلمان و بی‌گناه باشد و قاتل مکلف و عاقل و پدر یا جد مقتول نباشد، و نیز اگر مقتول دارای فرزندان ذکور بالغ و عاقل باشد که در مجلس قضا حاضر هستند و مطالبه قصاص کنند، بر حاکم واجب است حکم را بدون تأخیر اجرا کند، مگر اینکه قاتل زن حامله باشد که در این حالت، اجرای قصاص به تأخیر می‌افتد تا او زایمان کند و نوزاد خود را شیر دهد».^۴

۱. کهف: ۸۷؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۷۵۷.

2. <https://farsi.khamenei.ir/> =1016.

۳. محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۸، ص ۸۴.

۴. عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۲۳۵.

محور دوم: احکام فقهی سلبی در مبارزه با ظالم

در دین اسلام و به تبع آن در منابع فقهی عالمان اسلام، احکام متعددی درباره مبارزه با ظلم و ظالمان وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۱. حرمت سکوت در برابر ظلم ظالمان

فقیهان مسلمان، سکوت ظلم‌شونده یا دیگر مسلمانان به‌ویژه عالمان اسلام و صاحبان اعتبار و احترام در جامعه در برابر ظلم ظالمان را حرام می‌دانند. امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله ذیل مباحث امر به معروف و نهی از منکر، در چند مسئله به این موضوع می‌پردازد و از جمله در مسئله‌ای می‌فرماید: «لو كان في سكوت علماء الدين ورؤساء المذهب - أعلى الله كلمتهم - تقوية للظالم وتأييد له - والعياذ بالله -، يحرم عليهم السكوت، ويجب عليهم الإظهار ولو لم يكن مؤثراً في رفع ظلمه؛^۱ بدین معنا که اگر سکوت عالمان و رؤسای دین باعث تقویت ظالم و تأیید آن شود، سکوت بر علما حرام است و بر آنان واجب است که سخن بگویند، حتی اگر این سخن گفتن تأثیری در برطرف کردن ظلم نداشته باشد».

در منابع اهل سنت نیز موارد فراوانی را در این مسئله می‌توان پیدا کرد؛ برای نمونه در مسند احمد بن حنبل آمده است: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدَيْهِ أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ؛^۲ به‌راستی هرگاه مردم ظالمی را ببینند [که ظلم می‌کند] و در برابر او نایستند و از ظلم جلوگیری نکنند، به‌زودی عقابی فراگیر بر آنان نازل خواهد شد».

۲. حرمت کمک بر ظلم ظالمان

کمک بر ظلم ظالمان از سوی هرکسی که باشد، حرام است و فقیهان مسلمان بر آن اجماع و اتفاق دارند. آیت‌الله خویی علیه السلام در این باره می‌گوید: «اما کمک به ظالمان در ظلمشان، به‌روشنی جایز نیست و در این باره هیچ اختلافی میان مسلمانان وجود ندارد، بلکه این موضوع مورد توافق عقلای جهان نیز هست. بسیاری از خاصه و عامه به حرمت کمک به هر نوع حرام و حرمت مقدمات آن پایبند هستند».^۳ حجاوی مقدسی از عالمان حنبلی مذهب نیز می‌نویسد: «اگر ظالمی ظلم کند، نباید او را کمک کرد تا زمانی که از ظلم خود برگردد».^۴

۱. سیدروح‌الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۰۷.

۲. احمد بن محمد ابن حنبل شیبانی، مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. سیدابوالقاسم خویی، مصباح الفقاهة، ج ۱، ص ۶۵۴.

۴. موسی بن احمد حجاوی مقدسی، الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۲۹۰.

۳. حرمت ظلم به مردم

همه فقیهان اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، ظلم را به لحاظ عقلی قبیح و از حیث شرعی حرام می‌دانند و ظالمان را در آخرت مستحق عذاب الهی می‌دانند. ابن رشد اندلسی درباره حرمت و سوءعاقبت ظلم به دیگران، روایتی از ابن عباس درباره مشاهده‌های جناب جعفر طیار نقل می‌کند: وقتی جعفر بن ابی طالب از حبشه برگشت، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را در آغوش گرفت و میان دو چشمانش را بوسید و گفت: «جعفر شبیه‌ترین مردم به من از نظر خلق و خوی است. ای جعفر، چه چیز عجیبی در سرزمین حبشه دیدی؟» جعفر گفت: «ای رسول‌الله... زن سیاه‌پوستی را دیدم که بر سرش زنبیلی از گندم داشت. مردی بر روی حیوانش به او برخورد کرد و جعبه‌اش افتاد و دانه‌هایش پخش شد. آن زن به جمع‌آوری آن دانه‌ها از روی زمین پرداخت و گفت: وای بر ظالم از قاضی در قیامت، وای بر ظالم از مظلوم در روز قیامت، وای بر ظالم وقتی که صندلی قضاوت در روز قیامت قرار داده شود». سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خداوند امتی را که ضعیف‌ترین آنها حق خود را از قوی‌ترینشان بدون هیچ ترس و لرزی نگیرد، مقدس و سعادت‌مند نمی‌کند».^۱

شیخ صالح اللحیدان^۲ - بعد از انفجار برج‌های دوقلوی نیویورک آمریکا در سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی - آن را ظلم مسلم به انسانیت و افساد در ارض دانست و درباره‌اش این‌گونه فتوا داد: «چنین جنایتهایی که تفاوتی بین نوزاد و زن، پیر و سالخورده، بیمار و سالم قائل نیستند و بر دارایی و اهل آنها حمله می‌برند، از جمله جنایتهای بزرگ و فاحش و خطرناک به شمار می‌آیند؛ زیرا این امر در شریعت اسلام با عنوان فساد در زمین و نابودی کشت و نسل دیده می‌شود؛ و این موضوع را اسلام حرام کرده است. خداوند - عزوجل - و پیامبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این عمل را حرام کرده‌اند. وقتی پیامبر دید که زنی در میدان جنگ کشته شده است، فرمود: "این زن نباید کشته می‌شد؛" به این معنا که قتل او جایز نیست».^۳

۱. محمد بن احمد ابن رشد اندلسی، البیان و التحصیل، ج ۱۷، ص ۸۸.

۲. عضو هیئت کبار علماء و رئیس قوه قضائیه عربستان سعودی.

۳. صالح بن محمد اللحیدان، وجوب العدل و تحریم الظلم، ص ۴.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، تصحیح: مجتهدالدین خطیب، [بی جا]: المكتبة السلفية، [بی تا].
۲. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، المحلّی بالآثار، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: دار الجیل، [بی تا].
۳. ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، تحقیق: احمد محمد شاکر، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۶ ق.
۴. ابن رشد اندلسی، محمد بن احمد، البیان والتحصیل، تحقیق: محمد حجّی، چ ۲، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۵. ابن عبدالهادی، محمد بن احمد، العقود الدرّیة، بیروت: دار الكتاب العربی، [بی تا].
۶. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، چ ۲، تحقیق: احمد محمد شاکر، محمد فؤاد عبدالباقی و ابراهیم عطوه، قاهره: شركة مصطفى البابی الحلبي، ۱۳۹۵ ق.
۷. حجاوی مقدسی، موسی بن احمد، الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبل، تحقیق: عبداللطیف محمد موسی سبکی، بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
۸. خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسیله، چ ۶، تهران: مکتبه اعتماد الکاظمی، ۱۳۶۶ ش.
۹. _____، صحیفه امام، چ ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. خویی، سیدابوالقاسم، مصباح الفقاهة، تقریر: محمدعلی توحیدی تبریزی، قم: داوری، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. شمس الأئمه سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
۱۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، چ ۳، تهران: المکتبة الرضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق.
۱۳. صنعانی، محمد بن اسماعیل، التنویر شرح الجامع الصغیر، تحقیق: محمد اسحاق محمد ابراهیم، ریاض: مکتبه دار السلام، ۱۴۳۲ ق.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. عوده، سلمان بن فهد، دروس للشیخ سلمان عوده، در وبسایت اسلاموب.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۱۳۶۴ ش.
۱۹. اللحیدان، صالح بن محمد، وجوب العدل و تحریم الظلم علی الناس كافة، ریاض: وزارة الشؤون الإسلامية و الدعوة، ۲۰۰۱ م.
۲۰. ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد، الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، یستلونک عن...، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، قم: دارالنشر الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۳۱ ق.
۲۳. _____، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامية ۱۳۷۱ ش.

پایگاهها و وبسایتها:

۱. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <http://Khamenei.ir>
۲. پایگاه دکتر حسام الدین بن موسی عفانه، به نشانی: <http://yasaloonak.net>
۳. پایگاه اسلاموب: <http://islamweb.net>

مبانی و مؤلفه‌های شهادت‌طلبی در قرآن و متون فریقین

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد فلاح‌زاده*

اشاره

عشق به شهادت یکی از سنت‌های پیامبران و نشانه‌ای از ایمان در جامعه اسلامی به شمار می‌آید. قرآن کریم به جایگاه شهیدان و زندگی بهشتی آنها اشاره می‌کند که این موضوع سبب افزایش علاقه مؤمنان به شهادت شده است. سخنان پیامبر ﷺ و تلاش‌های یاران او نیز موجب تحکیم این عشق در میان مسلمانان شده است. این نوشتار، به بررسی مبانی شهادت‌طلبی مؤمنان بر اساس آیات قرآن و متون روایی فرقه‌های اسلامی می‌پردازد و نشان می‌دهد که شهادت‌طلبی موضوعی مشترک در میان تمامی فرقه‌هاست. تفاسیر آیات و روایات موجود در میان شیعه و اهل سنت از این دیدگاه به یکدیگر شباهت دارند.

مؤمنان بر این باورند که با جهاد در راه خدا می‌توانند به یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) دست یابند. خداوند به شهادت‌طلبان می‌فرماید: «آیا درباره ما جز یکی از دو نیکی [پیروزی یا شهادت] را انتظار دارید؟»^۱ در جنگ احد، جوانان انصار با تمایل به کسب مقام شهادت از پیامبر درخواست کردند تا به میدان نبرد بروند.^۲

شناخت مفهوم شهادت

شناخت مفهوم شهادت، نخستین گام برای ورود به این مسئله است. اگر فردی از چگونگی مسیر آگاهی نداشته باشد، نمی‌تواند به درستی آن را طی کند. در قصه خضر علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام

* عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم.

۱. توبه: ۵۲.

۲. محمد بن سعد بغدادی، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۱.

خضر به موسی می فرماید: «... إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا!؛^۱ تو نمی توانی با من صبر کنی؛ زیرا به علم و آگاهی لازم دست نیافته ای». گام بعدی پذیرش این علم، با قلب و درون است که باید به امری اعتقادی تبدیل شود. شهادت طلبی به معنای بی ملاحظه جان دادن نیست. خداوند می فرماید: «لَا تَلْفُتُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛^۲ خودتان را به هلاکت نیندازید». زندگی یکی از ارزشمندترین نعمت هاست و انکار آن به معنای شناختن ارزش آن است. قرآن بر اهمیت حیات تأکید می کند و می فرماید که باید از زندگی بهره برداری کرد تا در مسیر کمال قرار گرفت و برای دیدار خدا آماده شد. بدین ترتیب، تمایل به کشته شدن بدون برنامه ریزی در جنگ، می تواند به پیروزی دشمن و تضعیف جبهه خودی منجر شود.

مبانی شهادت طلبی

خداوند در قرآن مبانی چندگانه ای برای روحیه شهادت طلبی در نظر گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود.

۱. باور راسخ قلبی و نگاه عمیق اعتقادی به درستی راه خدا و اینکه حرکت در این راه پایانی جز پیروزی نخواهد داشت. بنابراین تنها گروهی از اهل ایمان که به این درجه از ایمان رسیده اند، می توانند پای در این مسیر بنهند. تأملی در آیه ۵۲ سوره «توبه» همین معنا را به دست می دهد: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ؛ ما یکی از دو حسنی [بهترین] را داریم که یکی پیروزی و دیگری شهادت است».

۲. دومین مبانی شهادت طلبی، پاسخ به دعوت خدا برای جهاد خالصانه با مشرکان در جایگاه دشمنان راه خداست. بر اساس این تعریف، پروردگار از طایفه مؤمنان دعوت می کند که در راه او جهاد کنند و از شهادت نترسند که پایان این امر با پاداشی بزرگ همراه است. برخی از آیات قرآن به روشنی این نگاه را ارائه می کنند که حق تعالی مؤمنان را دعوت می کند تا جان خود را با خدا معامله کنند؛ از جمله می فرماید: «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا؛^۳ از میان مؤمنان شماری به عهدی که با خدا

۱. کهف: ۶۷-۶۸.

۲. بقره: ۱۹۵.

۳. احزاب: ۲۳.

بستند، صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در انتظار شهادت‌اند و [این طیف منتظران، هرگز عقیده خود را] تغییر ندادند».

۳. سومین مبنای شهادت‌طلبی، عشق به خداست که در این «صفت مؤمنانه»، تلاش برای کسب رضایت الهی تبلور می‌یابد؛ زیرا مؤمنان همان جماعتی‌اند که بیشترین و شدیدترین عشق‌ورزی در قلب آنها به خدای متعال است. خدای متعال می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ...»^۱؛ برخی از مردم [نادان]، عاشق امور مادی دنیوی هستند و آن امور دنیوی را همان اندازه دوست دارند که خدا را دوست دارند؛ درحالی‌که می‌بایست خدا را بیشتر دوست داشته باشند، اما مؤمنان [آن‌گونه نیستند و] به شدت عاشق خدای‌اند...».

۴. چهارمین مبنای شهادت‌طلبی، حرکت در مسیر مبارزه با ستم و ستمگران و کوشش برای هدایت انسان‌هاست. همان‌طور که امام حسین علیه السلام در این باره فرمود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ آبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛^۲ من برای اصلاح امت جدّم قیام کرده‌ام و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و سنت جدّم و روش پدرم علی بن ابی‌طالب علیه السلام رفتار کنم».

۵. پنجمین مبنای شهادت‌طلبی، شناخت دشمن و درک موقعیت است. چه بسا گاهی رویارویی با دشمن نیاز به فعالیت فرهنگی یا اقتصادی و ... دارد و جایی برای فعالیت نظامی نیست تا شرایط شهادت‌طلبی پدید آمده باشد. البته شهادت‌طلبی منوط به عملیات نظامی صرف نیست و می‌تواند هر شخصی در هر جایگاهی در جبهه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... جهاد نماید و سرانجام هم امرش به شهادت ختم شود.

نگاهی به احوال امروز جهان، ما را به این واقعیت آشنا می‌کند که گاهی امر شهادت‌طلبی به انحراف می‌رود؛ یعنی مسلمانان به جای درگیری با دشمنان اسلام، به جنگ نیروهای مسلمان می‌روند که به اشتباه دشمن پنداشته شده‌اند؛ چنان‌که امروزه جریان‌های سلفی تکفیری، نمونه بارز این رفتارهای انحرافی هستند که بارها به جای رفتن به جنگ دشمن، به جنگ برادران مؤمن خود رفته‌اند؛ مانند عملیات‌های تروریستی که از سوی سلفی‌های تکفیری در مجلس شورای اسلامی (۷ خرداد ۱۳۹۶) یا حرم شاه‌چراغ (۴ آبان ۱۴۰۱) در شیراز رخ داد.

۱. بقره: ۱۵۶.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۰.

۶. یکی دیگر از مبانی شهادت طلبی، اجازه داشتن از خدا یا رسول خدا یا پیشوایان راستین دینی برای شهادت است. اگر این مسئله وجود نداشته نباشد، هر کاری بدون دستور اولیای الهی سبب گرفتاری مؤمنان می شود؛ مانند حمله القاعده به برج های دوقلو در آمریکا که بهانه حمله آمریکا به افغانستان و عراق شد و صدها هزار نفر از مؤمنان را به کام مرگ کشانید؛ از این رو لازم است شهادت طلبی بر مبنای دستور حاکم الهی باشد که به خوبی احکام اسلامی را درک می کند. در این باره می توان نامه امام حسین علیه السلام به مردم بصره را یادآور شد که در آن علت قیام تبیین شده است: «إِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيَتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُخْيِيَتْ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ...»^۱. این امر نشان می دهد زمانی مسئله جهاد و شهادت طلبی در مسیر خود واقع می شود که از سوی مجاهدان اسلام، دشمن به خوبی شناخته شده و میزان انحراف او مشخص باشد، نه مانند جریان عبّاد بصری که امام سجاد علیه السلام را در راه مکه می بیند و به ایشان با گلایه تندی می گوید جهاد را رها کرده ای، چون سخت است و حج را گزیده ای که راحت است؟! سپس آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ... ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» را خواند. امام هم در پاسخ به ایشان فرمود: «آیه را تا آخر بخوان که خدا می فرماید: "التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ التَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ"»^۲ و سپس فرمود خدا می فرماید: هرگاه کسانی را یافتی که این صفت ها را داشتند، جهاد همراه آنان افضل از حج است و [ولی الان افرادی که ادعای جهاد می کنند، چنین صفاتی ندارند]»

۷. هفتمین مبانی شهادت طلبی، باور به مقام بسیار بلندی شهیدان است. خداوند در این باره به مقام مؤمن آل یاسین یعنی حبیب نجّار اشاره می کند که ضمن نقل ماجرای «اصحاب القرية» در سوره یس آیات ۱۳ تا ۲۹ به وی اشاره شده است. عیسی علیه السلام دو تن از حواریون خود را به انطاکیه فرستاد که در قرآن «الْقَرْيَةَ» خوانده شده است؛ اما فرستادگان پس از ورود به انطاکیه، به دستور پادشاه زندانی می شوند. در ادامه حضرت عیسی، شمعون بزرگ حواریون را به یاری شان می فرستد؛ ولی پادشاه و اطرافیان او تصمیم به کشتن آنها می گیرند. حبیب نجّار هنگامی که از این خبر آگاه می شود، شتابان خود را به منکران می رساند و آنان را به پذیرش یگانه پرستی و معاد دعوت می کند، اما مردم به او یورش می آورند و او را به طرز دردناکی به شهادت می رسانند. در

۱. ابومخنف، وقعة الطف، ص ۱۰۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۲.

ادامه این ماجرا، در قرآن آمده است: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ»^۱؛ یعنی به حبیب گفته شد وارد بهشت شو و اینجا بود که گفت کاش قوم من می‌دانستند که به چه جایگاهی (مقام مکرمین) دست یافته‌ام.

مؤلفه‌ها و شرایط شهادت‌طلبی

در نگاه فرقه‌های اسلامی نیز شهادت‌طلبی به یک معنا به کار رفته است؛ یعنی با بررسی متون شیعی و اهل سنت درمی‌یابیم که یک نگرش به شهادت در هر دو دیده می‌شود. در ادامه برخی از این مؤلفه‌ها و شرایط را مرور می‌کنیم.

اخلاص

نخستین امر در شهادت‌طلبی، اخلاص است؛ به همین دلیل هر مؤمنی که در پی شهادت است، باید شهادت را فقط برای نیل به خدای متعال طلب کند. منابع شیعی و اهل سنت با نقل ماجراهایی، این موضوع را تأیید می‌کنند؛ برای مثال ابن‌هذیل اندلسی از عالمان اهل سنت نقل می‌کند: «از پیامبر ﷺ شنیده شده است هر کسی شهادت را با نیت خالص و از روی صدق طلب کند، خدا او را به مقام شهیدان می‌رساند، گرچه در منزل از دنیا برود»^۲. همین عبارت را علامه مجلسی در کتابش آورده است: «مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الشَّهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَّغَهُ اللَّهُ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فَرَاشِهِ»^۳.

از سوی دیگر اینکه کسی بدون نیت الهی وارد میدان جنگ شود و کشته شود، شهید محسوب نمی‌شود. قرآن کریم اشاره می‌کند که خدای متعال دوست ندارد مؤمنان با هدف به‌دست آوردن مال دنیا به جهاد بروند و این امر را درباره نیت برخی از حاضران در جنگ بدر (سال دوم هجرت) نکوهش می‌کند: «تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ»^۴؛ شما [ای بعضی از اصحاب رسول‌الله] متاع [زودگذر] دنیا را می‌خواهید، ولی خدا آخرت را [برای شما] می‌خواهد».

نمونه اخلاص در شهادت‌طلبی در روزگار معاصر را می‌توان از شهیدان دفاع مقدس و مدافع

۱. یس: ۲۶.

۲. ابن‌هذیل اندلسی، تحفة الأنفس و شعار سكان الأندلس، ص ۸۴.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۰۱.

۴. انفال: ۶۷.

حرم یاد کرد که خالصانه دست از دنیا و متعلقات آن شستند و به سوی پروردگار خود پرواز کردند. برابر آنچه در خاطره‌های نویسندگان از این دوره به یادگار مانده است، آنان با این نوا به استقبال شهادت می‌رفتند:

کجایید ای شهیدان خدایی	بلاجویان دشت کربلایی
کجایید ای سبک بالان عاشق	پرنده‌تر ز مرغان هوایی ^۱
همه رفتند و تنها مانده‌ام من	ز همراهان خود جا مانده‌ام من
گلی گم کرده‌ام می‌جویم او را	به هر گل می‌رسم می‌بویم او را
گل من یک نشانی در بدن داشت	یکی پیراهن کهنه به تن داشت

معامله با خدا

یکی دیگر از اشتراک‌های فرقه‌های اسلامی، تعریف شهادت در جایگاه معامله با خداست. این برداشت دقیقاً از آیات قرآن برمی‌آید و روشن می‌کند که مفسران شیعی و اهل سنت یک معنا را از این آیات فهمیده‌اند؛ یعنی هر دو از یک منبع (رسول‌الله) مطالب خود را در این موضوع خاص دریافت کرده‌اند؛ برای مثال جمال‌الدین ابوبکر خوارزمی از عالمان اهل سنت در ذکر چگونگی تشریح جهاد، همین معنا را از این آیه فهمیده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ ... فَاسْتَبَشَرُوا بِنَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۲ خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است... پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید، شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است»^۳. در میان زیدیه نیز همین فهم از این آیات برداشت شده است؛ برای مثال قاسم بن علی معروف به عیانی (یکی از ائمه زیدی) در نامه به اهل نجران می‌نویسد کسی که در راه خدا به مجاهدت پردازد و جان خود را به خدا بفروشد، خدای متعال او را طبق همین آیات وعده بهشت داده است.^۴ در متون امامیه نیز این آیه به معنای شهادت طلبی آمده است؛ در این باره از جابر انصاری نقل شده است که با

۱. جلال‌الدین محمد بلخی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۷۰۷.

۲. توبه: ۱۱۱.

۳. جمال‌الدین ابوبکر خوارزمی، مفید العلوم و مفید الهموم، ص ۵۸۵.

۴. قاسم بن علی عیانی، مجموع کتب و رسائل، ص ۳۳۳.

پیامبر بیعت کردیم که تا پا جان با او باشیم.^۱

رعایت حق الناس

از دیگر مواردی که مراعات آن شرط پذیرش شهادت است، رعایت اخلاق فردی و اجتماعی به‌ویژه حق الناس است. کتب اهل سنت از علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل کرده‌اند که رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگاه جنازه‌ای را می‌آوردند تا آن حضرت بر آن نماز بخواند، ابتدا از اطرافیان متوفی می‌پرسیدند که آیا به کسی بدهکار است یا نه؟ اگر می‌گفتند بله، بدهکار است؛ آن حضرت جنازه را رها می‌کردند و نماز نمی‌خواندند. در تاریخ آمده است آن حضرت یکبار خواستند بر جنازه‌ای نماز بخوانند؛ ابتدا پرسیدند آیا ایشان (شخص مرده) بدهکار است؟ اطرافیان گفتند بله، دو دینار بدهکار است. حضرت آن دو دینار بدهی را خودش به جای شخص متوفی پرداخت و سپس بر جنازه نماز خواند. سعد ابن ابی وقاص از پیامبر پرسید: «من از شخصی طلب دارم، طلبم را نداده و به جنگ با کافران رفته است؛ حکم عمل این شخص چیست؟» رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، ثُمَّ أَحْيَى، ثُمَّ قَتَلَ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ حَتَّى يَقْضَى دَيْنَهُ؛^۲ اگر کسی یک‌بار به شهادت برسد، دوباره زنده شود و دوباره شهید شود، تا زمانی که دین [بدهی] اش را نپردازد، به بهشت نخواهد رفت». همین معنا را مجلسی نیز در روایتی نقل کرده است؛ در این روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از پدرش و ایشان از عبدالله بن جعفر بن ابی طالب از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است: «سَنَّ اللَّهُ مَعَ الدَّائِنِ حَتَّى يَقْضَى دَيْنَهُ».^۳ در متون زیدیه نیز روایتی به همین مضمون از رسول‌الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارد: «نَفْسُ الْمُؤْمِنِ مُعَلَّقَةٌ بِدَيْنِهِ حَتَّى يَقْضَى عَنْهُ؛^۴ جان مؤمن در گرو بدهی اوست و تا نپردازد، رها نخواهد شد».

طلب شهادت از خدا

یکی دیگر از مبانی مشترک فرقه‌های اسلامی در شهادت‌طلبی، اعتقاد به دعا کردن برای شهید شدن است. در حقیقت مسلمانان معتقدند اگر برای شهادت دعا کنند، به‌یقین به شهادت می‌رسند و دعای آنها مستجاب می‌شود؛ چراکه خداوند فرموده است: «... أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۲.

۲. محمد بن احمد ابشیهی، المستطرف فی کل فن مستطرف، ص ۱۱۱.

۳. محمد بن حسن ابن حمدون، التذکره الحمدونیه، ج ۳، ص ۱۷۲.

۴. همان.

دَعَانٍ ...^۱ ... دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم ...». در متون دعایی شیعیان، دعا برای شهادت طلبی بسیار دیده می‌شود؛ از جمله امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «بر مؤمنان شایسته است از روز جمعه بعد از نماز ظهر، این دعا را بخوانند: اللَّهُمَّ اشْتَرِ مِنِّي نَفْسِي الْمَوْفُوفَةَ عَلَيْكَ الْمُخْبُوسَةَ لِأَمْرِكَ بِالْجَنَّةِ ... وَاجْعَلْنِي شَهِيداً سَعِيداً فِي قَبْضَتِكَ». ^۲ همچنین از ابو بصیر نقل شده است که امام صادق علیه السلام در ماه رمضان این دعا را می‌خواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ أَتَوَسَّلُ وَ مِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي ... وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ وَفَاتِي قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ». ^۳

به طور کلی در فرهنگ شیعیان، شهادت طلبی یک امر سفارش شده است. ابن مشهدی در دعای امام زمان علیه السلام پس از نماز صبح آورده است: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ... فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ ... وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ». ^۴ در متون اهل سنت نیز توجه به دعا برای رسیدن به شهادت زیاد دیده می‌شود؛ برای مثال ابن جوزی در کتاب بستان الواعظین آورده است: «اللهم ارزقنا الشهادة و السعادة كما فعلت بهابيل». ^۵ همچنین در احوالات یونس بن میسره جبلانی از عالمان دمشق گفته‌اند که در دعاهایش می‌گفت: «اللهم ارزقنا الشهادة»؛ اما چون کور بود و امکان شرکت در جنگ را نداشت، مردم از این دعای او شگفت‌زده می‌شدند؛ اما او سال ۱۳۲ قمری در حمله عباسیان به شام به آرزویش رسید. ^۶

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابشیهی، محمد بن احمد، المستطرف في كل فن مستظرف، تحقیق: سعید محمد اللحام، چ ۱، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۹ ق.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، بستان الواعظین و ریاض السامعین، تحقیق: ایمن عبد الجبار البحریری، چ ۲، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة، [بی تا].

۱. بقره: ۱۸۶.

۲. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۳۷۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۷۴.

۴. محمد بن جعفر ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۶۶۳.

۵. عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، بستان الواعظین و ریاض السامعین، ص ۲۶۷.

۶. خلیل بن ایبک صفدی، نکت الهمیان فی نکت العمیان، ص ۳۰۳.

۳. ابن حمدون، محمد بن حسن، التذكرة الحمدونية، تحقيق: احسان عباس و بسكر عباس، چ ۱، بيروت: دار صادر، ۱۹۹۶ م.
۴. ابن سعد، محمد، طبقات الكبرى، چ ۲، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ ق.
۵. ابن سليمان، مقاتل، تفسير مقاتل بن سليمان، قاهرة: چاپ عبداللّه محمود شحاته، ۱۹۷۹ - ۱۹۸۹ م.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، چ ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، تحقيق: جواد قیومی اصفهانی، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ق.
۸. ابن هذیل اندلسی، علی بن عبدالرحمن، تحفة الأنفس و شعار سكان الأندلس، تحقيق: عبداللّه أحمد نهبان و محمد فاتح صالح زغل، چ ۱، العين: مركز زايد للتراث و التاريخ، ۱۴۲۵ ق.
۹. ابو مخنف، وقعة الطف، چ ۳، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. بلخی، جلال‌الدین محمد، دیوان شمس، قابل دسترسی در: <https://ganjoor.net/moulavi/shams/ghazalsh/sh2707>
۱۱. ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان (المعروف تفسیر الثعلبی)، بيروت: چاپ علی عاشور، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. خوارزمی، جمال‌الدین ابوبکر، مفید العلوم و مبدء الهموم، تحقيق: عبداللّه بن إبراهيم أنصاري، بيروت: مكتبة عنصرية، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. شجری جرجانی، یحیی بن حسین، الأمالی الخمیسیة، تحقيق: محمد حسن إسماعیل، چ ۱، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۲ ق.
۱۴. صفدی، خلیل بن ایبک، نکت الهمیان فی نکت العمیان، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، چ ۱، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۸ ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، چ ۱، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ ق.
۱۶. عیانی، قاسم بن علی، مجموع کتب و رسائل، تحقيق: عبدالکریم احمد جدبان، چ ۱، صعدة: مكتبة التراث الإسلامية، ۱۴۲۳ ق.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۶۳ ش.

بایسته‌های اعتقادی و فرهنگی تشکیل امت اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی*

اشاره

اسلام، دین کامل و خاتم و نیز دین الهی برای بشر تا پایان تاریخ است؛ همچنین دین اجتماعی، جامعه‌آفرین و تاریخ‌ساز است. راز ماندگاری اسلام و تضمین بقای آن، امت‌سازی است. امتی که با اجتماع مسلمانان و انسجام قلبی، فکری و عملی بر محور امام شایسته شکل می‌گیرد، از آموزه‌ها و دستاوردهای بزرگ رسول خدا ﷺ، از آغازین روزهای هجرت به مدینه به شمار می‌آید. امت اسلامی به سبب عوامل گوناگون داخلی و خارجی، متحمل ضعف و فروپاشی شده است. به برکت انقلاب اسلامی ایران و وقوع رویدادهای بزرگ جهانی در مقیاس تمدنی، فرصت تاریخی تشکیل امت اسلامی و در نتیجه تمدن جدید اسلامی فراهم شده است؛ این مسئله، خواسته انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و بسیاری از خواص آگاه جامعه اسلامی است. امام خامنه‌ای علیه السلام از منادیان جدی این گفتمان است و در مقاطع پرشماری این پیام را اعلان کرده‌اند؛ از جمله می‌فرماید: «یکی از این درس‌های زندگی پیغمبر و دعوت پیغمبر... عبارت است از امت‌سازی؛ تشکیل امت اسلامی»^۱. همچنین می‌فرماید: «ما امروز فاقد امت اسلامی هستیم. کشورهای اسلامی زیادند، نزدیک دو میلیارد مسلمان در دنیا زندگی می‌کنند، اما عنوان "امت" را نمی‌توان بر این مجموعه گذاشت؛ چون هماهنگ نیستند، چون یک‌جهت نیستند»^۲. لازمه تحقق و تشکیل امت اسلامی، مقدمات و الزاماتی است که می‌توان تحت عنوان بایسته‌ها بررسی

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. بیانات رهبری، ۱۴۰۳/۶/۳۱.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=57610>

۲. همان.

کرد. در این نوشتار، تنها به بایسته‌های اعتقادی و فرهنگی تشکیل امت اسلامی پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. امت اسلامی

امت یعنی مجموعه‌ای از انسان‌هایی که در یک جهت، به سوی یک هدف و با یک انگیزه حرکت می‌کنند.^۱ «امت» جماعتی است که به سوی ایشان پیغمبری آمده باشد. گروهی که به پیغمبری ایمان آورده‌اند.^۲ «امت» به معنای گروهی از مردم با فرهنگ، دین یا زبان مشترک است. این کلمه معمولاً در متون دینی و اجتماعی به کار می‌رود. امت بر وزن فُعَلَه، از ریشه (أ-م-م) که به معنای قصد مخصوص است، اشتقاق یافته است و به گروهی گفته می‌شود که مورد قصد و توجه مخصوص دیگران واقع شده‌اند^۳ و در یک ویژگی چون دین، زمان، مکان، نوع یا صنف مشترک و همسان هستند. همچنین به پیروان یک دین و آیین بر اثر همسانی در دین، امت می‌گویند و نیز به مردمی که هم‌زمان با یکدیگر در یک قرن یا در منطقه‌ای از زمین زندگی می‌کنند یا گروهی از مردم که دارای عملکرد یکسان‌اند، امت اطلاق می‌شود.^۴ برخی امت را به معنای قرن و نسل انسانی دانسته‌اند.^۵ امت در قرآن بیشتر به معنای همسانی در دین و آیین و همسانی زمانی و مکانی آمده است: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ».^۶

امت به این معنا را می‌توان بر آنچه در اصطلاح به آن «جامعه» گفته می‌شود، حمل کرد. جامعه در اصطلاح جامعه‌شناسی، جماعتی سازمان‌یافته از اشخاص است که با هم در سرزمین مشترک سکونت دارند و با همکاری در گروه‌ها، نیازهای اجتماعی ابتدایی و اصلی خود را تأمین می‌کنند و با مشارکت در فرهنگی مشترک به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز شناخته می‌شوند.^۷ امت اسلامی دارای ویژگی‌هایی از جمله ویژگی‌های اعتقادی و فرهنگی است. درحقیقت

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه.

۲. محمد معین، فرهنگ معین، ذیل واژه.

۳. حسن مصطفوی، التحقيق، ج ۱، ص ۱۳۵، «امم».

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات، ص ۸۶.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۱۵، «امم».

۶. بقره: ۱۲۸.

۷. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۴۲.

ویژگی‌های اعتقادی و فرهنگی می‌تواند الهام‌بخش پیش‌نیازها و بایسته‌های فرهنگی اعتقادی این سازه قرار گیرند؛ از جمله:

الف) امتی که بهترین است و در ایمان به خدا استمرار دارد و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...»^۱.

ب) در مقابل امت‌هایی که اهل جهنم هستند، امت اسلامی (امت رسول خدا)، اهل بهشت هستند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «هیچ امتی نیست مگر اینکه برخی از آن در بهشت و برخی در جهنم هستند، در حالی که تمامی امت من در بهشت هستند»^۲. به این معنا که اگر امت اسلامی بر اساس انتظارات خداوند و رسول خدا تشکیل شده باشد و دارای ویژگی‌های آن باشند، همچنان‌که در این دنیا پیوستگی خود را با رسول خدا در عمل اثبات کرده‌اند، خداوند آنان را در بهشت نیز همراه رسول خدا قرار می‌دهد.

ج) امت وسط؛ خداوند می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»^۳. امت وسط را به معانی مختلفی بیان کرده‌اند؛ از جمله عادل، امتی که به چپ و راست مایل و منحرف نمی‌شود و در دین افراط و تفریط نمی‌کند و برگزیده است.

د) شاهد و الگو؛ خداوند می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۴ همان‌گونه [که قبله شما، یک قبله میانه است] شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم [در حد اعتدال، میان افراط و تفریط] تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است».

۲-۱. بایسته‌های اعتقادی و فرهنگی

بایسته‌های تشکیل امت اسلامی به این معناست که چه مقدمات، عناصر و ویژگی‌هایی در پیدایش امت اسلامی دخالت دارند. این بایسته‌ها در سه دسته کلی بررسی می‌شوند: بایسته‌های اعتقادی و فرهنگی، بایسته‌های سیاسی و بایسته‌های اقتصادی. در این نوشتار، بایسته‌های اعتقادی و فرهنگی به‌اجمال بحث و بررسی می‌شوند. بایسته‌های اعتقادی، باورها و اصول

۱. آل‌عمران: ۱۱۰.

۲. ر.ک به: ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، ج ۲، ص ۲۴۴.

۳. بقره: ۱۴۳.

۴. همان.

بنیادینی هستند که ایمان مسلمانان را شکل می‌دهند و در جایگاه عامل انسجام‌بخشی به افراد و اعضای امت اسلامی عمل می‌کنند. بایسته‌های فرهنگی، عوامل هویت‌بخش به امت اسلامی هستند که هرچند ممکن است متأثر از دین هم باشند، ماهیت فرهنگی دارند و در جایگاه عوامل تقویت‌کننده پیوندهای اجتماعی میان مسلمانان عمل می‌کنند؛ همچون ادبیات، زبان، سنت‌ها، هنر، معماری، آداب و هنجارهای خاصی که جامعه اسلامی را در مقیاس امت به هم پیوند می‌دهد و به آن اشتراک هویتی می‌بخشد.

۲. بایسته‌های اعتقادی تشکیل امت اسلامی

۱-۲. حقانیت اسلام

اگرچه همه پیامبران الهی در یک مسیر حرکت کرده‌اند و جملگی منادی توحید، معنویت، اخلاق، آزادی، کرامت انسان و عدالت بوده‌اند؛ ولی اسلام در جایگاه دین خاتم، دینی است که رضایت الهی با آن است و غیر آن دینی نخواهد آمد؛ به این معنا که دین الهی تا قیامت، اسلام قرار داده شده است؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۱. همچنین با ابلاغ امامت تاریخی بعد از پیامبر، اوج و کمال نعمت الهی بر بشر تقدیر شد: «اليوم اكملت لكم دينكم...»^۲.

۲-۲. فراگیر بودن اسلام

دین اسلام اختصاص به زمان، مکان، نژاد و قوم خاصی ندارد و مخاطب آن همه بشر در همه زمان‌ها و مکان‌هاست. خطاب‌های قرآنی و هدف‌های ابلاغی پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گواه این مدعاست؛ از جمله: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۳. در واقع خدا می‌خواهد دین پیامبرش را بر همه ادیان غلبه دهد. علامه طباطبایی معنای غلبه دین اسلام بر دیگر ادیان را شامل بر ادیان و همه روش‌ها و مکاتب غیرخدایی می‌داند که در بین بشر رایج است.^۴ بنابراین تنها اسلام، کلید حل معماها و معضلات بشری است و تمامی مکاتب بشری غرب و شرق، هم از درمان دردهای بشر عاجزند

۱. انعام: ۱۱۵.

۲. مانده: ۳.

۳. صف: ۹.

۴. سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۲۵.

و هم به لحاظ جهت نادرست و باطل‌اند. خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِيرِينَ»^۱؛ یعنی پیروی از هر مکتبی و دینی غیر از اسلام هم به لحاظ تشریح در مقیاس دین و آیین مقبول خداوند نیست و هم در تکوین راه به جایی نمی‌برد و باخت قطعی نتیجه آن خواهد بود.

۲-۳. اعتقاد به وحدت اسلامی

دین اسلام یک حقیقت واحد است؛ ولی در طول تاریخ به دلایل مختلف، نحله‌های فکری، مذاهب، فرقه‌ها و مکاتب پرشمار اسلامی به وجود آمده است و متأسفانه جمع مسلمانان را دارای تفرقه و پراکندگی نموده است و موجب تضعیف شوکت و قدرت جامعه مسلمانان شده است. قرآن و آموزه‌های دینی از تفرقه منع می‌کنند و از سوی دیگر به وحدت دعوت می‌نمایند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۲ و «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۳. در این آیات، تکیه وحدت بیشتر بر جنبه سلبی آن، عدم نزاع و تفرقه است. به فرموده رهبر معظم انقلاب: «... یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و میدان سیاست نداشته باشد و مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است»^۴. البته وقتی دنیای اسلام با هم نزاع نداشته باشند و با منطق اسلامی با هم همزیستی داشته باشند، به یقین در عرصه بین‌المللی دشمن مشترک خود را استکبار و صهیونیسم خواهند شناخت و متحدانه در مقابل آن خواهند ایستاد.

۲-۴. مرزبندی دو دسته ولایت الهی و ولایت طاغوت

شرط لازم رسیدن به امت اسلامی، وحدت بین مسلمانان است. لازمه وحدت بین مسلمانان، از بین رفتن نزاع‌ها و جنگ‌های داخلی میان جوامع اسلامی است. در وضعیت وحدت جهان اسلام است که غیریت و طیف‌بندی با شاخص ایمان و عقیده خود را آشکار می‌کند و در میانه دوگانه ولایت الهی و ولایت طاغوت، مسلمانان با اعتصام به حبل الهی خود را در وادی ولایت او قرار می‌دهند. هرچند ممکن است در شرایط همزیستی و عدم منازعه بین‌المللی خود را در

۱. آل عمران: ۸۵.

۲. آل عمران: ۱۰۳.

۳. انفال: ۴۶.

۴. بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۵/۳۰.

این سطح در صحنه تعریف نکنند، ولی اگر نتوانند با پیوند ولایی جمع خود را منسجم کنند، هیچ‌گاه به تشکیل امت اسلامی نخواهند رسید؛ زیرا طبیعت قدرت به‌ویژه بین نظام سرمایه‌داری و صهیونیسم، وجود روح استکبار و زیاده‌خواهی است و تاکنون نیز جهان اسلام آماج سلطه و هضم در نظام کفر جهانی بوده است که به‌واقع تحت ولایت شیطان قرار دارد. همان‌طور که امام خمینی علیه السلام فرمود: «جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیل هم ندارد مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد»^۱.

۲-۵. شناخت و مقابله با جریان‌های اعتقادی وحدت‌شکن

همواره از درون جامعه اسلامی و نیز بیرون از این هویت تمدنی، تلاش‌هایی برای ایجاد تفرقه و جلوگیری از وحدت امت اسلامی وجود داشته است که این تلاش‌ها وجوه مختلفی دارند. تلاش‌ها با انگیزه‌های دینی و اعتقادی چه در گذشته و چه حال، بی‌وقفه در حال فعال کردن گسل‌ها و نقاط افتراق بین نحله‌ها، مذاهب، مکاتب و جریان‌های فکری اسلامی هستند. این نقاط قابل تحریک و فعال‌شدن هم بین شیعیان و هم بین اهل سنت وجود دارد؛ مانند فرقه‌های افراط‌گرای حجتیه؛ احمد الحسن؛ شیرازی‌ها با خاستگاه شیعی که عمدتاً تحت حمایت دشمنان قسم‌خورده اسلام و مسلمانان یعنی آمریکا، انگلیس و صهیونیسم هستند؛ نیز فرقه‌های تکفیری وهابیت، القاعده و داعش که با بهره‌مندی از حمایت پنهان و آشکار نظام‌های استکباری آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی به‌شدت از وحدت و یکپارچگی امت اسلامی جلوگیری می‌کنند و گاهی هم اگر آهنگ ایجاد امت اسلامی هم داشته باشند، با مدیریت و هدایت نظام‌های استکباری است که نتیجه آن به فرموده امام علیه السلام، اسلام آمریکایی است. همچنان‌که ایجاد این فرقه‌ها نیز با توطئه انگلیس، آمریکا و صهیونیست‌ها بی‌ارتباط نیست.

۳. بایسته‌های فرهنگی تشکیل امت اسلامی

۳-۱. تقابل با فرهنگ منحط غربی

آنچه امروزه بیش از هر چیز فرهنگ‌های بومی به‌ویژه فرهنگ اسلامی را در جوامع اسلامی

۱. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۱.

تهدید می‌کند، فراگیر شدن فرهنگ مادی و بی‌خدایی سرچشمه گرفته از مغرب‌زمین است. مهم‌ترین مظاهر فرهنگ مادی عبارت‌اند از: اومانیسزم، لیبرالیسم، سکولاریزم، کاپیتالیسم و مدرنیته که نتیجه آن در جهان اسلام، عبور از اسلام و پذیرش تمدن غرب در جایگاه آیین زندگی فردی و جمعی و حل شدن در آن تمدن بوده است. البته شتاب فزاینده و افراط‌گری غربی‌ها در جهانی سازی فرهنگ و تمدن مادی از یک سو و نیز خلاف فطرت و سنت الهی بودن مبانی و آموزه‌های آن از دیگر سو، افول و انحطاط آن را به سرعت رقم زده است. در دوره گذار افول تمدن غرب، فرصت طلایی ایجاد تمدن اسلامی با «پایگاه امت اسلامی» پیش آمده است. بازیابی هویت اسلامی از مسیر عصیان علیه تمدن غرب و بازگشت به تمدن اسلامی میسر است. درحقیقت کارزاری است که ورود مردم مسلمان را به عنوان اجزای یک امت می‌طلبد و شرکت مردم در این صحنه که به یقین با مقاومت تمدن غرب برای ماندن و جهانی شدن همراه است، با سختی‌ها و ایثار و جهاد آمیخته است. شهید آوینی حرکت عمومی مردم مسلمان را نه با تحریک و تبلیغات روان‌شناسانه، بلکه حضور یک پارچه امت در صحنه جهاد فی سبیل الله را نشان‌دهنده این معنا می‌داند که آنان با خودآگاهی کامل، از تبعیت امیال و غرایز پست و حیوانی خویش خودداری کردند.^۱

۲-۳. فرهنگ همزیستی ایمانی

ورود مسلمانان به عرصه زندگی در امت، نیازمند آمادگی‌های روحی و رفتاری از طرف مسلمانان است. فرهنگ همزیستی و عامل به هم پیوستگی اجتماعی و استقرار و استمرار زندگی جمعی در دیگر جوامع انسانی، نیاز افراد جامعه به یکدیگر و توافق بر امنیت و زندگی بر مدار قانون و حفظ حقوق یکدیگر است. اما مبانی جامعه ایمانی فراتر از نیازهای حیوانی و مادی، از جنس فطرت و همگرایی روح و جان مؤمنان با هم است؛ همان‌گونه که رسول خدا ﷺ در پایه‌گذاری امت اسلامی، «پیمان اخوت» را بین مسلمانان جاری کردند. نکته مهم آن است که پیمان برادری بین مسلمانان با هم منعقد گردید و فرمود: «تأخوا فی الله أخوین أخوین»^۲ دوتا دوتا با هم برادر شوید؛ ثمره این مسئله، شکل گرفتن پیمان برادری ریشه‌دار بین دو طایفه اوس و خزرج بود که بیش از صدویست سال با هم جنگیده بودند.^۳ از سوی دیگر نیز مسلمانان با توجه

۱. سید مرتضی آوینی، توسعه و مبانی تمدن غرب، ص ۸۶.

۲. ابن هشام حمیری، سیره نبوی، ج ۱۲، ص ۵۰۵.

۳. غلامحسین زرگری‌نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص ۳۵۰.

به منافع دنیوی و اخروی مشترک و اینکه اجزایی از یک پیکره واحد به نام امت اسلامی هستند و در جایگاه یک شخصیت و شاکله بزرگ اجتماعی ظهور می‌کنند، حجاب تفاوت‌ها و اختلاف‌های ظاهری زبان، نژاد، قوم و مذهب را کنار می‌زنند و پیمان برادری جدایی‌ناپذیری می‌بندند؛ بنابراین همزیستی ایمانی با همزیستی مردمان در دیگر جوامع متفاوت می‌شود.

۳-۳. استفاده از الگوهای همزیستی امت اسلامی

درباره الگوهای همزیستی امت اسلامی، می‌توان به مواردی اشاره کرد؛ از جمله: الف) حج: حج را می‌توان هم نمونه‌ای از زندگی مسلمانان در امت اسلامی و هم زمینه‌ساز تشکیل امت اسلامی دانست. رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «حج نمونه‌ای معنادار از تشکیل امت اسلامی و فرصت بسیار بزرگی برای هم‌زبانی، همدلی و ابراز همدردی مسلمانان جهان است».^۱ از سویی دیگر «حج نمایش توانایی‌های سخت و نرم امت است».^۲ حج وعده‌گاه مشترک همه مسلمانان با رنگ و نژاد و زبان و مذهب متفاوت است؛ ولی با شعارها و مناسک هماهنگ و محور قراردادن پرستش خدا و وحدت در دشمن‌شناسی (یعنی شیطان و هرچه به او نسبت پیدا می‌کند).

ب) دفاع از فلسطین: اتحادیه بین‌المجالس کشورهای اسلامی در بیانیه پایانی پنجمین نشست اضطراری کمیته فلسطین، تصریح می‌کند: «مسئله فلسطین همچنان اصلی‌ترین مسئله امت اسلامی است».^۳ مسئله فلسطین سبب شده است مسلمانان جهان برای نجات فلسطین در یک‌جا با هم هم‌رزم باشند و در جبهه علیه اشغالگری صهیونیسم جهانی آمریکا، اروپا و رژیم غاصب صهیونیستی مبارزه کنند؛ گرچه حساب دولت‌های دست‌نشانده حاکم بر بسیاری از کشورهای اسلامی با حساب مردم مسلمان یا همان امت اسلامی جداست. در این میان جمهوری اسلامی ایران که یک نظام حکومتی و انقلابی شیعی است، بیش از دیگران بر مسئله فلسطین تأکید دارد و اصولاً یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی، نجات قدس و هم‌دردی با مسلمانان مظلوم فلسطین بوده است؛ به همین دلیل امام امت علیه السلام روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان را روز قدس قرار داد که نماد اجتماع امت اسلامی بر یک موضوع مشترک است.

۱. بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۶/۱.

۲. بیانات رهبری، ۱۳۹۹/۵/۷.

به تعبیر رهبر معظم انقلاب: «فلسطین زنده‌ترین مسئله مشترک امت اسلامی است»^۱.
ج) اربعین: یکی دیگر از صحنه‌هایی که می‌تواند همچون آینه‌ای امت اسلامی را در آن مشاهده کرد، اربعین حسینی است. پیاده‌روی اربعین، نقش تعیین‌کننده و الگوبخشی در وحدت امت اسلامی دارد که مسلمان‌ها در کنار هم امت واحده را به نمایش می‌گذارند. این مراسم وحدت‌بخش نشان می‌دهد که تشکیل امت اسلامی هم امکان‌پذیر است و هم گامی به سوی نهاد جهانی امت اسلامی است.

جمع‌بندی و نتیجه

تشکیل امت اسلامی از اهداف اصلی دین اسلام است که در شرایط کنونی با مشکلات موجود در جوامع اسلامی بیش از پیش ضرورت دارد. این نوشتار بر بایسته‌های اعتقادی و فرهنگی تمرکز داشت که می‌تواند به انسجام مسلمانان و تشکیل یک امت واحد کمک کند. مهم‌ترین این بایسته‌ها شامل حقانیت اسلام، فراگیری آن، اعتقاد به وحدت اسلامی، مقابله با طاغوت و جریان‌های وحدت‌شکن، تقابل با فرهنگ غربی، و ایجاد فرهنگ همزیستی بر اساس ایمان و برادری است. همچنین، مناسک مذهبی نظیر حج و اربعین می‌توانند به عنوان الگوهایی برای تقویت وحدت مسلمانان مورد استفاده قرار گیرند.
در نهایت، تشکیل امت اسلامی نیازمند همکاری و تلاش جمعی مسلمانان در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است تا بتوان به جامعه‌ای منسجم و متحد دست یافت.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قاهره: دارالمعارف، ۱۴۱۴ ق.
۲. ابن‌هشام، عبدالملک، السیرة النبویه، تصحیح: مصطفی السقا، ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، ج ۱۲، بیروت: دارالوفاق، ۱۳۷۵ ق.
۳. آوینی، سیدمرتضی، توسعه و مبانی تمدن غرب، تهران: نشر ساقی، ۱۳۸۶ ش.
۴. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۹ ش.

۱. بیانات، روز قدس، ۱۴۰۰/۲/۷.

۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: روزنه، ۱۳۷۳ ش.
 ۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
 ۷. زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۷ ش.
 ۸. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
 ۹. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، مترجم: غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت، ۱۴۰۲ ق.
 ۱۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرةالمعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.
 ۱۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
 ۱۲. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۸ ش.
 ۱۳. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الایار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، ج ۱۰، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- <https://farsi.khamenei.ir/speech>
- <https://www.iribnews.ir/fa/news/4118492>.

مجاهدان متحد، محبوبان خدا

حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی عبدالله زاده*

اشاره

وحدت مجاهدان در راه خدا از دیدگاه آیات و روایات، اهمیت بسزایی در اسلام دارد. وجود اختلافها و نزاعها میان مجاهدان و جبهه مقاومت، یکی از ترندهای دشمنان اسلام است که به منظور تضعیف مجاهدان و آسان کردن حمله‌های خود به مردم بی‌گناه فلسطین، به تشدید این اختلافها می‌پردازند. بررسی آیات، روایات و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، به روشنی نشان می‌دهد که وحدت در جریان جهاد، یکی از برنامه‌های کلیدی الهی است.

هم‌افزایی و همگرایی از ضرورت‌های جامعه مسلمانان در برابر کافران و دشمنان اسلام به شمار می‌آید. موفقیت مسلمانان در برابر استکبار جهانی، به هماهنگی در جهاد علیه دشمنان بستگی دارد. امروزه نیز شاهد فعالیت گروه‌ها و شبکه‌هایی هستیم که به دنبال تشدید اختلاف‌های مذهبی و قومی میان مسلمانان هستند. در مقابل این شرایط، پرسش بنیادی این است که چرا وحدت میان مجاهدان و جبهه مقاومت در برابر استکبار جهانی به‌ویژه اسرائیل و آمریکا ضروری است؟ باید گفت دشمنان به‌ویژه اسرائیلی‌ها و غربی‌ها با تکیه بر نزاع‌های مذهبی و قومی، سعی در دامن‌زدن به اختلافها و ایجاد تفرقه میان مجاهدان دارند. بنابراین در این نوشتار، به بررسی اهمیت وحدت مجاهدان در راه خدا و تأثیر منفی اختلافها بر قدرت آنها پرداخته می‌شود.

وحدت مجاهدین و پرهیز از اختلاف در آیات

خداوند متعال در آیات مختلف، وحدت میان مجاهدان در راه خدا را تشویق می‌کند و از نزاع و اختلاف نهی می‌نماید؛ از جمله:

* دانشجوی دکتری و پژوهشگر گروه امت و تمدن پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام.

اول: خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَجِبُ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُيَآنٌ مَّرْصُوصٌ»^۱ خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او متحد و یک پارچه در خط و صف واحدی می جنگند، گویی آنان همچون دیواری مستحکم هستند».

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می نویسد: «نفس پیکاری که مطرح است، اهمیت ندارد، بلکه آنچه مهم است این است که پیکار "فِي سَبِيلِ اللَّهِ" باشد و این کار باید با اتحاد و انسجام کامل، همانند سدی فولادین انجام گیرد. مرصوص در اینجا بدین معناست که مجاهدان راه حق در برابر دشمن باید یکدل و یکجان، مستحکم و استوار بایستند، گویی همگی به یک واحد پیوسته اند که هیچ گونه شکافی در میانشان وجود ندارد. از مهم ترین عوامل پیروزی در برابر دشمنان، انسجام و هم پیوستگی صفوف در میدان نبرد است؛ نه تنها در نبردهای نظامی، بلکه در نبرد سیاسی و اقتصادی نیز جز از طریق وحدت، کارها به سرانجام نخواهد رسید. قرآن دشمنان را به سیلابی ویرانگر تشبیه می کند که تنها با سنگر فولادین می توان آنها را مهار کرد. تعبیر به "بُيَآنٌ مَّرْصُوصٌ" جالب ترین تعبیر در این زمینه است؛ در یک بنا یا سد عظیم، هر یک از اجزا نقشی دارند، اما این نقش تنها در صورتی مؤثر خواهد بود که هیچ گونه فاصله یا شکافی میان آنها وجود نداشته باشد و چنان متحد گردند که گویی فقط یک واحد وجود دارد. همگی باید تبدیل به یک دست و یک مشت عظیم و محکم شوند که دشمن را درهم می شکند و متلاشی می کند. افسوس که این تعالیم بزرگ اسلام امروز فراموش شده و جامعه اسلامی نه تنها شکل "بُيَآنٌ مَّرْصُوصٌ" ندارد، بلکه به صفوف پراکنده ای تبدیل گشته که در برابر یکدیگر ایستاده اند و هر کدام هوا و هوس خاص خود را دارند ... هم اکنون آثار خشم خدا و غضب الهی را در این جامعه چند صد میلیون نفری با چشم خود می بینیم که یکی از نمونه های آن تسلط گروه کوچکی از صهیونیست ها بر سرزمین های اسلامی است»^۲.

بنابراین در شرایط عادی، وحدت و اتحاد و دوری از تفرقه لازم است؛ اما در برابر دشمن، صفوف مؤمنان باید متحدتر، نفوذناپذیرتر و مستحکم تر باشد.^۳

دوم: خداوند متعال می فرماید: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

۱. صف: ۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۶۴-۶۶.

۳. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۹، ص ۶۰۳.

وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛^۱ [فرمان] خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و در میان خود نزاع و کشمکش نکنید تا سست نشوید و قدرت و شوکت شما از میان نرود؛ و صبر و استقامت کنید که خداوند با صابران است».

علامه طباطبایی^{رحمته الله} در تفسیر این آیه می‌فرماید: «با نزاع و کشمکش میان خود، اختلاف ایجاد نکنید و عزت و قدرت خود را از دست ندهید؛ زیرا اختلاف، وحدت کلمه و شوکت و نیروی شما را از بین می‌برد».^۲ ایشان در ادامه اشاره می‌کنند که رعایت اطاعت از خدا و رسول^{صلی الله علیه و آله} و نداشتن نزاع و اختلاف در جنگ‌های اسلامی به‌ویژه هنگامی که مسلمانان با لشکر دشمن مواجه می‌شوند، واجب است. دقت در جزئیات تاریخ جنگ‌های اسلامی زمان رسول^{صلی الله علیه و آله} مانند بدر، احد، خندق و حنین، به‌روشنی بیان می‌کند که رمز پیروزی مسلمانان در رعایت همین دستورات بوده است و علت شکست آنها در موارد ناکامی، بی‌توجهی و سهل‌انگاری در پایبندی به این اصول بوده است.^۳

خداوند در این آیه، مجاهدان مؤمن را از اختلاف و تنازع نهی می‌کند؛ فخر رازی می‌نویسد: «خداوند در این آیه بیان می‌کند که ثمرهٔ نزاع و اختلاف دو چیز است؛ نخست: سستی و ضعف؛ و دوم: از دست دادن حکومت و دولت».^۴ اتحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورهای اکید الهی است که در آیات متعدد به آن تأکید شده است و باید در تمام زمینه‌ها رعایت گردد؛ به‌ویژه در زمان جنگ و درگیری با دشمن که ضرورت بیشتری دارد؛ همچنان‌که خداوند در سوره «صف»^۵ از اتحاد، نظم و هماهنگی مجاهدان تعریف کرده است.^۶

سوم: خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِمَّن بَعْدَ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يَرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»^۷ و

۱. انفال: ۴۶.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۹۵.

۳. همان، ص ۹۶-۹۷.

۴. محمد فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۵، ص ۴۸۹.

۵. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ».

۶. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۳، ص ۳۳۰.

۷. آل عمران: ۱۵۲.

به یقین خدا وعده‌اش را برای شما در جنگ احد تحقق داد، آن زمان که دشمنان را به فرمان او تا مرز ریشه‌کن شدن می‌کشتید، اما وقتی سست شدید و در مورد جنگ و غنیمت و حفظ سنگری که محل نفوذ دشمن بود، به نزاع و ستیز برخاستید و پس از آنکه آنچه را که از پیروزی و غنیمت دوست داشتید، به شما نشان داد، از فرمان پیامبر در رابطه با حفظ سنگر سرپیچی کردید. برخی از شما دنیا را می‌خواستید و برخی دیگر خواهان آخرت بودند؛ سپس خداوند برای آنکه شما را امتحان کند، از پیروزی بر آنها بازداشت و از شما درگذشت. و خداوند بر مؤمنان دارای فضل است».

علامه طباطبایی^۱ در تفسیر این آیه می‌فرماید: «جمله "حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ غَضِبْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ" به عملی که تیراندازان کردند، ناظر است. در بین خود نزاع به وجود آوردند؛ یک عده گفتند باید فرمان رسول خدا را اطاعت کنیم، و عده‌ای دیگر گفتند باید خود را به همراهان رسول خدا برسانیم تا غنیمتی به چنگ آوریم. این بگو و مگو آنها را سست کرد و در نهایت، بیشترشان از رسول خدا^{صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} نافرمانی کرده و مواضع خود را خالی کردند».^۱ سستی، نزاع و اطاعت نکردن از فرماندهی از جمله عوامل شکست است. جزای کسی که به جای شکر نعمت پیروزی، به اختلاف و نافرمانی و سستی دامن بزند، شکست است.^۲ بنابراین، خداوند متعال در این آیات و آیات دیگر^۳ مجاهدان در جنگ و در راه خدا را تشویق می‌کند که با هم وحدت داشته باشند و از اختلاف و نزاع دوری کنند؛ زیرا این موارد موجب شکست در جهاد می‌شود. چنان‌که امروزه مسلمانان با اختلاف‌هایی که دارند، نمی‌توانند در برابر اسرائیل پیروز شوند، مگر اینکه به صفوف جبهه مقاومت ملحق شوند.

وحدت مجاهدان و پرهیز از اختلاف در روایات

در روایات متعددی مجاهدان و مسلمانان به همبستگی و هم‌افزایی سفارش شده‌اند؛ همچنین از اختلاف و تفرقه بر حذر داشته شده‌اند. آیت‌الله جوادی می‌فرماید: «حضرت علی^{عَلَيْهِ السَّلَام} گاهی با زبان محبت و تشویق جامعه اسلامی را به اتحاد و هم‌صدایی فرا می‌خواند و گاهی با لحن تهدید، امت اسلامی را از تفرقه بر حذر می‌دارد. در برخی مواقع، خیر جامعه را در سایه وحدت

۱. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۴.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۶۲۸.

۳. همان.

معرفی می‌کند و در دیگر مواقع، خطر تفرقه را اعلام می‌دارد؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَالرَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ»؛^۱ زیرا دست غیبی پروردگار بر متحدان است، باید سواد اعظم و امت منسجم اسلامی را حفظ نمود. همچنان‌که گوسفند وامانده از رمه از حفاظت چوپان محروم است و طعمه گرگ می‌شود، لازم است از صفوف به‌هم‌فشرده مسلمانان فاصله نگیرید تا از آسیب و سوسه شیطان در امان باشید».

هیچ فرد خردمند یا گروه متفکری از خیر روی بر نمی‌گرداند و به شر نمی‌گراید، مگر آنکه در تشخیص خیر و شر دچار اشتباه شده باشد. علی بن ابی‌طالب علیه السلام برای هدایت به معیار خیر و شر، اتحاد و همدلی را محور خیر می‌داند و اختلاف و کینه‌ورزی را محور شر معرفی می‌کند و در این باره می‌فرماید: «فَيَاكُمْ وَالتَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى وَلَا مِنْ مَنْ بَقِيَ».^۲ از این سخن بلند، نه تنها سودمندی اتحاد و زیان‌باری اختلاف آشکار می‌شود، بلکه استمرار سنت الهی در گذشته، حال و آینده نیز روشن می‌گردد؛ زیرا اساس فیض الهی بر وحدت و جماعت بنا شده است و هیچ‌گونه خیری در تفرقه و کثرت‌گرایی نامعقول نخواهد بود.^۳

امیر مؤمنان علیه السلام نه تنها از تفرقه افکنی ناخشنود بود، بلکه می‌فرماید: «كَرِهْتُ أَنْ أَفَرِّقَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ».^۴ همچنین در پاسخ به درخواست ابوسفیان برای بیعت در مقابل سقیفه، حضرت علی علیه السلام آنان را از تفرقه و اختلاف نهی می‌کند و می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ وَعَرَّجُوا عَنْ طَرِيقِ الْمُتَأَفَّرَةِ»؛^۵ ای مردم، با کشتی‌های نجات امواج فتنه‌ها را بشکافید و از مسیر دشمنی و اختلاف دوری کنید».

همچنین حضرت می‌فرماید: «فَرَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ تَفْرِيقِ كَلِمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ سَفْكَ دِمَائِهِمْ؛ وَ النَّاسُ حَدِيثٌ وَ عَهْدٌ بِالإِسْلَامِ وَ الدِّينُ يَمْخَضُ مَخَضَ الْوُطْبِ يَفْسِدُهُ أَذْنَى وَ هُنَّ وَ

۱. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۱۸۴.

۲. همان، ص ۲۵۵.

۳. عبدالله جوادی آملی، شمیم ولایت، ص ۶۸۰-۶۸۱.

۴. محمد بن الحسن طوسی، الأمالی، ص ۵۰۷.

۵. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۵۲.

يَعْرِضُهُ أَقْلُ خَلْقٍ؛^۱ دیدم صبر بر این وضعیت از تفرق کلمه مسلمانان و ریختن خونشان بهتر است. مردم تازه مسلمان اند و دین مانند مشکي است که تکان داده می شود، کوچک ترین سستی آن را تباه می کند و کوچک ترین فردی آن را وارونه می نماید».

امام علی علیه السلام در موارد متعددی ضمن معرفی رهبری جامعه در جایگاه محور وحدت، یارانش را از پراکندگی و اختلاف مذمت می کند؛ به ویژه در سال چهلیم هجرت و زمانی که گزارش های مداوم از شکست یاران امام در کوفه رسید، حضرت به سرزنش یاران خود به دلیل سستی در نبرد و نافرمانی از دستورات فرماندهانشان پرداخت و فرمود: «أُنَيْتُ بُسْرًا قَدِ اطَّلَعَ الْيَمَنَ وَ إِنِّي وَاللَّهِ لَا ظَنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَيَدُ الْوَنِّ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَن حَقِّكُمْ وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ؛^۲ به من خبر رسیده که بُسر بر یمن تسلط یافته است. به خدا سوگند، می دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند یافت؛ چراکه آنان در یاری کردن باطل خود وحدت دارند، و شما در دفاع از حق خود پراکنده اید. شما امام خود را در حق نافرمانی می کنید و آنها امام خود را در باطل، فرمان بردارند».

آیت الله مصباح: می نویسد: «یاران معاویه با وجود گمراهی و فسادشان، دو مزیت بزرگ بر پیروان امام داشته اند؛ نخست: هماهنگی و همدلی با یکدیگر و برنامه ریزی در کارها؛ دوم: اطاعت محض و بی چون و چرا از فرمان حاکم».^۳

امام علی علیه السلام در مشورت با خلیفه دوم، او را از شرکت در جنگ منصرف می کند تا بین صفوف سربازان اختلاف ایجاد نشود و اسلام شکست نخورد؛ چنان که می فرماید: «وَمَا كَانَ الْقِيمُ بِالْأَمْرِ مَكَانَ النَّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدِّ فَيْرِهِ أَبَدًا؛^۴ مرتبه زمامدار در این وضعیت، مرتبه رشته ای است که مهره ها را جمع می کند و به هم ارتباط می دهد. اگر رشته بگسلد، مهره ها پراکنده می شوند و هر کدام به جایی می روند و پس از آن هرگز همه آنان جمع نخواهند شد».

اهل بیت علیهم السلام می فرمودند اگر کیان اسلام و زنان و کودکان مسلمانان در خطر باشد، باید به کمک آنان بروند؛ حتی اگر حاکم جائز و طاغوت باشد؛ همچنان که ثقة الاسلام کلینی، شیخ

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۸.

۲. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۶۶.

۳. محمد تقی مصباح یزدی، عبرت های خرداد، ص ۱۵۱.

۴. محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۲۰۳.

صدوق و شیخ طوسی رحمتهما الله از یونس بن عبدالرحمن روایت کرده‌اند که به امام رضا علیه السلام گفت: «اگر فلانی یک شمشیر و یک اسب رایگان ارائه دهد، تا در راه خدا جهاد کند و چون از شرایط جهاد بی‌خبر است، می‌رود و شمشیر و اسب را دریافت می‌کند. امام رضا علیه السلام فرمود: باید به صاحبش برگرداند». یونس می‌گوید: «مرد به جستجو پرداخت، ولی صاحب شمشیر و اسب را نیافته است، امام رضا علیه السلام فرمود: در مرز متوقف شود، ولی پیکار نکند». یونس پرسید: «اگر حمله‌ای صورت گرفت، به پیکار و جهاد پردازد؟ امام رضا علیه السلام فرمود: نه، مگر اینکه دشمن چیره باشد و از اسارت زنان و کودکان مسلمان در هراس باشد».

امام رضا علیه السلام ادامه داد: «شیعه ما می‌تواند در مرز نگهبانی بدهد؛ ولی حق ندارد پیکار کند، مگر اینکه هستی (کیان) اسلام و مسلمانان در خطر باشد که در این حالت، پیکار او مسئله‌ای شخصی است و با حکومت غاصب ارتباطی نخواهد داشت». درباره‌ی حالتی که دشمن بر مرز بتازد و او مشغول نگهبانی باشد، امام رضا علیه السلام فرمود: «در این حالت از هستی و موجودیت اسلام دفاع می‌کند، نه از سران حکومت؛ چراکه اگر اسلام از بین برود، حتی اگر به ظاهر کسی وجود داشته باشد، اسلام محمدی نیز از بین می‌رود».^۱

این روایت صحیح است و علامه مجلسی نیز آن را تصحیح نموده است.^۲ در این روایت، گرچه سخن از موالیان و دوست‌داران اهل بیت علیهم السلام است و تأکید می‌شود که نباید برای حاکمان جور جهاد کرد،^۳ بلکه جهاد باید تنها برای امام عادل باشد، ذیل روایت ذکر می‌شود که اگر جهاد به منظور حفظ کیان اسلام و دفاع از مسلمانان باشد، باید جهاد و قتال انجام شود. این قید عام است و تمامی کسانی را دربر می‌گیرد که برای حفظ اصل اسلام و دفاع از مسلمانان جهاد می‌کنند، چه آن افراد شیعه باشند و چه اهل سنت؛ برای مثال مشاهده می‌شود که امام سجاد علیه السلام برای سربازان نگهبان و مرزبان در مرزها دعا می‌کنند، با اینکه بسیاری از آن مرزبانان شیعه نبودند و در زمان بنی‌امیه قرار داشتند.^۴

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۱؛ شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۶۰۳؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۲۵.

۲. محمدباقر مجلسی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۹، ص ۳۳۲؛ همو، مرآة العقول، ج ۱۸، ص ۳۴۶. محمد مؤمن قمی، الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية، ج ۱، ص ۵۰۵.

۴. «خداایا، بر محمد و آل او درود فرست، مرزهای مسلمانان را با عزت و نیروی خود مستحکم ساز، مرزداران را با قدرت خویش تأیید کن، و با غنای خود نعمت فراوان به ایشان ببخش. شمارشان افزون کن و سلاحشان برنده.

نتیجه

اختلاف و دودستگی موجب شکست مسلمانان در جهاد و جنگ می‌شود؛ به گونه‌ای که خداوند در آیات متعدد این اختلاف را نهی می‌کند. از مطالب بیان شده به این نتیجه می‌توان رسید که بر اساس آیات و روایات، وحدت میان مجاهدان و نبود اختلاف و نزاع میان آنان واجب است. خداوند متعال مجاهدان متحد را دوست می‌دارد؛ همچنین نزاع را مذمت می‌کند. اهل بیت: نیز در موارد متعددی بر وحدت مسلمانان و مجاهدان در راه خدا تأکید کرده‌اند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، چ ۱، قم: مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن جریر طبری، محمد، تاریخ الرسل والملوک وصلة، چ ۲، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۳. جوادی آملی، عبدالله، شمیم ولایت، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۴. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، چ ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، چ ۱، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۷. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، چ ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۸. _____، تهذیب الأحکام، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۹. فخرالدین رازی، محمد، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چ ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. قمی، سیدصادق حسینی روحانی، فقه الصادق، [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

حوزه‌هایشان حراست فرمای و پیرامونشان را نفوذ ناپذیر گردان. جمعشان متحد کن و خود به تدبیر کارهاشان پرداز. سررشته آذوقه‌شان گسسته مگردان و دشواری‌ها از پیش پایشان بردار» (امام علی بن الحسین علیه السلام، الصحيفة السجادية، دعای ۲۷، ص ۱۲۶).

۱۳. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. _____، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۱، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. مصباح یزدی، بن محمدتقی، عبرت های خرداد، ج ۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
۱۸. مؤمن قمی، محمد، الولاية الإلهية الإسلامية أو الحكومة الإسلامية، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ ق.

مسئله فلسطین از دیدگاه مقام معظم رهبری

حجت الاسلام والمسلمین احمد کوثری*

اشاره

امروزه مسئله فلسطین، مسئله اول جهان اسلام و بشر است که در کانون تحولات جدید قرار دارد؛ تحولاتی که آمریکا و صهیونیست‌ها در تلاش برای تغییر تاریخ و رقم‌زدن وقایع عظیم هستند. آغاز این تحولات به عملیات «طوفان الاقصی» در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهرماه ۱۴۰۲) برمی‌گردد؛ زمانی که جنبش حماس حماسه‌های خود به پایگاه‌های اسرائیلی را آغاز کرد. در پی این حملات، محمد الضیف فرمانده کل «کتاب عزالدین القسام» اعلام کرد هدف‌شان، پایان‌دادن به تجاوزهای اسرائیل است^۱ و بیش از پنج هزار موشک به هدف‌های دشمن شلیک شده است. این اقدامات، نشان‌دهنده قدرت و اراده فلسطینی‌ها برای مقاومت بعد از سال‌ها صبر و مبارزه است.^۲

رهبر معظم انقلاب این واقعه را سبب عزت و افتخار مسلمانان دانستند و تأکید کردند:

سرانجام این جنگ هرچه که باشد، تعداد اسرا و شهدا و مجروحین هرچقدر هم بالا برود، حتی اگر اراضی به کنترل درآمده توسط فلسطینی‌ها دوباره از دستشان خارج شود، نباید فراموش کرد که در عملیات "طوفان الاقصی" اسرائیل چنان ضربه سنگینی خورد که پنهان کردن آن ممکن نیست و فلسطین چنان به پیروزی دست‌یافت که موجب عزت و افتخار اسلام و نویدبخش آینده روشن نزدیک شد.^۳

ایشان بارها مسئله فلسطین را مسئله اصلی دنیای اسلام و راه‌حل برای نجات ملت فلسطین را

* مدیر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام.

1. <https://www.tabnak.ir/fa/tags/293943/1>.

۲. همان.

۳. دیدار شیخ ابراهیم زکزاکی رهبر جنبش اسلامی نیجریه، همسر و فرزندان ایشان با رهبر انقلاب، ۱۴۰۲/۰۷/۲۲.

ضروری دانسته‌اند. در نوشتار حاضر، پیشنهادها و دیدگاه‌های ولیّ امر مسلمین دربارهٔ مسئلهٔ فلسطین بررسی می‌شود.

گفتار اول: مسئلهٔ فلسطین، مسئلهٔ اول جهان اسلام

مقام معظم رهبری به پیروی از امام خمینی علیه السلام، مسئلهٔ فلسطین را مسئلهٔ اول دنیای اسلام عنوان می‌کنند و جمهوری اسلامی را موظف به حمایت همه‌جانبه از فلسطین می‌دانند:

ما در جمهوری اسلامی، هزینه‌های دفاع از فلسطین را پذیرفتیم. گفتیم از فلسطین دفاع می‌کنیم، دنیای استکبار در مقابل ما ایستاد و ضربه زد، اما ما استقامت کردیم، ایستادیم، باز هم خواهیم ایستاد، و مسلم می‌دانیم که پیروزی نهایی متعلق است به ملت فلسطین.^۱

امام خامنه‌ای علیه السلام دربارهٔ اینکه چرا فلسطین مسئلهٔ اول دنیای اسلام است، می‌فرماید: «مسئلهٔ فلسطین، مهم‌ترین مسئلهٔ دنیای اسلام است. هیچ مسئلهٔ بین‌المللی‌ای در دنیای اسلام از این بالاتر نیست».^۲

معظم‌له در سال‌های بسیاری بر مسئلهٔ فلسطین پافشاری کرده‌اند و می‌فرمایند:

مسئلهٔ غزه [در ماجرای طوفان الأقصى]، همچنان مسئلهٔ اول دنیای اسلام است ... [در] مسائل خارجی و فعالیت حوزهٔ دیپلماسی و مانند اینها ... یکی از مصادیقش، همین مسئلهٔ غزه است؛ آرام نگیرید، ساکت ننمایند؛ کار مهم است.^۳

رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر دلایلی برای اینکه مسئلهٔ فلسطین، مسئلهٔ اول جهان اسلام است، برمی‌شمارند که در ادامه به بیان این دلایل پرداخته می‌شود.

۱. امام خمینی علیه السلام دفاع از مردم مظلوم فلسطین را مسئلهٔ اصلی می‌دانست

امام هیچ‌گاه به دلیل ملاحظهٔ زورگویان عالم، از دفاع از مظلومان عالم دست نکشید. امام در طول زمان از مسئلهٔ فلسطین در جایگاه مسئله‌ای اصلی یاد می‌کرد. امام به‌صراحت در وصیت‌نامه و بیانات خود به ندای «یا للمسلمین» ملت‌های مظلوم اهمیت می‌دهد؛ دفاع صریح از حقوق مظلومان، دفاع صریح از حقوق ملت فلسطین و هر ملت مظلوم دیگر.^۴

1. <https://farsi.khamenei.ir/=4714&npt=7>.

۲. بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۴/۰۳/۱۳۸۱.

۳. بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، ۱۴۰۳/۰۴/۳۱.

4. <https://farsi.khamenei.ir/=25931>.

۲. دلایل برای اصلی بودن مسئله فلسطین در دنیای اسلام

فلسطین مسئله اول در میان همه موضوعات مشترک کشورهای اسلامی است. شاخصه‌های منحصر به فردی برای این مسئله وجود دارد:

اول: یک کشور مسلمان از ملت آن، غصب شده است و به بیگانگانی سپرده می‌شود که از کشورهای گوناگون گردآوری شده‌اند و جامعه‌ای جعلی و موزاییکی را شکل داده‌اند.
دوم: این حادثه بی‌سابقه در تاریخ، با کشتار و جنایت و ظلم و اهانت مستمر انجام گرفته است.

سوم: قبله اول مسلمانان و بسیاری از مراکز محترم دینی که در این کشور قرار دارد، به تخریب و توهین و زوال تهدید شده است.

چهارم: دولت و جامعه جعلی صهیونیستی، در حساس‌ترین نقطه جهان اسلام، از آغاز تاکنون نقش پایگاه نظامی و امنیتی و سیاسی را برای دولت‌های استکباری ایفا می‌کند و محور غرب استعماری است که به دلایل گوناگون، دشمن اتحاد و اعتلا و پیشرفت کشورهای اسلامی است.

پنجم: صهیونیسم که خطر اخلاقی، سیاسی و اقتصادی بزرگی برای جامعه بشری است، این جای پا را وسیله و نقطه اتکایی برای گسترش نفوذ و سلطه خود در جهان قرار داده است.^۱

۳. مسئله غزه، قضیه اول دنیای انسانی

امروز قضیه اول جهان اسلام، قضیه غزه است؛ شاید بتوان گفت قضیه اول دنیای انسانیت، قضیه غزه است. سگ‌های و گرگ‌درنده‌ای به انسان‌های مظلوم حمله کرده است؛ چه کسی مظلوم‌تر از کودکان معصومی که در این حملات جان خود را مظلومانه از دست دادند؟ چه کسی مظلوم‌تر از مادرانی که فرزندان خودشان را در آغوش خودشان گرفتند و به چشم خود مرگ و پرپرزدن آنها را مشاهده کردند؟ رژیم غاصب صهیونیست کافر، دست به چنین جنایاتی زده است.^۲

۴. اتفاق همه مذاهب اسلامی و جریانات ملی بر ایستادگی مقابل رژیم صهیونیستی

مبارزه در برابر این دشمن حربی و غاصب، مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی و محل اجماع همه

۱. بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۹۰/۰۷/۹.

۲. خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۹۳/۰۵/۷.

جریانات صادق و سالم ملی بوده است. هر جریانی در کشورهای اسلامی که این وظیفه دینی و ملی را به ملاحظه خواست تحکم‌آمیز آمریکا یا به بهانه توجیه‌های غیر منطقی، به دست فراموشی بسپارد، نباید انتظار داشته باشد که به چشم وفاداری به اسلام یا صداقت در ادعای مین‌دوستی به او نگریسته شود. این یک محک است. هرکس شعار آزادی قدس شریف و نجات ملت فلسطین و سرزمین فلسطین را نپذیرد یا به حاشیه برد و به جبهه مقاومت پشت کند، متهم است.^۱

۵. مقابله با اسرائیل جزء مصالح همه کشورهای آزاد است

نجات فلسطین و محو دولت غاصب صهیونیستی، مسئله‌ای است که با مصالح ملت‌های این منطقه - از جمله با مصالح کشور عزیز ما ایران - سروکار دارد. کسانی که از روز اول انقلاب، یکی از برنامه‌ها را مقابله و معارضة با نفوذ و اقتدار صهیونیست‌ها قرار دادند، با محاسبه این کار را کردند. این برنامه، طبق مصالح کشور و مصالح عمومی جمهوری اسلامی و مردم ایران انتخاب شده است. در کشورهای دیگر نیز همین طور است.^۲

۶. اهمیت به دلیل اسلامی بودن

مسئله غزه و مسئله فلسطین، مسئله ماست؛ مسئله اسلامی ماست؛ مسئله همه مسلمانان است و وظیفه ماست. آنچه انجام هم می‌دهیم، وظیفه ماست؛ بر کسی هم منت نداریم؛ وظایفمان را انجام دادیم. از خدای متعال هم می‌خواهیم که کمک کند، بتوانیم وظایف را انجام بدهیم.^۳

۷. اهمیت به دلیل ظلم بر مسلمانان

امروز یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام، مسئله فلسطین است که در رأس همه مسائل سیاسی مسلمانان با هر مذهب و نژاد و زبان قرار دارد. بزرگ‌ترین ظلم قرن‌های اخیر در فلسطین اتفاق افتاده است. در این ماجرای دردآور، همه چیز یک ملت - سرزمینش، خانه و مزرعه و دارایی‌هایش، حرمت و هویتش - مصادره شده است.^۴

۸. مسئله فلسطین، کلید غلبه بر دشمنان اسلام

کلید غلبه بر دشمنان اسلام، مسئله فلسطین است. و مهم‌ترین مسئله دنیای اسلام، امروز مسئله

۱. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.

۲. <https://farsi.khamenei.ir> =28850.

۳. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸.

۴. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۹۸/۰۵/۱۹.

مسئله فلسطین از دیدگاه مقام معظم رهبری ■ ۵۳

فلسطین است؛ چرا؟ چون فلسطین یک کشوری است اسلامی، این [کشور] را آمده‌اند غصب کرده‌اند، از مردمش گرفته‌اند. بحث غصب یک روستا و یک شهر نیست؛ دشمن، یک کشور را غصب کرده است و آن را پایگاهی قرار داده است برای اخلال کردن در امنیت کشورهای این منطقه؛ با غده سرطانی باید مبارزه کرد.^۱

۹. مسئله فلسطین، جراحی امت اسلامی

امت اسلامی یک جراحی بزرگی را در وجود خود دارد و آن، مسئله ملت بزرگ فلسطین و سرزمین تاریخی و مقدس فلسطین است.^۲

۱۰. مسئله فلسطین، مسئله بشریت

مسئله غزه، مسئله یک تکه سرزمین نیست؛ مسئله فلسطین فقط مسئله جغرافیا نیست؛ مسئله بشریت و انسانیت است.^۳

۱۱. مسئله فلسطین، مسئله عقیده و ایمان

ما در جمهوری اسلامی مسئله فلسطین برایمان یک مسئله تاکتیکی نیست، یک استراتژی سیاسی هم نیست، مسئله عقیده، دل و مسئله ایمان است.^۴

۱۲. مسئله فلسطین، شاخص اصول انسانی

امروز مسئله فلسطین، شاخص میان پابندی به اصول انسانی و ضدیت با اصول انسانی است.^۵

۱۳. مسئله فلسطین، وظیفه ماست

در روز قدس هم مردم در همه شهرهای کشور، در همه شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها، می‌آیند ... و حضور خودشان و انگیزه خودشان را نشان می‌دهند ... بسیاری از جوان‌های ما راه می‌افتادند برای اینکه با جسم خودشان و با تن خودشان هم در عرصه فلسطین حضور داشته باشند ... وظیفه ماست. آنچه انجام هم می‌دهیم، وظیفه ماست.^۶

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس «محبان اهل بیت: و مسئله تکفیری‌ها»، ۱۳۹۶/۰۹/۰۲.

۲. بیانات در دیدار جمعی از مردم و مسئولان نظام، ۱۳۸۸/۱۲/۱۳.

۳. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۱۴. فلسطین، کلید رمزآلود فرج

امروز همه دنیاى اسلام باید قضیه فلسطین را قضیه خود بدانند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید.^۱

۱۵. تسلط بر دنیاى اسلام، هدف نهایی جداکردن فلسطین از پیکره اسلام

اگر فلسطین در این صحنه رویارویی شجاعانه‌ای که امروز برای خود به وجود آورده است، موفق شود، موفقیت همه دنیاى اسلام است. درست است که همه ما وظیفه شرعی داریم و اسلام بر ما واجب کرده است به مردم فلسطین کمک کنیم؛ اما حرف من امروز فراتر از وظیفه شرعی است. می‌گویم امروز هر حادثه‌ای که در فلسطین رخ دهد و این قضیه به هر جا منتهی شود، به طور مستقیم به سرنوشت کشورهای اسلامی ... مربوط است و بر آنها هم اثر می‌گذارد. امروز ملت‌های مسلمان برای فلسطین هر کار بکنند، برای خود و به نفع خود کرده‌اند. وقتی با نقشه استعمار بریتانیا و کمک دنیاى استکبار، این قطعه خونین از پیکره دنیاى اسلام جدا شد، آن روز نظرشان فقط فتح همین قطعه نبود؛ آن روز هم نظر استعمارگران تسلط بر کل منطقه - که قلب دنیاى اسلام است - بود.^۲

۱۶. فلسطین، زخم دردناک

امروز مسئله فلسطین یک زخم دردناک و عمیق در پیکر جامعه اسلامی است.^۳

۱۷. مسئله فلسطین و دیکتاتوری بین‌المللی

مسئله فلسطین، فقط مسئله یک ملت نیست؛ مسئله حاکمیت دیکتاتوری بین‌المللی و حاکمیت زور است.^۴

۱۸. فلسطین خانه مسلمانان

به تحقیق امروز در زندگی مسلمین و در آفاق اسلامی، هیچ مسئله‌ای به اهمیت و خطورت مسئله فلسطین نیست. بیش از چهل سال است که به تدریج مسلمین را با غضب بخشی از خانه

۱. بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۰۱/۲۵.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۱/۰۳/۰۹.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۱/۰۳/۰۹.

۴. بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۸۱/۰۲/۱۱.

خودشان عادت داده‌اند.^۱

۱۹. هدف، انجام تکلیف است

مسئله فلسطین و مسئله اسلامی لبنان، برای ما جزء مسائل درجه یک است. مسئله تاکتیک و مسئله سیاست نیست، [بلکه] مسئله دین و مسئله عقیده است. برای ما فلسطین، یک هدف عقیدتی و دینی است؛ فلسطین برای ما یک مسئله سیاسی نیست.^۲

گفتار دوم: راه‌حل مسئله فلسطین

مقام معظم رهبری برای دفاع از قدس شریف و مردم مظلوم فلسطین، به بیان راه‌حل‌هایی برای این مسئله مهم پرداخته‌اند که در ادامه این راه‌حل‌ها را بیان می‌کنیم.

۱. همدلی با مسلمان‌ها

امروز مسئله فلسطین جزء مسائل درجه اول، بلکه مسئله اول دنیای اسلام است؛ آن‌وقت در بحرین اجلاس تشکیل می‌دهند به دستور آمریکا علیه مسئله فلسطین، برای نابودکردن مسئله فلسطین. حکام بحرین بدانند زیر پای خودشان را دارند خالی می‌کنند، گول سعودی‌ها را نخورند. خود اینها و سعودی‌ها هم دارند زیر پای خودشان را خالی می‌کنند، به ضرر خودشان [تمام می‌شود] ... مشکلات دنیای اسلام با همراهی مسلمان‌ها با هم، با همدلی مسلمان‌ها با هم حل خواهد شد؛ باید برای این تلاش کرد و روشنفکران دنیای اسلام موظف‌اند، علمای دنیای اسلام موظف‌اند.^۳

۲. نظرسنجی از همه فلسطینی‌ها

این منطقی که امام بزرگوار مطرح کردند که «اسرائیل باید از بین برود»، یک منطقی انسانی است؛ ما سازوکار عملی آن را هم به دنیا ارائه کردیم ... ما گفتیم از این مردمی که در این منطقه زندگی می‌کنند و متعلق به خود اینجا هستند، یک نظرسنجی و نظرخواهی بشود؛ یعنی یک فراندومی انجام بگیرد، رژیم حاکم بر این منطقه را فراندوم معین کند، مردم معین کنند؛ معنای از بین رفتن رژیم صهیونیستی یعنی این ...^۴

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵.

۲. بیانات در دیدار جمعی از اعضای تجمّع عالمان مسلمان لبنان، ۱۳۶۸/۰۴/۲۴.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفیر کشورهای اسلامی، ۱۳۹۸/۰۳/۱۵.

۴. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۳/۰۵/۰۱.

۳. مبارزه مسلحانه

در مقابله با رژیم صهیونیستی، باید از سوی فلسطینی‌ها دست قدرت نشان داده بشود. کسی گمان نکند که اگر چنانچه موشک‌های غزه نبود، رژیم صهیونیستی کوتاه می‌آمد؛ نخیر. حالا شما نگاه کنید ببینید در کرانه باختری چه می‌کنند؛ در کرانه باختری که موشکی وجود ندارد، سلاحی وجود ندارد، تفنگی وجود ندارد؛ آنجا تنها ابزار و سلاح مردم، سنگ است.^۱

۴. راهی جز مبارزه و مقاومت نیست

اینکه هیچ راه‌حلی جز مقاومت در قضیه فلسطین وجود ندارد، روی این حرف‌ها ایستادگی کنید. این حرف‌ها را صریحاً بزنید؛ نگذارید مجاملات سیاسی و جوسازی‌های سیاسی بر این منطق غلبه پیدا کند. هرکسی از فلسطینی‌ها که از راه مقاومت پایش را کنار گذاشت، ضرر کرد... آن‌کسی که این راه را قبول ندارد... به مسئله فلسطین ضربه می‌زند. فلسطین هیچ راهی جز مقاومت ندارد؛ این را باید بگویند، باید بخواهند؛ دولت‌های اسلامی هم باید همین را تکرار کنند.^۲

گفتار سوم: سرانجام مسئله فلسطین

مقام معظم رهبری بر اساس اعتقاد راسخ به وعده الهی و اینکه امداد حق تعالی همواره شامل حال مؤمنان و مجاهدان فی سبیل‌الله خواهد بود، پیش‌بینی کرده‌اند که درنهایت، مسئله الهی با پیروزی نهایی جبهه مقاومت همراه خواهد شد. ایشان نابودی رژیم صهیونیستی را بر اساس آیات الهی قطعی می‌دانند که در ادامه به بیان فرمایشات ایشان در این باره می‌پردازیم.

۱. پیروزی ملت فلسطین بر اساس وعده الهی

ما قضایای غزه را به طور دائم رصد می‌کنیم و احساس سرافرازی می‌کنیم؛ به خاطر این مقاومت عظیمی که دارد انجام می‌گیرد، مقاومت فوق‌العاده‌ای که دنیا را به تعجب وادار کرده. دنیا امروز به نفع شما دارد شعار می‌دهد؛ چه کسی باور می‌کرد که در دانشگاه‌های آمریکا به نفع فلسطین شعار بدهند، پرچم فلسطین را بلند کنند؟ اینها اتفاق افتاده. پس خیلی از چیزهای دیگر هم ممکن است اتفاق بیفتد که امروز برای خیلی‌ها باورکردنی نیست. خدای متعال به مادر حضرت

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان در افتتاحیه همایش غزه، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸.

موسی دو وعده داد: «إِنَّا رَأَوُوهُ إِلَيْكَ وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛^۱ این دو وعده بود. بعد [می فرماید]: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَ لَتَعْلَمَنَّ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛^۲ این وعده‌ای که خدا می خواست مادر موسی بفهمد که حق است، وعده برگرداندن او نبود؛ او که برگشته بود؛ آن وعده را که دارد می بیند؛ [منظور] آن وعده دومی بود: «وَ جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»؛ برای اینکه مادر موسی باور کند که حالا که این وعده عمل شد — که «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ» است — آن وعده هم عمل خواهد شد. وعده اول الهی برای شماها تحقق پیدا کرده؛ یعنی «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ».^۳ شما یک «فئته» قلیله‌ای هستید که توانسته‌اید بر «فئته» کثیره غلبه پیدا کنید؛ فئته کثیره آمریکا، ناتو، انگلیس و بعضی‌های دیگر هستند. پس آن وعده دیگر هم که محو اسرائیل است، قابل تحقق است: تشکیل فلسطین، من البحر الی التهر.^۴

۲. باطل شدن توطئه اسلام‌ستیزی دشمن از سوی خداوند

از وقتی گرایش اسلامی در میان مبارزان فلسطینی به وجود آمد و از وقتی این گرایش همین‌طور روز به روز اوج گرفت تا امروز، پیشرفت‌ها در مبارزه فلسطینی‌ها به این شکل حاصل شد، به دست آمد. پس عامل موفقیت، اسلام است، اسلام. دشمن هم این را فهمیده، لذا می بیند در دنیا اسلام‌ستیزی می کنند. همه اسلام‌ستیزی می کنند؛ انواع و اقسام کارها. البته این اسلام‌ستیزی‌ها به جایی هم نخواهد رسید: «أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَكِيدُونَ»؛ [یعنی] آنها تلاش‌هایی می کنند، اما خدای متعال تلاش‌های آنها را باطل خواهد کرد.^۵

۳. محو اسرائیل، یعنی بازگشت مردم فلسطین به سرزمینشان

مکرر در بیانات امام راحل علیه السلام و بیانات مسئولان جمهوری اسلامی، محو دولت اسرائیل مطرح شده است...؛ یعنی مردم فلسطین که صاحبان واقعی آن سرزمین‌اند — چه مسلمانان، چه مسیحی‌شان، چه یهودی‌شان — خود صاحبان اصلی دولت خودشان را انتخاب بکنند؛ بیگانه‌ها و اراذل و اوباشی مثل نتانیاهو و مانند اینها را... از بین خودشان ازاله کنند، بیرون کنند، کشور را خودشان اداره کنند؛ محو اسرائیل یعنی این و این اتفاق خواهد افتاد. بعضی... کشورهای بالکان

۱. قصص: ۷.

۲. همان: ۱۳.

۳. بقره: ۲۴۹.

۴. بیانات در دیدار آقای هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس، ۱۴۰۳/۰۳/۲.

۵. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴۰۲/۰۲/۰۲.

و بعضی از کشورهای دیگر هم بعد از شصت سال، هفتاد سال که در تصرّف دیگران بودند، مستقل شدند، برگشتند به ملت‌های خودشان؛ هیچ بُعدی ندارد «وَمَا ذَلِكْ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ؛ این اتّفاق خواهد افتاد».^۱

گفتار چهارم: مسئله طوفان الاقصی

در گفتار پایانی به مسئله «طوفان الاقصی» می‌پردازیم؛ جایی که جوانان غیور فلسطینی با عملیاتی پیش‌دستانه به رژیم صهیونیستی حمله کردند و نام فلسطین را دوباره بر سر زبان‌ها انداختند. ولی امر مسلمین با تحسین کردن این عملیات، آن را رخدادی معرفی کردند که «رژیم صهیونیستی را هفتاد سال به عقب برگرداند».^۲ ایشان نکات مهمی را در این باره مطرح کردند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. عملیات طوفان الاقصی، حرکت درست منطقی قانونی بین‌المللی بود

احکام دفاعی اسلام تکلیف ما را معلوم کرده است؛ هم احکام دفاعی اسلام، هم قانون اساسی خودمان، هم قوانین بین‌المللی... فلسطین مال کیست؟ ملت فلسطین چه کسانی هستند؟ این اشغالگران از کجا آمده‌اند؟ ملت فلسطین حق دارد در مقابل آنها بایستد؛ هیچ محکمه‌ای، هیچ مرکزی، هیچ سازمان بین‌المللی‌ای حق ندارد به ملت فلسطین اعتراض کند که چرا در مقابل رژیم غاصب صهیونیستی سینه سپر کردید... آن کسانی هم که به ملت فلسطین کمک می‌کنند، وظیفه خودشان را انجام می‌دهند؛ هیچ‌کسی بر اساس هیچ قانون بین‌المللی حق ندارد به ملت لبنان، به حزب‌الله لبنان اعتراض کند که چرا شما از غزه، از قیام مردم فلسطین حمایت کردید؛ وظیفه آنها است، باید می‌کردند. این دیگر هم حکم اسلامی است، هم قانون عقلی است، هم منطق بین‌المللی و جهانی است.^۳

۲. ضربه تعیین‌کننده‌ای به رژیم صهیونیست بود

دو نقطه اساسی در حادثه طوفان الاقصی وجود دارد که باید به آن توجه کرد...؛ یک نقطه این است که این عملیات طوفان الاقصی که... اتّفاق افتاد، دقیقاً مورد نیاز منطقه بود، منطقه ما به این عملیات نیاز داشت؛ این پاسخ به یک نیاز بزرگ منطقه بود. نقطه دوم این است که این عملیات

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۴.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴۰۳/۰۷/۱۳.

3. <https://farsi.khamenei.ir=57881>.

یک ضربه تعیین‌کننده‌ای به رژیم صهیونیست بود؛ ضربه‌ای که هیچ‌علاجی برای آن وجود ندارد. و رژیم صهیونیست بر اثر این ضربه دچار ابتلائی شده است که از این ابتلائات نجات پیدا نخواهد کرد.^۱

۳. موجب فراموش‌نشدن مسئله فلسطین شد

آنچه در مقابل چشم ماست و داریم مشاهده می‌کنیم، [این است] که سال‌های متمادی تبلیغات رسمی رسانه‌های وابسته به آمریکا و وابسته به مراکز صهیونیستی ثروتمند سعی‌شان این بود که کاری کنند که نام فلسطین و مسئله فلسطین به تدریج کم‌رنگ بشود و تدریجاً به فراموشی سپرده بشود، [اما] امروز علی‌رغم آنها، مسئله فلسطین مسئله اول دنیاست. در خیابان‌های لندن، در میدان‌های پاریس، در دانشگاه‌های آمریکا به نفع مردم فلسطین و علیه رژیم صهیونیستی شعار می‌دهند. آمریکا هم در مقابل اجماع جهانی ملت‌های دنیا، ناچار دچار انفعال است.^۲ اینکه در آفریقا، در آسیا، در اروپا، در خود کشور آمریکا مردم بیانند در خیابان‌ها به نفع مردم فلسطین شعار بدهند، این در طول ده‌ها سالی که غصب فلسطین اتفاق افتاده، بی‌سابقه است؛ پس پیداست یک کار جدیدی انجام می‌گیرد، یک تحوّل جدیدی در عالم اسلام به وقوع می‌پیوندد.^۳

۴. عملیات طوفان الاقصی شکستی ترمیم‌ناپذیر برای صهیونیست‌ها

در این چند روز، یک قضیه مهم سیاسی و نظامی دنیا را متوجه به خودش کرد و آن، حوادث بی‌سابقه فلسطین عزیز [عملیات طوفان الاقصی] است. ما نمی‌توانیم نسبت به این قضایا، نسبت به این حادثه مهم، بی‌تفاوت باشیم و عبور کنیم... در این قضیه... رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی یک شکست غیرقابل ترمیم خورده. شکست را همه گفتند، تأکید من به «غیرقابل ترمیم‌بودن» است. من می‌گویم این زلزله ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب را ویران کند که تجدیدبنای آن سازه‌ها به این آسانی امکان‌پذیر نیست.^۴

۱. بیانات در مراسم سی‌وپنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴۰۳/۰۳/۱۴.

۲. بیانات در مراسم سی‌وپنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴۰۳/۰۳/۱۳.

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴۰۳/۰۱/۲۲.

۴. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح، ۱۴۰۲/۰۷/۱۸.

شاخصه‌های مکتب شهید سید حسن نصرالله

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

اشاره

خدای متعال مؤمنان صالح را این‌گونه ستایش می‌کند: «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُكْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»^۱ پس باید در راه خدا کسانی بجنگند که زندگی دنیا را به آخرت می‌فروشند و کسی که در راه خدا می‌جنگد، اگر کشته شود یا پیروز گردد، به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد».

شهید سیدحسن نصرالله در ۳۱ اوت ۱۹۶۰ میلادی (نهم شهریور ۱۳۳۹ ش) در محله فقیرنشین «کرتینا» در شرق بیروت به دنیا آمد. تحصیلات خود را در مدرسه امام المنتظر در بعلبک آغاز کرد و سپس دروس مقدماتی را در حوزه علمیه نجف فراگرفت. پس از آن در درس آیات عظام سیدمحمود هاشمی، سیدکاظم حائری و محمدفاضل لنکرانی در حوزه علمیه قم شرکت کرد. این عالم مجاهد پس از فراگیری علوم اسلامی و جهاد با نفس، به جهاد با دشمن در عرصه میدان و همچنین جهاد تبیین گام نهاد. او بعد از پذیرش دبیر کلی حزب‌الله لبنان در ۱۶ فوریه ۱۹۹۲ (گفتنی است سیدحسن خود از بنیان‌گذاران حزب‌الله بود)، این گروه جهادی را از سطح حزبی معمولی به سطح قدرت منطقه‌ای در جهان تبدیل کرد تا در مسیر الهی، به اعتلای امت اسلامی کمک کند.

آزادسازی جنوب لبنان از اشغال رژیم صهیونیستی، آزادی اسیران لبنانی و پیروزی در جنگ ۳۳ روزه، از جمله حماسه‌آفرینی‌های حزب‌الله در زمان دبیر کلی سید مقاومت بود؛

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

به همین دلیل، او محبوب‌ترین شخصیت و قدرتمندترین رهبر در جهان عرب و خاورمیانه شناخته شده است.

ویژگی‌های مکتب شهید نصرالله

حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام درباره شهید سیدحسن نصرالله می‌فرماید: «مقاصد مقاومت یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود و این راه همچنان ادامه خواهد یافت».^۱ مکتب شهید نصرالله ویژگی‌هایی دارد که در ادامه این نوشتار به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌ها اشاره می‌شود.

اول: جایگاه علمی و شخصیتی

یکی از ویژگی‌های بارز مکتب شهید سیدحسن نصرالله، جایگاه علمی ایشان است. شهید نصرالله نه تنها در عرصه‌های سیاسی و نظامی، بلکه در زمینه‌های علمی نیز فردی برجسته و اهل علم بود. ایشان همواره در حال پیگیری امور علمی و حوزوی خود بود و مباحث علمی مختلف را دنبال می‌کرد.^۲ شهید نصرالله خود را پیرو امام موسی صدر می‌دانست و هم‌زمان تحت تأثیر شخصیت‌های بزرگی چون امام خمینی علیه السلام و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام قرار داشت. ایشان در این باره می‌فرماید: «باید اعتراف کنم که بسیار تحت تأثیر امام موسی صدر هستم. البته اگر بخواهم دقیق‌تر بگویم، باید بگویم که من تحت تأثیر چهار شخصیت بزرگ هستم: حضرت امام خمینی علیه السلام، حضرت امام موسی صدر، رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و شهید بزرگوار سیدمحمدباقر صدر. نه تنها من، بلکه همه جوانان مجاهد و انقلابی لبنان تحت تأثیر این چهار شخصیت عظیم و بزرگوار هستند. من می‌توانم ادعا کنم که با تفکر و نوع نگاه حضرت امام خمینی علیه السلام و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به موضوعات مختلف به طور کامل آشنایی دارم و از طرف دیگر، یک کار مطالعاتی گسترده روی اندیشه‌ها و آثار امام موسی صدر انجام داده‌ام».^۳

شهید نصرالله در جایی دیگر بیان می‌کند: «علی‌رغم مسئولیت‌هایی که در حزب بر عهده داشتم و تقریباً تمام وقت مرا می‌گرفت، تصمیم گرفتم درسم را ادامه بدهم. هرچند که پس از اشغال گسترده و هجوم سراسری اسرائیل ناچار شدم درسم را موقتاً کنار بگذارم، ولی هفت سال

1. <https://farsi.khamenei.ir/=57700>.

2. <https://www.shora-gc.ir/fa/news/10466>.

3. <https://www.isna.ir/news/1403070805927>

بعد در سال ۱۹۸۹ شرایط دوباره برای ادامه تحصیلی مناسب شد و از این رو با موافقت حزب برای پایان تحصیلاتم به قم رفتم»^۱.

سید حسن نصرالله در زمان تحصیلات خود در نجف، شخصیت‌های برجسته‌ای را در حوزه‌های فقهی، اصولی، معرفتی و عرفانی ملاقات کرده بود؛ همچنین سال‌ها در حوزه علمیه قم درس خوانده بود و این جایگاه علمی برجسته سبب شد که حضرت آیت‌الله سیستانی به ایشان لقب «علامه» بدهند»^۲.

جایگاه علمی و شخصیتی شهید نصرالله به گونه‌ای بود که ایشان در ۲۱ سالگی اجازه‌نامه‌ای از امام خمینی علیه السلام دریافت کردند. این اجازه‌نامه از سوی حضرت امام خمینی علیه السلام نشان از جایگاه علمی و اعتماد ویژه‌ای بود که به ایشان داشتند. متن این اجازه‌نامه بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين ...

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج سید حسن نصرالله - دامت افاضاته - از طرف این جانب مجازند در تصدی امور حسبه و اخذ وجوه شرعی و صرف مظالم عباد و زکوات و کفارات در مصارف مقرر شرعی؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد؛ و در مورد مازاد بر مخارج نیز مجازند نصف آن را در مخارج سادات عظام - کثر الله امثالهم - و ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و نصف دیگر را ارسال دارند.^۳

دوم: شجاعت

شجاعت از فضایل اخلاقی به معنای دلیری و دلاوری است که در علم اخلاق آن را حد وسط بی‌باکی و ترس قرار داده‌اند. شجاعت یکی از چهار فضیلت اخلاقی برتر در آیات و روایات است و نیز از ویژگی‌های نبوت، امامت و فرماندهی در جنگ و از صفات امامان معصوم دانسته شده است.

جلوه‌گاه دل عاشق ز فلک بیرون است در صف پیش بود هر که شجاعت دارد

1. <https://www.isna.ir/news/1403070805927>.

2. <https://farsi.khamenei.ir/=57831>.

۳. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۸.

سیدحسن نصرالله، شجاعت را در همه ابعادش دارا بود. او در جایگاه رهبر جبهه مقاومت، در لبنان تحول ایجاد کرد. شجاعت ایشان نمادی از شجاعت اهل بیت: به‌ویژه امام حسین علیه السلام بود. او بی‌تردید از شهادت و جنگیدن هراسی نداشت و تمام هستی خود را در راه آزادی مردم مسلمان فلسطین و حراست از کلیت لبنان اسلامی فدا کرد.

سوم: عقلانیت

ویژگی دیگر این مکتب، عقلانیت سیدحسن نصرالله بود. او رهبری بسیار هوشمند و عاقل بود و تحت تأثیر احساسات و هیجانات خاورمیانه، اقدام به تصمیم‌های بزرگ و کوچک نمی‌کرد؛ به همین دلیل هرگاه خطا یا اشتباهی مرتکب می‌شد، اعتراف می‌کرد؛ برای مثال، در حادثه یازدهم ژوئیه که منجر به جنگ با اسرائیل شد، بعدها در مصاحبه‌ای وقتی از او پرسیدند اگر می‌دانستید پیامد اسیرگرفتن دو اسرائیلی، وقوع چنین جنگی است، آیا این کار را می‌کردید یا نه؟ ایشان پاسخ داد که نه، نمی‌کردم. این مسئله و اعتراف، نشان می‌دهد که سیدحسن نصرالله تحت تأثیر احساسات نیست و کسی نیست که خسارت‌ها و پیامدهای یک حادثه را به نفع خودش توجیه کند.^۱

آیت‌الله اعرافی می‌گوید: «ایشان (سید نصرالله) دارای عقل راهبردی بود و وقتی به مسائل عالم سیاست می‌پرداختیم، درمی‌یافتیم که در اعماق سیاست عالم دست دارد و درک عمیقی از قدرت حاکم بر جهان و منطقه دارد. عمق مطلب را می‌دانست و آینده را می‌دید و متغیرات عالم و سیاست را درک می‌کرد».^۲

چهارم: ولایت‌مداری

چهارمین ویژگی مکتب سیدحسن نصرالله، ولایت‌مداری بود و ارتباط عمیق او با مرجعیت مقاومت، یعنی ایران و ولی فقیه. از اعضای حزب‌الله که تحت اشراف سید مقاومت هستند، پرسیدند نسبت شما به فرامین یا رهنمودهای ولی فقیه در ایران چیست؟ یکی از آنها پاسخ داد: «ما وقتی همراه سیدحسن نصرالله خدمت امام رسیدیم، وارد قلعه ولایت شدیم و تصمیم گرفتیم که از قلعه ولایت خارج نشویم و خلاف رهنمودهای ولی فقیه در ایران حرکتی انجام ندهیم». دوباره می‌پرسند چگونه می‌فهمید که کاری موافق رهبری است یا نه؟ ایشان گفت: «اگر

۱. پایگاه اندیشه ما، دکتر عبدالوهاب فراتی: <https://andishehema.com/maktab-seyed-hasan-nasrollah/>

۲. <https://www.shora-gc.ir/fa/news/10466>.

در موردی، صراحت رهبری را داشته باشیم، حتماً به آن عمل می‌کنیم و اگر در موردی مخالف ایشان را بدانیم، به آن عمل نخواهیم کرد. در صورتی که در موردی اختلاف نظر داشته باشیم، با اولین پرواز به تهران می‌رویم و نظر ولیّ فقیه را مستقیماً درخواست می‌کنیم». این سخن نشان می‌داد که حزب‌الله به‌ویژه دبیر کل آن نیرویی نیست که مستقل عمل کند، بلکه ضمن درک شرایط لبنان و منطقه، تابع تصمیم‌های ولیّ فقیه در ایران است.^۱

درس تاریخی سید مقاومت

در اولین جلسه اجلاس بین‌المللی حمایت از انتفاضه، هنگامی که مقام معظم رهبری در حال عبور از سالن اجلاس بود، سیدحسن نصرالله خود را به ایشان رساند و دستشان را بوسید. این صحنه برای همه کسانی که آن را مشاهده کردند، تأمل برانگیز بود. وقتی از چرایی این حرکت از او پرسیدند، سیدحسن گفت: «امسال رسانه‌های جهانی مرا به عنوان "مرد سال" نامیده‌اند و در کشورهای عربی نیز عنوان "موفق‌ترین رهبر جهان عرب" را به من داده‌اند. دیروز چون مراسم به طور مستقیم در جهان پخش می‌شد، مناسب دیدم به همه بگویم که من "سرباز" رهبر انقلابم».^۲ شهید نصرالله چنان به ولایت فقیه اهمیت می‌داد که در وصیت خود می‌گوید: «توصیه می‌کنم که برای خیر دنیا و آخرتتان، ایمانتان به رهبری حضرت امام خامنه‌ای علیه‌السلام محکم و قوی باشد».^۳

پنجم: دشمن‌شناسی

از دیگر ویژگی‌های مکتب سید مقاومت، دشمن‌شناسی و زمان‌شناسی است. ایشان می‌فرمودند: «ما معتقدیم یزید این دوران که باید کربلایی، حسینی و زینبی با او مقابله کنیم، نقشه‌های آمریکایی - صهیونیستی است؛ نقشه‌ای که امت اسلام، تمدن، ادیان آسمانی، ملت‌ها و مقدسات ما را تهدید می‌کند. ما در برابر این یزید، حسینی و زینبی بوده‌ایم و خواهیم ماند. این نبرد برای ما در اولویت مطلق خواهد ماند».^۴

۱. همان.

۲. پایگاه خبری همشهری:

<https://www.hamshahrionline.ir/photo/886002>.

۳. پایگاه خبری خبر آنلاین:

<https://www.khabaronline.ir/news/1964886>.

۴. سخنرانی سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، در روز عاشورا ۱۴۳۴؛ سایت مقاومت اسلامی لبنان.

ششم: شهادت طلبی

در مکتب سید حسن نصرالله، شهادت مردان خدا نه فقط عامل خمودی و ناامیدی جامعه نیست، بلکه عاملی برای بالندگی و شکوفایی است. صدرالمتهلین در شعری می‌گوید:

آنان که ره دوست گزیدند همه در کوی شهادت آرمیدند همه
در معرکه دو کون فتح از عشق است هرچند سپاه او شهیدند

سید حسن نصرالله در اولین سخنرانی خود پس از انتخاب به عنوان دبیر کل حزب الله لبنان، به ادامه راه حزب الله اشاره کرد و گفت: «شهادت سیدعباس موسوی دلیل سطح رشد و بالندگی راه حزب الله در لبنان است و نشانه‌ای از سطح بالای خلوص او در راه اهداف الهی، همبستگی فرماندهی با نیروهای خود، از خودگذشتگی بی‌مرز، حضور میدانی و وفاداری به مقاومت و مردم است. این شهادت آغاز تحول بزرگ روحی و معنوی و جهادی است که برای قاتل او باورپذیر نیست»^۱.

شهادت سید و فرزندش در مسیر حق نیز حرکتی را در جامعه اسلامی رقم زد که حق جویان عالم، بیشتر از گذشته از شهادت سید مقاومت نیرو گرفتند و در مبارزه با ستمگران عالم، مصمم‌تر و بانگیزه‌تر شدند. این روند، تداوم مسیر حضرت امام حسین علیه السلام و عاشوراییان است که تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه خواهد داشت.

هفتم: محبوبیت و اعتبار جهانی

یکی از ویژگی‌های برجسته شهید نصرالله، محبوبیت و اعتبار جهانی اوست. این محبوبیت نتیجه ترکیبی از عوامل مختلف از جمله خداباوری و روحیه ستم‌ستیزی اوست. اما مواضع قاطع و توانمندی‌هایی که سید مقاومت در برابر دشمنان از خود نشان داد، او را به یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌ها در میان بسیاری از مردم عرب و مسلمان تبدیل کرد و اعتبار او در جایگاه یک رهبر مؤثر جهانی، تحسین‌های زیادی را به همراه داشته است.

شهید نصرالله توانست حزب الله را از گروه مقاومت به نیروی سیاسی و نظامی قدرتمند تبدیل کند. رهبری او نه تنها در عرصه نظامی، بلکه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی نیز تأثیرگذار بوده است؛ به‌ویژه به دلیل مبارزه موفق با رژیم صهیونیستی و دفاع از آرمان فلسطین، میان

۱. روزنامه «فرهیختگان»:

ملت‌های عربی محبوبیت فوق‌العاده‌ای کسب کرد.

روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز در سال ۲۰۰۶ در گزارشی با عنوان «جهان عرب اسطوره خود را در رهبر حزب‌الله پیدا کرده»، به ابراز تحسین از نقش و تأثیرات او در این زمینه پرداخت. این مسئله نشان‌دهنده نفوذ و محبوبیت بی‌نظیر شهید نصرالله در جهان عرب و فراتر از آن است.^۱ رهبر معظم انقلاب فرمود: «دنیای اسلام، شخصیتی باعظمت را و جبهه مقاومت پرچم‌داری برجسته را و حزب‌الله لبنان رهبری کم‌نظیر را از دست داد».^۲

هشتم: ستم‌ستیزی

سیدحسن نصرالله صدای ستم‌ستیزی بود که همواره بر حق ملت‌ها به‌ویژه ملت فلسطین تأکید می‌کرد و با مواضع قاطع و بی‌پرده‌ای در برابر ظلم و بی‌عدالتی ایستادگی می‌کرد. این ویژگی او موجب شد بسیاری از عراقی‌ها، سوری‌ها و دیگر ملت‌های عرب او را الگویی برای خود بدانند و به او اعتماد کنند. انتخاب کلیدواژه «سید مقاومت» به همین روحیه ستم‌ستیزی و روحیه مقاومت او اشاره دارد.

نهم: جهاد تبیین

در مکتب شهید نصرالله، جهاد تبیین مهم‌ترین شاخصه است. او که در جهاد اکبر و خودسازی معنوی در اوج بود و در جهاد با دشمن نیز در میان مجاهدان سرافراز مبارزه با اسرائیل می‌درخشید، در جهاد تبیین چنان قدرتی داشت که می‌توانست با بیان اهداف مقدس خود، بر ادبیات سیاسی جهان تأثیر بگذارد و آن را به نفع جبهه مقاومت تغییر دهد. چند نمونه از سحر کلام سید مقاومت را در ادامه مرور می‌کنیم:

۱. به خدا قسم، اسرائیل از خانه عنکبوت سست‌تر است

سیدحسن نصرالله در جریان سخنرانی خود در جنگ ۳۳ روزه، در مواجهه با دشمن گفت: «این اسرائیل که صاحب سلاح اتمی است و قوی‌ترین نیروی هوایی منطقه را دارد، به خدا قسم، از لانه عنکبوت سست‌تر است». او به توانمندی‌های رژیم صهیونیستی اشاره می‌کند، اما به روشنی بیان می‌دارد که این قدرت، پوشالی و غیرواقعی است. سیدحسن نصرالله تأکید می‌کند که قدرت رژیم صهیونیستی واقعی نیست. این نکته در راستای تقویت روحیه محور مقاومت و

1. <https://www.mashregnews.ir/news/1646967>.

2. <https://farsi.khamenei.ir/=57700>.

کاهش روحیه دشمن بیان می‌شود و می‌گوید اسرائیل از خانه عنکبوت سست‌تر است.

۲. شوی، شوی... یواش، یواش

شهید نصرالله در سخنرانی خود بعد از شهادت اسماعیل هنیه به این موضوع اشاره می‌کند که پاسخ به ترور هنیه آرام‌آرام و به تدریج خواهد بود. استراتژی محور مقاومت در این سخنرانی، به گونه خاصی بیان می‌شود که مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد. نصرالله در مورد اینکه چگونه به ترور اسرائیل پاسخ داده خواهد شد، گفت: «شوی، شوی... یواش، یواش». او در این سخنرانی به دو زبان صحبت می‌کند و لغتی فارسی را به کار می‌گیرد که این عبارت به سرعت در فضای سیاسی مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت.

۳. عمودی بیابید، افقی برمی‌گردید

بخش جدایی‌ناپذیر سخنرانی شهید سیدحسین نصرالله، زبان بدن او بود. این رفتار او به‌ویژه زمانی که به تهدید رژیم صهیونیستی می‌پرداخت، بیشتر می‌شد و بر قاطعیت او در سخنرانی می‌افزود. این شهید بزرگوار معمولاً در سخنرانی‌ها از حرکات دست خود استفاده می‌کرد؛ از جمله در سخنرانی بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی گفت: «تنها پاسخ به ترور حاج قاسم سلیمانی، خروج همه نظامیان آمریکایی از منطقه است». سپس افزود: «آنان اگر عمودی بیابند، افقی به آمریکا باز می‌گردند و ترامپ و دولتش می‌فهمند که در منطقه باخته‌اند و در انتخابات نیز بازمانده‌اند». شهید نصرالله در این صحبت خود، از حرکت دستش استفاده می‌کند و این تصویر به سرعت در رسانه‌ها بازنشر پیدا می‌کند.

۴. ارزش کفش سلیمانی از سر ترامپ بیشتر است

سیدحسین نصرالله مهارت زیادی در تشبیه‌سازی واژگان داشت و به خوبی این کار را انجام می‌داد؛ به طوری که بازنمایی رسانه‌ای پرسرعتی در اخبار و رسانه‌های بین‌المللی ایجاد می‌کرد. یکی از درخشان‌ترین اظهارنظرهای رسانه‌ای او در واکنش به شهادت حاج قاسم سلیمانی را می‌توان در سخنرانی‌اش دید که گفت: «ارزش کفش سلیمانی از سر ترامپ بیشتر است». این عبارت هم اوج عزت حاج قاسم سلیمانی را بیان می‌کند و هم اوج ذلت ترامپ را. شهید نصرالله از صحبت‌های خود همواره برای تقویت محور مقاومت و روحیه‌دادن به آنها استفاده می‌کرد؛ برای مثال در دوران جنگ ۳۳ روزه لبنان گفت: «دوران شکست‌ها به پایان رسیده و دوران پیروزی‌ها آغاز شده است». همچنین بیان کرد: «ما شما را زیر پا خواهیم

گذاشت و از بالای سرتان عبور خواهیم کرد». استفاده از این جملات نه تنها به تقویت روحیه مقاومت منجر می‌شد، بلکه روحیه دشمن را نیز تضعیف می‌کرد. نکته دیگر این است که تقریباً در تمامی صحبت‌های سید حسن نصرالله، کلمات «مقاومت»، «پیروزی» و «قدرت» دیده می‌شد و گویی این واژه‌ها جزء جدایی‌ناپذیر سخنرانی‌های او بودند.^۱

فیض شهادت

سید حسن نصرالله، سید مقاومت، عارف بالله و مرد میدان فی سبیل الله بود و مرگ در بستر برای او شایسته نبود. شهادت او هرگز دور از انتظار نبود. او مزد سی سال تلاش خود را در روز جمعه ۶ مهر سال ۱۴۰۳ شمسی/ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ میلادی، در حمله هوایی رژیم جلااد صهیونیستی به ضاحیه لبنان دریافت کرد و به عالی‌ترین افتخار معنوی، یعنی شهادت در راه خداوند نایل آمد و به قافله جاویدان شهیدان راه حق پیوست؛ زیرا که شهادت خط آل محمد است. امام خمینی علیه السلام فرمود: «خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است؛ و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است».^۲

حضرت آیت الله خامنه‌ای در پی شهادت ایشان فرمودند:

«مجاهد کبیر، پرچم‌دار مقاومت در منطقه، عالم با فضیلت دینی و رهبر مدبر سیاسی، جناب سید حسن نصرالله رضوان الله علیه، سید عزیز مقاومت، پاداش ده‌ها سال جهاد فی سبیل الله و دشواری‌های آن را در خلال یک پیکار مقدس دریافت کرد. فیض شهادت پس از این همه مجاهدت، حق مسلم او بود. دنیای اسلام، شخصیتی با عظمت را و جبهه مقاومت، پرچم‌داری برجسته را و حزب الله لبنان، رهبری کم‌نظیر را از دست داد... سید مقاومت، یک فرد نبود، بلکه یک راه و یک مکتب بود و این راه همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سیدعباس موسوی بر زمین نماند و خون شهید سید حسن هم بر زمین نخواهد ماند».^۳

۱. سایت فرهیختگان:

<https://farhikhtegandaily.com/news/195773>.

۲. سیدروح الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۲۷.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای علیه السلام، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. به مناسبت شهادت سیدمقاومت در هفتم مهر ۱۴۰۳.

کتابنامه

خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی علیه السلام، [بی تا].

1. <https://farsi.khamenei.ir>.
2. <https://www.shora-gc.ir/fa/news>.
3. <https://www.isna.ir/news>.
4. <https://farsi.khamenei.ir>.
5. <https://www.shora-gc.ir/fa/news>.
6. <https://www.hamshahrionline.ir/photo>.
7. <https://www.khabaronline.ir/news>.
8. <https://farhikhtegandaily.com/news>.
9. <https://www.mashreghnews.ir/news>.
10. <https://farsi.khamenei.ir>.

روش‌های عالمان شیعه و اهل سنت در مبارزه با استحاله فرهنگی

حجت‌الاسلام والمسلمین عبد الله مومنی اورعی*

اشاره

«تهاجم فرهنگی» یکی از راه‌های جنگ نرم و تأثیرگذار دشمن در برابر جامعه اسلامی است. دشمن برای تسلط بیشتر بر جوامع اسلامی، با استفاده از ابزارهایی مانند ماهواره، اینترنت و فضای مجازی سعی در تغییر فرهنگ و سبک زندگی جامعه اسلامی دارد تا بنیان‌های فرهنگی آن را از بین ببرد. مقابله اسلامی با استحاله فرهنگی، امری ضروری و انکارناپذیر است. این اقدام نه تنها به حفظ هویت و ارزش‌های دینی کمک می‌کند، بلکه به رشد فکری و فرهنگی جامعه نیز می‌انجامد. عالمان دین و فعالان فرهنگی باید با شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای مؤثر، به ایجاد فضایی سالم و پایدار برای پیشرفت و ترقی فرهنگ اسلامی بپردازند. رهبر معظم انقلاب بارها در سخنرانی‌ها و بیانات خود به موضوع استحاله فرهنگی پرداخته‌اند و درباره آن هشدار داده‌اند. اندیشمندان اسلامی در راه مبارزه با استحاله فرهنگی از روش‌هایی بهره می‌برند که در این نوشتار به بیان بعضی از آنها می‌پردازیم.

تعریف و جایگاه فرهنگ

«فرهنگ» عبارت است از مجموعه‌ای علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به طور خلاصه همه آموخته‌ها و عاداتی که یک انسان در جایگاه عضوی از جامعه اخذ می‌کند.^۱ فرهنگ به افراد یک جامعه حس تعلق و همبستگی

* کارشناسی ارشد مذاهب اسلامی.

۱. لوئیس کوزر و برنارد روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ص ۴۴؛ احمد گل محمدی، جهانی شدن،

فرهنگ، هویت، ص ۲۳۹.

می‌بخشد و آنها را از دیگر جوامع متمایز می‌کند. بی‌گمان فرهنگ را باید مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویت دانست. هویت افراد و گروه‌ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون شکل می‌گیرد؛ زیرا این اجزا و عناصر، نقش چشمگیری در تأمین نیاز انسان‌ها برای متمایز بودن و ادغام شدن در جمع ایفا می‌کنند.^۱

ضرورت فرهنگ

فرهنگ به حفظ هویت ملی و استقلال فرهنگی یک ملت کمک می‌کند. در دنیای جهانی‌شده امروز، حفظ فرهنگ بومی و مقابله با تهاجم فرهنگی اهمیت ویژه‌ای برخوردار دارد؛ همچنین نقش مهمی در توسعه اجتماعی جوامع ایفا می‌کند. فرهنگ غنی و پویا منجر به ارتقای سطح آگاهی، آموزش، بهداشت و رفاه اجتماعی می‌شود و کمک شایانی به این موضوع می‌کند. افزون‌اینکه شناخت و احترام به فرهنگ‌های مختلف، به تفاهم و همکاری بین ملت‌ها کمک می‌کند. گفتگوی بین فرهنگی سبب کاهش تعصبات و پیش‌داوری‌ها می‌شود و زمینه را برای صلح و دوستی فراهم می‌نماید.

استحاله فرهنگی

استحاله فرهنگی به فرایند تغییر و جذب عناصر فرهنگی یک جامعه به وسیله فرهنگ دیگر اطلاق می‌شود؛ به گونه‌ای که هویت فرهنگی اولیه جامعه تغییر می‌یابد و ویژگی‌های جدیدی بسته به فرهنگ غالب جذب می‌کند. این تغییرات می‌توانند تدریجی و بر اثر تعاملات مداوم فرهنگی یا به دلیل تأثیر شدید و غالب یک فرهنگ بر دیگری انجام گیرند.

عوامل استحاله فرهنگی

الف) جهانی‌سازی: گسترش سریع اطلاعات و فناوری منجر به نفوذ فرهنگ‌های غالب (مانند فرهنگ غرب) از طریق رسانه‌ها و اینترنت شده است.

ب) استعمار و نفوذ سیاسی: تحمیل فرهنگ و ارزش‌های کشورهای استعمارگر به بومیان، در طول تاریخ موجب استحاله فرهنگی شده است.

ج) مهاجرت: مهاجرت‌های گسترده با ادغام فرهنگ‌های مهاجران و میزبان، سبب تغییرات فرهنگی در جوامع می‌شود.

۱. احمد گل محمدی، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، ص ۲۳۹.

د) تأثیرات اقتصادی: شرکت‌های چندملیتی و بازار جهانی با انتقال محصولات و فرهنگ خود، ارزش‌ها و سبک زندگی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند. رهبر انقلاب بارها در سخنرانی‌ها و بیانات خود به موضوع استحاله فرهنگی پرداخته‌اند و درباره پیامدهای آن هشدار داده‌اند. ایشان استحاله فرهنگی را تهدیدی جدی برای هویت و استقلال فرهنگی جامعه ایرانی می‌دانند.

روش‌شناسی عالمان اسلامی در مواجهه با چالش‌های فرهنگی

عالمان اسلام در طول تاریخ با استحاله فرهنگی و تهدیدهای فرهنگی مختلف مبارزه کرده‌اند. در ادامه به چند روش عالمان برای مقابله با این چالش‌ها اشاره می‌شود.

۱. ترویج فرهنگ اسلامی

عالمان اسلام با تأکید بر آموزه‌های دینی و فرهنگی اسلام، به ترویج ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در جامعه می‌پردازند و می‌کوشند مردم را به رعایت اصول اسلامی و انسانی تشویق کنند؛ همچنین با پاسخ به شبهه‌های فرهنگی و دینی، تلاش می‌کنند با ارائه دلایل منطقی و مستند، افکار نادرست را اصلاح نمایند. این مسئله می‌تواند با برگزاری کلاس‌های آموزشی، پاسخ به شبهه‌ها، برگزاری مناظرات، سخنرانی‌ها و نشر کتاب‌های دینی باشد.

شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ) یکی از بزرگ‌ترین عالمان شیعه در قرن چهارم هجری بود. او به تأسیس مکتب علمی در بغداد پرداخت؛ زیرا بغداد در آن زمان پایتخت خلافت عباسی بود و یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام شناخته می‌شد. تأسیس مکتب علمی در این شهر به او این امکان را می‌داد که به راحتی با دیگر دانشمندان و فلاسفه ارتباط برقرار کند و از تبادل علمی بهره‌مند شود. همچنین او که به دنبال ترویج معارف و اصول فقهی و کلامی شیعه بود، تأسیس مکتب علمی این فرصت را می‌داد تا عقاید شیعه را به گونه‌ای منظم و علمی به دیگران آموزش دهد و از این طریق به تقویت هویت شیعه کمک کند.^۱ وی در این راستا توانست شاگردان زیادی از جمله شیخ طوسی، کلینی و... را تربیت کند و به آنها علوم دینی و فقهی را آموزش دهد.

در آن دوران، چالش‌های فکری و مذهبی زیادی وجود داشت. شیخ مفید با تأسیس مکتب

۱. یعقوب جعفری، «مقایسه‌ای میان دو مکتب فکری شیعه در قم و بغداد در قرن چهارم هجری»، ص ۱۴-۱۵.

علمی، به دنبال پاسخ به این چالش‌ها و دفاع از عقاید شیعه بود.^۱ او با نوشتن آثار مهمی در زمینه فقه و کلام، به ترویج فرهنگ اسلامی و تقویت هویت دینی مردم پرداخت.^۲ این اقدام شیخ مفید، گامی مهم در تاریخ علم و فرهنگ اسلامی به شمار می‌آید و تأثیرات آن تا به امروز احساس می‌شود. مقام معظم رهبری نیز یکی از مصادیق مبارزه با استحاله فرهنگی را رساله‌های شیخ مفید در جواب پرسش‌های بلاد مختلف دانسته‌اند.^۳

امام غزالی نیز از متفکران بزرگ اهل سنت سده پنجم هجری است که در برابر چالش‌های فرهنگی زمان خود تلاش زیادی کرد تا هویت دینی و فرهنگی مسلمانان را حفظ کند. او در تهافت الفلاسفه، به نقد فلسفه‌های یونانی و افکار فلسفی پرداخت که با اصول اسلامی در تضاد بودند. او کوشید نشان دهد بسیاری از این افکار نمی‌توانند با اصول دین اسلام سازگار باشند و به نوعی تهاجم فرهنگی به ارزش‌های اسلامی به شمار می‌آیند. وی در آغاز مقدمه تهافت تصریح می‌کند رواج بی‌دینی و خوارشمردن امور دین از سوی گروهی، او را برآن داشته است تا فلسفه را به نقد بکشد و اصول و مبانی اندیشه فیلسوفان را ویران کند.^۴

از دیگر تلاش‌های غزالی در هویت‌بخشیدن به فرهنگ مسلمانان، تلاش برای ترویج اخلاق اسلامی و ارزش‌های انسانی است. غزالی می‌کوشید مسلمانان را به رعایت اصول اخلاقی و انسانی تشویق کند و به آنها یادآوری نماید که دین اسلام نه تنها به عبادت، بلکه به رفتار صحیح در زندگی روزمره تأکید دارد.

ابوحامد باور داشت فقیهان و متکلمان و واعظان هم‌روزگار وی، از فرهنگ اصیل اسلامی دور شده‌اند، نه درد دین دارند و نه درس دین می‌دهند. آنچه در این میان متروک و مظلوم افتاده است، علم آخرت و سیره صالحان سلف است؛ برای تحقق این آرمان مهم، کتاب احیاء علوم الدین را به زبان عربی نگاشت^۵ که به گفته برخی، در کتب اخلاقی نظیر

۱. ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقه، ص ۱۴۶.

۲. محمد بن حسن طوسی، الفهرست، ص ۶۷.

۳. برگرفته از بیانات در دیدار مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور، ۲/۱۴۰۴/۲۱؛ در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=53333>.

۴. محمد غزالی، تهافت الفلاسفة، ص ۷۳.

۵. همو، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲.

ندارد و هر کس پس از غزالی در علم اخلاق چیزی نوشته است، از این کتاب استفاده و اقتباس یا تقلید صرف کرده است.^۱

۲. تقویت هویت ملی

عالمان شیعه به تقویت هویت ملی و دینی مردم توجه دارند و می‌کوشند مردم را به ریشه‌های فرهنگی و دینی خود متصل کنند و حس همبستگی و اتحاد را در جامعه تقویت نمایند. پرواضح است مراد از هویت ملی، هویتی است که با اصول اسلامی و ارزش‌های انسانی همخوانی داشته باشد.

این مفهوم در گذشته در جایگاه یک مقوله خاص مطرح نبود و مسلمانان بر اساس دین و نه ملیت‌های قومی به هم پیوسته بودند؛ اما در دوران معاصر با تشکیل کشورهای جدید اسلامی، بحث و دیدگاه‌های مختلفی درباره هویت ملی و رابطه آن با اسلام مطرح شده است.

آیت‌الله خامنه‌ای انقلاب را سبب هویت‌بخشیدن به ملت ایران می‌داند و می‌فرماید: «واقعاً خدا به ملت ایران رحم کرد که این انقلاب رخ داد ... مبارزه‌ای با انقلاب انجام گرفت، مبارزه هویتی بود، مبارزه موجودیتی بود؛ هویت ملت ایران، موجودیت ملت ایران، تاریخ ملت ایران داشت نابود می‌شد و جلویش گرفته شد».^۲ ایشان راه جلوگیری از فریب و اغوای دشمن را تقویت هویت ملی و تقویت آرمان‌خواهی در مجموعه نخبه‌ها می‌داند و در این باره می‌فرماید: «هویت ملی باید در مجموعه نخبه کشور تقویت بشود، باید احساس کنند که ایرانی مسلمان‌اند، باید افتخار کنند به اینکه ایرانی مسلمان‌اند؛ این باید در آنها تقویت بشود. باید افتخار کنند که تتمه و دنباله یک تاریخ بسیار شرافتمندانه و باارزش‌اند؛ دانش ما یک روز دنیا را در تصرف داشته، فلسفه ما یک روز برترین فلسفه در دنیا بوده، دانشمندان ما، حقوق ما، فقه ما همین جور؛ ما دنباله آن تاریخ هستیم. بعد از پیروزی انقلاب، آن حرکت عظیم تاریخی ادامه پیدا کرده. یکی از کارهای دشمن، آرمان‌زدایی است، هویت‌زدایی است؛ این یکی از کارهاست؛ متوجه این نقطه تهاجم دشمن باشید».^۳

۱. جلال‌الدین همائی، غزالی‌نامه، ص ۱۵۷.

۲. بیانات در دیدار اعضای کنگره ملی بزرگداشت ۲۴ هزار شهید تهران، ۲۰۲۰/۱۱/۰۳؛ در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=55023>

۳. بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی، ۲۰۲۵/۰۷/۱۳۹۷؛ در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40725>

استاد مرتضی مطهری در جایگاه یکی از اندیشمندان و روشنفکران عصر پهلوی دوم و دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی است که بحران موجود در هویت ملی معاصر ایرانیان را در ربط اسلامیت، ایرانیت و تجدد غربی می‌داند؛ بر این اساس، به دنبال این بود که تأثیر متقابل و اهمیت هر یک از این عناصر و مؤلفه‌ها را بیان نماید. کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، نشان‌دهنده دغدغه‌های بزرگ شهید مطهری به مقوله هویت ملی ایرانی در عصر حاضر است. ایشان بر اهمیت و نقش مذهب در جایگاه اصیل‌ترین عنصر در هویت ملی تأکید دارد و دیگر عناصر را در قالب دینی و مذهبی معنا و هویت می‌دهد؛ پس در نظر وی عناصر غیردینی نقش ثانوی دارند.^۱

سید قطب (۱۹۰۶ - ۱۹۶۶) با توجه به شرایط کشورهای مستعمره و تأثیر استعمار غربی بر جهان اسلام، نخست دیدگاه خاصی به هویت ملی در دوران استعمار داشت. در نظر قطب، استعمار غربی نه تنها از نظر اقتصادی و سیاسی به کشورهای مسلمان آسیب رسانده است، بلکه موجب تضعیف هویت دینی و اسلامی این جوامع نیز شده است. هویت ملی در چنین شرایطی برای بسیاری از مسلمانان، ابزاری برای مقاومت در برابر استعمار و تأسیس دولت‌های مستقل در نظر گرفته می‌شود. او در آن دوره رویکرد سکولار اسلامی داشت و ناسیونالیسم عربی را برای ایدئولوژی می‌پذیرد و حتی به اسلام از زاویه «روح عربی ناب» آن می‌نگرد؛^۲ سرانجام، از ملی‌گرایی به معنای مدرن آن انتقاد می‌کند. به زعم او، ملی‌گرایی غربی که در بسیاری از کشورهای اسلامی به‌ویژه در دوران معاصر رواج پیدا کرده است، سبب تضعیف هویت اسلامی و وحدت امت اسلامی می‌شود.^۳

۳. تأکید بر وحدت اسلامی و مقابله با تفرقه

عالمان اسلام با تأکید بر وحدت مسلمانان و تقویت روابط بین مذاهب اسلامی، سعی در ایجاد هویت مشترک اسلامی دارند که می‌تواند در برابر استحاله فرهنگی تأثیرگذار باشد. وحدت امت اسلامی، موجب ایستادگی در برابر تقلید فرهنگی و حفظ هویت اسلامی (در برابر هویت جهانی) می‌شود. وحدت اسلامی به معنای همبستگی میان اعضای امت اسلامی فراتر از مرزهای ملی، نژادی و زبانی است. این وحدت تأکید می‌کند امت اسلام دارای اصول، ارزش‌ها

۱. قدرت‌الله قربانی، «هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری»، ص ۶۳-۸۶.

۲. مجید مرادی، «تقریر گفتمان سید قطب»، ص ۲۲.

۳. مجله تاریخ فرهنگ معاصر، ش ۶، ص ۲۷۸، به نقل از مصر الفتاه، ۶ سپتامبر ۱۹۵۱م.

و باورهایی است که نباید قربانی جریان استحاله فرهنگی جهانی شوند. آیت‌الله کاشانی با توجه به اندیشهٔ همبستگی ملل مسلمان، منشوری را به تمام ملت‌های اسلامی فرستاد و از آنان خواست: «برادران من، وضع کنونی و حوادث روزمره جهان، هر لحظه بر یقین ما می‌افزاید که وجود یک جبهه متشکل از ملل مسلمان و هماهنگی دولت و ملت ضروری به نظر می‌رسد تا از جنبه معنوی دین و راهنمایی پیامبر بزرگ خود الهام گرفته و در برابر مطامع استعماری و نوکران آن، سدّ محکمی ایجاد نموده و از رخنه اجانب جلوگیری کنند»^۱.

امام خمینی علیه السلام همواره بر لزوم وحدت اسلامی تأکید داشت و تفرقه و اختلاف میان مسلمانان را دسیسه دشمنان می‌دانست؛ به همین دلیل بارها در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود، مسلمانان را به وحدت و همبستگی فراخواند. ایشان اعتقاد داشت مسلمانان با وجود اختلاف‌های مذهبی، اشتراک‌های فراوانی دارند که می‌توانند مبنای وحدت آنها قرار گیرد و اندیشه غربی‌شدن جهان اسلام را نقد کرد. امام علیه السلام برای مقابله با نابودی تمدن اسلامی، افزون بر تلاش در همگرایی اجتماعی، بر همگرایی سیاسی کشورهای اسلامی تلاش و تأکید داشتند و می‌فرمایند: «اسلام یک ملت واحده است و ممالک اسلامی، مثل محله‌های یک شهر به هم نزدیک‌اند و همه روی قواعد اسلامی موظف‌اند که با هم متحد باشند. و همه زیر پرچم توحید، متحد‌الکلمه با کسانی که برخلاف اسلام هستند، مقابله کنند و آنها را هدایت کنند به اسلام و خودشان را حفظ کنند از شر آنها»^۲.

ایشان تعصبات مذهبی و فرقه‌گرایی را عامل اصلی تفرقه مسلمانان می‌دانست و همواره تأکید می‌کرد نباید اختلاف‌های مذهبی به درگیری و نزاع منجر شود و مسلمانان باید با یکدیگر برادر باشند. با تدبیر امام خمینی علیه السلام، فاصله زمانی بین دو گزارش روایی از میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، به نام «هفته وحدت» نام‌گذاری شد. هدف از این اقدام، ایجاد فرصتی برای تعامل و گفتگو میان مسلمانان بود. این هفته هر سال در کشورهای اسلامی برگزار می‌شود و تقویت اتحاد میان مسلمانان را موجب شده است.

سیدعبدالحسین شرف‌الدین در راستای ایجاد اتحاد، تقریب و الفت میان امت اسلامی، کتاب *الفصول المهمة فی تألیف الامة* را به نگارش درآورد. او که بیشترین دغدغه را در تقریب بین شیعه و سنی داشت، در این اثر به عوامل بروز تفرقه و جدایی بین مذاهب اسلامی می‌پردازد

۱. سیدهادی خسروشاهی، درباره زندگی و مبارزات آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، ص ۱۷۷.

۲. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۸۵-۴۸۷.

و راهکارهایی برای وحدت نیز ارائه می‌دهد. الفصول به زبان‌های فارسی و اردو نیز ترجمه شده است.

آیت‌الله بروجردی، شیخ محمود شلتوت، علامه یوسف قرضاوی و جمعی دیگر از اندیشمندان اسلامی به ضرورت همبستگی مسلمانان و کشورهای اسلامی تأکید داشتند.

۴. استفاده از رسانه‌های نوین

رسانه‌ها امروزه نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به فکر، فرهنگ، رفتار و هویت فرهنگی انسان‌ها دارند. رسانه‌ها می‌توانند هم ابزاری برای بهبود زندگی انسان‌ها باشند و هم وسیله‌ای برای تخریب و ایجاد مشکلات. رسانه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز گفتگوی آزاد و چندجانبه میان ملت‌ها باشند و این یکی از بزرگ‌ترین مزایای آنهاست. آنها قادرند به طور اخلاقی و استدلالی، مفاهیم و ارزش‌های مختلف را میان ملت‌ها تبادل کنند؛ در نتیجه دادوستد معنوی، اخلاقی و فرهنگی را تسهیل نمایند.^۱

عالم‌ان امت مسلمان با توجه به پیشرفت تکنولوژی، از رسانه‌های مختلف مانند مجله، تلویزیون، رادیو و اینترنت برای نشر آموزه‌های دینی و فرهنگی استفاده کرده‌اند و می‌کنند.

سیدجمال‌الدین که سال ۱۲۷۸ قمری / ۱۲۴۱ شمسی به افغانستان رفت، اولین روزنامه را در افغانستان با عنوان «شمس‌النهار» انتشار داد.^۲ وی در ربیع‌الثانی سال ۱۲۹۶ قمری به حیدرآباد رفت که مرکز همه تبعیدیان هند بود و در این شهر مجله‌ای با عنوان «معلم شفیق» به دوزبان اردو و فارسی منتشر کرد.^۳ همچنین سال ۱۳۰۱ قمری / ۱۸۸۴ میلادی به پاریس رفت و «عروة الوثقی» را انتشار داد.^۴

«درة النجف» مجله‌ای فارسی به مدیریت آغامحمد محلاتی بود. شماره اول آن در ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ قمری منتشر شد. از جمله کسانی که فکر سامان‌دادن این مجله را داشت، شیخ عبدالحسین رشتی یکی از شاگردان مجتهد مصلح محمدکاظم خراسانی بود که اجازه چاپ مجله را با واسطه از آن جناب گرفته بود. «درة النجف» مطالب بسیاری در باب دین و تمدن را

۱. بیانات در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۲۶/۰۲/۱۳۸۵؛ در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3340>.

۲. محمدکاظم آهنگ، سیر ژورنالیسم در افغانستان، ج ۱، ص ۸.

۳. همان.

۴. کاظم موسوی بروجردی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۱۵۸۳.

دربر می‌گرفت و به قلم شیخ آقابزرگ تهرانی نوشته می‌شد.

شیخ یوسف قرضاوی از طریق برنامه تلویزیونی معروف خود به نام «الشريعة والحياة» (شریعت و زندگی) که از شبکه الجزیره پخش می‌شد، به مخاطبان خود دسترسی داشت. این برنامه به مسائل مختلف دینی و اجتماعی می‌پرداخت و یکی از پرمخاطب‌ترین برنامه‌های دینی در جهان عرب بود.

برنامه‌های مربوط به مسائل دینی، در سال‌های حکومت رژیم پهلوی با محدودیت‌های زیادی روبرو بودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، برنامه‌های رادیویی مذهبی به شدت گسترش پیدا کرد و تنوع بیشتری به خود گرفت. یکی از نخستین برنامه‌های مذهبی تولیدشده از سوی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «درس‌هایی از قرآن» بود. این برنامه با سخنرانی‌های حجت‌الاسلام محسن قرائتی، به بررسی و تفسیر آیات قرآن کریم می‌پرداخت و به یکی از پرمخاطب‌ترین برنامه‌های مذهبی تلویزیون ایران تبدیل شد. ویژگی‌هایی چون موضوعات متنوع، بیان ساده و روان، پرسش و پاسخی بودن و تولید مستمر، این برنامه را به یکی از شاخص‌ترین برنامه‌های مذهبی تولیدشده در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب تبدیل کرد و نقشی مهم در ترویج معارف اسلامی و فرهنگ شیعه ایفا کرده است.

برنامه‌های پرمخاطب شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی معارف و قرآن برای فارسی‌زبانان و نیز برنامه‌های مشابهی که اهل سنت برای عرب‌زبانان دارند، از روش‌های کاربردی در مبارزه با استحاله فرهنگی است. امروزه نیز استفاده از اینترنت برای مقابله با استحاله فرهنگی روشی است که عالمان اسلام پی به اهمیت بالای آن برده‌اند و از آن برخوردارند.

پلتفرم‌های برخط به عالمان دین اجازه می‌دهد آموزه‌های اسلامی و پاسخ‌های خود به شبهه‌ها را به گستردگی و با سرعت انتشار دهند. عالمان توانسته‌اند با استفاده از فناوری‌های اینترنتی، دوره‌های آموزشی مجازی، وبینارها و کلاس‌های آنلاین برگزار کنند و به انتقال آموزه‌های دینی و فرهنگی بپردازند.

۵. پاسخ به شبهه‌ها

پاسخ به شبهه‌ها نه تنها به حفظ و تقویت فرهنگ کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای آگاه و مقاوم در برابر استحاله فرهنگی منجر شود. این فرایند نیازمند تلاش مستمر و آگاهی بخشی در سطح فردی و اجتماعی است؛ همچنین پاسخ به شبهه‌ها می‌تواند به تقویت هویت فرهنگی کمک کند. با ارائه توضیحات و دلایل منطقی در برابر شبهه‌ها، افراد می‌توانند به

درک عمیق‌تری از فرهنگ و ارزش‌های خود برسند و از استحاله فرهنگی جلوگیری کنند. از آنجا که پاسخ به شبهه‌ها سبب افزایش آگاهی و دانش افراد درباره فرهنگ و اعتقاداتشان می‌شود، اعتماد به نفس فرهنگی آنها افزایش می‌یابد و این آگاهی می‌تواند به افراد کمک کند در برابر تأثیرات منفی فرهنگی خارجی مقاومت کنند.

این روش به ترویج گفتگوی سازنده و تبادل نظر بین فرهنگ‌ها کمک می‌کند و به درک بهتر و احترام متقابل بین فرهنگ‌ها منجر می‌شود. با پاسخ به شبهه‌ها، می‌توان ارزش‌های فرهنگی را حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل کرد. از گذشته تاکنون کتاب‌هایی که از سوی عالمان جهان اسلام در راستای پاسخ به شبهات نگاشته شده است، کم نیستند؛ از جمله *أعاجیب الأکاذیب* که با هدف اثبات حقانیت دین اسلام و پاسخ به شبهه‌های مبلغان مسیحی از سوی محمدجواد بلاغی نجفی (۱۳۵۲-۱۲۸۲ق) نگاشته شد. همچنین *إرشاد القرآن و السنة اثر ابن‌قیم جوزی دمشقی (۶۹۱-۷۵۱ق)* به ارشادات قرآن و سنت به روش مناظره صحیح می‌پردازد. شبهات و ردود حول *القرآن الکریم* تألیف آیت‌الله محمدهادی معرفت نیز درباره برخی از شبهاتی نوشته شده است که درباره قرآن کریم از طرف برخی از افراد مطرح می‌شد. *المراجعات* از ۱۱۲ نامه تشکیل شده است که بین سیدعبدالحسین شرف‌الدین و شیخ سلیم بشری رئیس وقت دانشگاه الأزهر رد و بدل شده است.

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با هدف ارتقای پاسخ‌گویی دینی، «مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی» را تأسیس کرد. این مرکز با بهره‌گیری از متخصصان حوزوی، به پرسش‌های دینی در زمینه‌های قرآن و حدیث، فقه، کلام، اخلاق، تاریخ، مشاوره و فقه خواهران پاسخ می‌دهد. اهداف این مرکز شامل تبیین آموزه‌های دینی، دفاع از مبانی فکری اسلام، ارائه مشاوره‌های دینی و تحلیل پرسش‌ها برای اطلاع‌رسانی به مراکز حوزوی است. وظایف این مرکز، شامل پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، جمع‌آوری و طبقه‌بندی شبهات، تهیه منابع مطالعاتی و برقراری ارتباط با دیگر مراکز پاسخ‌گویی است.

اسلام‌وب‌دات‌نت (islamweb.net) وب‌سایتی در زمینه پاسخ به پرسش‌های دینی، ارائه مقالات و فتوای علمی از عالمان اهل سنت است. این وب‌سایت به زبان‌های مختلف فعالیت می‌کند و منبعی معتبر برای پیروان اهل سنت به شمار می‌رود و از بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین وب‌سایت‌های اسلامی در جهان است.

کتاب‌نامه

۱. آهنگ، محمدکاظم، سیر ژورنالیزم در افغانستان، کابل: انجمن تاریخ و ادب، افغانستان اکادیمی، ۱۳۴۹ ش.
۲. جعفری، یعقوب، «مقایسه‌ای میان دو مکتب فکری شیعه در قم و بغداد در قرن چهارم هجری»، در مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، ج ۶۹، چ ۱، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳. خسروشاهی، سیدهادی، درباره زندگی و مبارزات آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، قم: کلبه شروق، ۱۳۹۶ ش.
۴. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۵. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، چ ۱، قم: کتابخانه محقق طباطبایی، ۱۴۲۰ ق.
۶. غزالی، محمد، احیاء علوم الدین، بیروت: [بی‌نا]، ۱۴۰۳ ق.
۷. _____، تهافت الفلاسفة، مصر: دار المعارف، ۱۱۱۹ م.
۸. قربانی، قدرت‌الله، «هویت ملی از دیدگاه شهید مطهری»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۵، ش ۱۸، ۱۳۸۳ ش.
۹. کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی، [بی‌تا].
۱۰. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقها، سمت، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. مرادی، مجید، «تقریر گفتمان سید قطب»، نشریه علوم سیاسی، ش ۱۲، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. موسوی بروجردی، کاظم، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرةالمعارف اسلامی، [بی‌تا].

ایمان ثابت و ایمان عاریتی

حجت الاسلام والمسلمین محسن اصغری*

اشاره

در رجوع به برخی از آیات قرآن و منابع روایی، تعبیری چون «تبدل ایمان به کفر»، «ایمان ثابت»، «ایمان مستودع» و «زوال ایمان» مشاهده می‌شود. در منابع روایی نیز به دو نوع ایمان، یعنی «ایمان مستقر» و «ایمان مستودع»، اشاره شده است. بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد برخی از مؤمنان با سیری قهقرایی، از ایمان بازگشتند و به ورطه کفر سقوط کردند. عده‌ای از اصحاب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، ابتدا در زمره مؤمنان قرار داشتند و به آنها ایمان آوردند، اما در ادامه از مسیر خود بازماندند و به کفر روی آوردند. با توجه به اهمیت این بحث و جایگاه ایمان در رستگاری انسان، در این نوشتار به بررسی انواع ایمان پرداخته می‌شود.

الف) معناشناسی ایمان

ایمان در اصطلاح علوم دینی، به معنای تصدیق قلبی به وجود خداوند، نبوت، معاد و دیگر اصول ایمانی است. امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ حقیقت ایمان را علمی می‌دانند که به مرتبه قلب و وجدان رسیده و همراه با اطمینان، انقیاد و خضوع باشد.^۱ ایمان در اصطلاح نیز به معنای تصدیق قلبی و همراه با اقرار لسانی و اظهار زبانی است. در آیات بسیاری به صراحت بیان شده است که ایمان امری قلبی و جایگاه آن قلب است: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ»^۲ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته است. همچنین در قرآن بیان شده است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ

* مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانش‌پژوه سطح ۴ مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی.

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۸۸.

۲. مجادله: ۲۲.

إِيْنِكُمُ الْإِيْمَانُ وَ زَيْنَةُ فِي قُلُوبِكُمْ»^۱ این آیه به یکی دیگر از مواهب بزرگ الهی به مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «لکن خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده است»^۲.

ب) مراتب ایمان

مراتب ایمان را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد:

ایمان به دل: این مرحله شامل اعتقاد و باور قلبی به اصول و ارکان ایمان است. فرد باید با قلب خود به وجود خدا، پیامبران، کتاب‌های آسمانی، فرشتگان، روز قیامت و قضا و قدر ایمان بیاورد.

گفتار زبان: ایمان در این مرحله باید به زبان آورده شود. اظهار ایمان و شهادتین (شهادت به یگانگی خدا و پیامبری محمد ﷺ) از جمله این مراحل هستند.

عمل: ایمان فقط به باور و گفتار محدود نمی‌شود، بلکه باید در اعمال فرد نیز تجلی یابد. انجام واجبات دینی مانند نماز، روزه، زکات و دیگر عبادات نشان‌دهنده ایمان عملی فرد است. بنابراین مفهوم ایمان، مفهومی تشکیکی و دارای مراتب است. بیشتر مؤمنان در مراتب ابتدایی ایمان قرار دارند، بعضی در میانه راه و شمار اندکی به مراتب عالی آن دست می‌یابند. می‌توان گفت ایمان وقتی به مرحله یقین برسد، زوال آن ممکن نیست؛ ولی این نوع از ایمان نادر است.

ایمان در برخی از آیات با واژه‌هایی چون درجات و زیادی آمده است که نشان‌دهنده درجات و مراتب ایمان است و اینکه می‌تواند افزایش و کاهش یابد؛ از جمله خداوند متعال می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ»^۳ یا «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَزَادُتُهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ»^۴ [به آنها بگو:] اما کسانی که ایمان آورده‌اند، بر ایمانشان افزوده و آنها [به فضل و رحمت الهی] خوشحال‌اند». همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي

۱. حجرات: ۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۵۹.

۳. انفال: ۴: «[آری] مؤمنان حقیقی آنها هستند؛ برای آنان درجاتی [مهم] نزد پروردگارشان است». ر.ک به: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۹۹.

۴. توبه: ۱۲۴؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۰۹.

شک و تردیدی به خود راه نمی دهند و با اموال و جان های خود در راه خدا جهاد کرده اند؛ آنها راستگویان اند». مؤمنان راستین برای ثبات ایمان این گونه دعا می کنند: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^۱ پروردگارا، دل هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی، [از راه حق] منحرف مگردان؛ و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بخشنده ای». در آیه ای دیگر نیز می خوانیم: «كُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ»^۲ ای ثبت فی قلوبهم الإیمان بما فعل بهم من الألفاف فصار كالمكتوب»^۳.

نمونه هایی از ایمان ثابت

انسان های مؤمن در برابر تردید و شبهه مقاوم هستند و در تمام شرایط استوار و ثابت قدم مانده اند؛ برای مثال در عصر امام خمینی علیه السلام و همچنین شهیدان سلیمانی و سید نصرالله، نمونه های بارزی از ایمان های ثابت وجود دارد. این موضوع تنها به زمان معاصر محدود نمی شود و در زمان های دیگر نیز افرادی با ایمان و استقامت مشابه وجود داشته اند.

الف) آسیه همسر فرعون

آسیه همسر فرعون در دشوارترین شرایط، ایمان خویش را با قوت و استحکام حفظ کرد. بر اساس گزارش های تاریخی، زمانی که فرعون دستور داد آسیه را بر زمین بخوابانند و هر یک از دست ها و پاهایش را با میخ های بزرگ به زمین بکوبند، او همچنان به ایمان خود پایبند بود. فرعون همچنین سنگ بزرگی را بر سینه او گذاشت. در این لحظه بحرانی، حضرت موسی علیه السلام این صحنه دردناک را مشاهده کرد. آسیه علیها السلام از آن حضرت استمداد کرد و با قلبی سرشار از ایمان و وثوق، از جنایت های فرعون شکایت کرد. موسی علیه السلام پس از شنیدن ناله ها و دعای آسیه، برای او دعا کرد.^۴

ب) رشادت نافع بن هلال

نافع بن هلال جملی یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام در کربلا است. امام حسین علیه السلام در شب

۱. آل عمران: ۸؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۰.

۲. مجادله: ۲۲؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۹۶.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۸۳.

۴. علی اکبر بابازاده، سیمای زنان در قرآن، ص ۱۱۱-۱۱۲.

عاشورا به او فرمود که برود، اما نافع گفت: «نمی‌روم، من شمشیری که به دست دارم، باید با خون دشمنان سیراب کنم». امام با دیدن وفای او، دعا کرد و روز عاشورا با اذن امام به میدان رفت. نافع دوازده تیر داشت که نامش را بر چوبه تیرها نوشته بود؛ به همین دلیل تیرهایی که پرتاب می‌کرد، همگی نشان‌دار بودند و او با آنها دوازده تن از یاران عمر سعد را به هلاکت رساند. او در میدان کارزار این‌گونه رجز می‌خواند: «أَنَا الْغُلَامُ الْيَمِينِيُّ الْبَجَلِيُّ دِينِي عَلِيٌّ دِينِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ؛ من غلام یمنی و بجلی هستم. دین من، همان دین حسین بن علی علیه السلام است». او با شمشیر به دشمن حمله کرد و سرانجام بدنش زخمی شد و هر دو بازوانش شکست. عمر سعد به او گفت: «او را نکشید و نزد من بیاورید». پس از آوردن نافع، او به عمر سعد گفت: «خدا می‌داند که چه می‌کردم. به خدا قسم، غیر از آنهایی که مجروح کردم، دوازده نفر را با تیر خود کشتم و با شمشیر نمی‌دانم چند نفر را زدم. اگر بازوانم نمی‌شکست، نمی‌توانستید مرا اسیر کنید». عمر سعد به شمر دستور داد که او را بکشد. وقتی شمر شمشیرش را بلند کرد تا نافع را بکشد، نافع این جمله را بر زبان آورد: «فالحمد لله الذي جعل منايانا على يدي شرار خلقه؛^۱ سپاس خداوندی را که آرزوی ما [شهادت] را بر دست بدترین مخلوقش قرار داده است». شمر با شنیدن این کلام، عصبانیتش بیشتر شد و او را به شهادت رساند.

۲. ایمان مستودع

آیات بسیاری از قرآن ناظر به ایمان عاریتی است و با واژه‌های «بعد الایمان» و «ثم كفروا» بیان شده‌اند. در تفسیر آیه «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ»^۲ این‌گونه آمده است: «مستقر، به معنای کسی است که ایمان در قلب او ثبات پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که هرگز از آن کنده نشده و زایل نمی‌شود. و مستودع، به معنای کسی است که ایمان به عنوان امانت به او سپرده می‌شود و بعد از مدتی از او گرفته می‌شود».^۳ در تفسیر علی بن ابراهیم، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: «مستقر، ایمانی است که در دل آدمی ثابت هست تا آنکه بمیرد. و مستودع، کسی است که ایمان از او ربوده شده است».^۴

۱. ابومخنف کوفی لوط بن یحیی، وقعة الطف، ص ۲۳۴.

۲. انعام: ۹۸.

۳. فیض کاشانی، الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۶.

۴. محمدعلی بن محمدحسن الاردکانی، تحفة الأولیاء (ترجمه اصول کافی)، ج ۴، ص ۱۹۹.

نمونه‌هایی از ایمان عاریتی

الف) زبیر بن عوام

زبیر پسر عمه رسول خدا ﷺ بود و از افراد شجاع و دلیر به شمار می‌رفت. او در راه اسلام بسیار کوشید و از رسول اکرم ﷺ دفاع کرد. در روز سقیفه بنی ساعده که همه از نزد علی ﷺ کنار رفتند، او با معدودی از یاران علی ﷺ از حق او دفاع کرد. زبیر در حالی که پانزده سال از عمرش گذشته بود، مسلمان شد و در همه جنگ‌های رسول خدا شرکت کرد. گویا نخستین شمشیری که در راه خدا به کار رفت، شمشیر زبیر بود. رسول خدا ﷺ بر او درود فرستاد و درباره‌اش دعا کرد. او با امام علی ﷺ بیعت کرد، ولی بعدها به دلیل نقض عهد با آن حضرت، به طرف بصره رفت و در آنجا جنگی به راه انداخت.

ب) ابوالخطاب

محمد بن مقلص اسدی کوفی از اصحاب حضرت امام صادق ﷺ و از بزرگان بود؛ اما مسیرش را تغییر داد و مذاهب باطلی ایجاد کرد. امام صادق ﷺ او را لعن کرد و از او بیزاری جست. روایات زیادی در مذمت او رسیده است که دلالت بر کفر و لعن او می‌کند و نقل شده است که درباره حضرت صادق ﷺ غلو کرد؛ به اندازه‌ای که آن حضرت را خدا می‌خواند.^۱

راه‌های کسب ایمان ثابت

برای اینکه انسان ایمانی ثابت داشته باشد، باید به لوازم ایمان خود پایبند باشد. تفکر در آیات الهی، اقامه نماز و انجام امور شرعی، تلاوت قرآن کریم، دعا و راز و نیاز با حضرت حق، عشق و محبت به خاندان رسول گرامی اسلام، مطالعه در معارف دینی به ویژه تفسیر و علوم اعتقادی و اخلاقی و ... اموری هستند که سبب کامل تر شدن ایمان انسان می‌شوند تا در پایان عمر با قلبی پر از نور ایمان، دنیا را ترک کند.

۱. ابواسحق ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ص ۳۸۸.

کتاب‌نامه

۱. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، مصحح: محمدهادی یوسفی غروی، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲. احمدزاده، مصطفی، چستی ایمان در قرآن کریم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰ ش.
۳. الاردکانی، محمدعلی بن محمدحسن، تحفة الأولیاء (ترجمه اصول کافی)، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۴. بابازاده، علی‌اکبر، سیمای زنان در قرآن، تهران: سپهر، ۱۳۸۱ ش.
۵. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۸۳ ش.
۶. خمینی، سیدروح‌الله، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۷. _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۸. رضوی طوسی، سیدمجتبی، ایمان در قرآن کریم: مفهوم و گونه‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل‌الله یزدی طباطبایی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، چ ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چ ۱، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی - الأصول و الروضة چ ۱، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
۲۰. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالي، قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق.

تبلیغ و تزیین

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال سوم - شماره پنجم

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوستی با مؤمنان و دشمنی با دشمنان

بر اساس آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»

محمد باغچیقی*

اشاره

خداوند متعال در آیه ۲۹ سوره «فتح» به برخی ویژگی‌های ممتاز و مهم رسول الله ﷺ و پیروان حقیقی ایشان اشاره می‌فرماید؛ از جمله این ویژگی‌ها، شدت در برابر کفار و مهربانی با یکدیگر است. به تصریح دلایل متعددی، از جمله آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱، پیامبر اکرم ﷺ در تمامی ابعاد مادی و معنوی، اسوه‌ای نیکو برای مسلمانان به شمار می‌رود؛ از این رو لازم است سیره ایشان در تمامی زمینه‌ها مورد توجه و اهتمام امت اسلامی قرار گیرد. این نوشتار، قصد دارد بخشی از آیه ۲۹ سوره «فتح» را که درباره ویژگی‌های ممتاز رسول الله ﷺ و یاران واقعی ایشان نازل شده است، تبیین کند. در بخشی از این آیه می‌خوانیم: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۲ محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان‌اند». مراد از «اشدء علی الکفار»، صلابت، استحکام و نفوذناپذیری مؤمنان حقیقی در مواجهه با کفار حربی و معاندان است؛ همچنین عبارت «رحماء بینهم»، به معنای عطف و مهربانی شدید آنان با یکدیگر است. توجه و اهتمام به الگوی رفتاری مدنظر در آیه پیش گفته که خداوند متعال در آن روش صحیح مواجهه با دوستان و دشمنان را برای مسلمانان تبیین می‌کند، دارای اهمیت است؛ بنابراین در ادامه ابتدا به تبیین مفهوم «والذین آمنوا معه» و سپس دو فقره دیگر این آیه یعنی

* پژوهشگر گروه علمی امت و تمدن، پژوهشکده باقرالعلوم (ع) .

۱. احزاب: ۲۱.

۲. فتح: ۲۹. ر. ک به: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۱۳.

«اشدء علی الکفار» و «رحماء بینهم» پرداخته می‌شود.

«والذین آمنوا معه» چه کسانی هستند؟

خداوند متعال در آیه ۲۹ سوره «فتح»، چند صفت را برای رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و همراهان آن حضرت بیان می‌فرماید. پرسش این است که مراد از همراهان رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا همان عبارت «والذین آمنوا معه»، چه کسانی هستند؟ به تعبیری دیگر، آیا این عبارت تنها صحابه را دربر می‌گیرد یا مؤمنان قرون بعدی را هم شامل می‌شود؟

در پاسخ به این پرسش مهم، باید گفت آن‌طور که از آرای مفسران به دست می‌آید، عبارت «والذین آمنوا معه» همه مؤمنان، از جمله کسانی که هم‌عصر رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده‌اند و نیز آنان که در قرون بعدی خواهند زیست را دربر می‌گیرد؛ چنان‌که صادقی تهرانی در می‌فرماید: «معه» تنها زمان حضرتش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را شامل نمی‌شود؛ زیرا این رسالت شامل همه زمان‌هاست و نیز این «معه» اختصاص به حضور در محضر شخص رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ندارد، بلکه به معنای حضور در محضر این رسالت است، در هر زمان و هر مکان؛ همچنین، معیت خویشاوندی نیست، چراکه چه بسا خویشاوندان نزدیکش نیز صریحاً مورد لعنت قرار گرفته‌اند.^۱

آیت‌الله جوادی آملی نیز باورمند است این آیه، اختصاصی به همراهان حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ندارد؛^۲ بنابراین هر کسی از جامعه اسلامی که ملتزم به ویژگی‌های بیان‌شده در آیه پیش‌گفته از جمله «اشدء علی الکفار» و «رحماء بینهم» باشد، مصداق مؤمن مورد اشاره در این آیه خواهد بود. حال باید دید مفسران و عالمان درباره معنا و مفهوم دو عبارت «اشدء علی الکفار» و «رحماء بینهم» چه دیدگاهی دارند.

تبیین معنا و مفهوم «اشدء علی الکفار»

یکی از ویژگی‌هایی که خدای متعال در آیه ۲۹ سوره «فتح» برای رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مؤمنان بیان می‌فرماید، صفت «اشدء علی الکفار» است. این عبارت بدین معناست که ایشان در مواجهه با کفار، شدت دارند؛ بر این اساس، دو پرسش مطرح می‌شود: الف) «اشدء» به چه معنا است؟ ب) واژه «کفار» در این آیه اختصاص به همه کافران دارد یا تنها طیف خاصی از آنان را دربر می‌گیرد؟ برای پاسخ به این دو پرسش بسیار مهم، ابتدا باید مراد پروردگار از «اشدء» تبیین شود

۱. محمد صادقی تهرانی، ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، ج ۵، ص ۱۱۸.

۲. سایت مدرسه فقهات، درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی (دامت برکاته) در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۵.

و سپس مصادیق کافران در این آیه نیز روشن گردد.

تبیین معنای «اشداء»

«اشداء» جمع کلمه «شدید» است و تعبیری است که برای استحکام و نفوذناپذیری مؤمنان در مواجهه با کفار و دشمنان به کار می‌رود. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «شدت به معنای سختی است؛ معنا این نیست که حتماً باید دشمن را به کلی پامال کند و سرکوب کند؛ نه، یک بار اقتضای سرکوبی دارد و بار دیگر این اقتضا نیست؛ اما در همه حال باید در مقابل دشمن سرسخت بود. خاکریز شما باید در مقابل دشمن نرم نباشد؛ اجازه ندهید که دشمن نفوذ کند و تأثیر بگذارد؛ این در مقابل دشمن است». ^۱ همچنین ایشان در بیانی دیگر می‌فرماید: «اشداء بر کفار معنایش این نیست که با کفار دائم در حال جنگند. اشداء، شدت، یعنی استحکام، استواری، خورده‌نشدن. یک فلزی زنگ می‌زند، خورده می‌شود، پوک می‌شود، از بین می‌رود؛ یک فلز هم قرن‌های متمادی که بگذرد، دچار خوردگی و زنگ‌زدگی و پوسیدگی و پوکی نمی‌شود. اشداء یعنی این. شدت یعنی استحکام. استحکام یک وقت در میدان جنگ است، یک جور بروز می‌کند؛ یک وقت در میدان گفتگوی با دشمن است، یک جور بروز می‌کند. شما ببینید پیغمبر صلی الله علیه و آله در جنگ‌های خود، آنجایی که لازم بود، با طرف خود و دشمن خود حرف بزند، چه جوری حرف می‌زند. سرتا پای نقشه پیغمبر صلی الله علیه و آله استحکام است؛ استوار، یک ذره خلل نیست. در جنگ احزاب پیغمبر صلی الله علیه و آله با طرف‌های مقابل وارد گفتگو شد، اما چه گفتگویی! تاریخ را بخوانید. اگر جنگ است، با شدت؛ اگر گفتگو است، با شدت؛ اگر تعامل است، با شدت؛ با استحکام. این معنای اشداء علی الکفار است». ^۲

آیت‌الله جوادی آملی نیز باورمندند «اشداء» به این معناست که مسلمانان باید در همه زمینه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و امثال آنها، همانند کوه محکم و نفوذناپذیر باشند. ^۳

مراد از واژه «کفار»

حال که مراد از «اشداء» مشخص شد، پرسش دیگری درباره‌ی واژه «کفار» در فقره «اشداء علی الکفار» مطرح می‌شود؛ بدین‌سان که آیا مراد از کفار در این فقره، همه کافرانند یا تنها

۱. بیانات رهبر انقلاب در جمع قاریان قرآن در روز اول ماه رمضان، ۱۳۸۸/۰۵/۲۶.

۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۷/۰۵/۰۹.

۳. سایت مدرسه فقهات، درس تفسیر قرآن آیت الله جوادی (دامت برکاته)، تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۵.

طیف خاصی از کفار را دربر می‌گیرد؟

قبل از پاسخ به این پرسش، خوب است به آیات ۸ و ۹ سوره «ممتحنه» اشاره کنیم که خدای متعال در این دو آیه می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ * إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند، نهی نمی‌کند که با آنان نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد، [بلکه] تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون‌راندن شما کمک کردند؛ و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است». به‌روشنی مشخص است که خداوند متعال در این دو آیه، میان کافران حربی که در صدد ضربه‌زدن به امت اسلامی هستند و کافران غیر حربی تفاوت قائل شده است؛ بدین ترتیب که رفتار دوستانه با کافرانی که با مسلمانان دشمنی نمی‌ورزند، هیچ اشکالی ندارد، درحالی‌که از برخورد دوستانه با کافران حربی نهی شده است.

با این توضیح، مشخص می‌شود مراد از «کفار» مدنظر در آیه ۲۹ سوره فتح، کافرانی است که دشمن امت اسلامی به شمار می‌آیند، نه همه کافران و غیرمسلمانان؛ همچنان‌که رهبر انقلاب علیه‌السلام در تبیین این موضوع می‌فرماید: «أَشَدُّ عَلَى الْكُفَّارِ» مسلمانان بایستی نسبت به کفار سخت‌گیر باشند. این کفار کجا هستند؟ هر غیر معتقد به اسلام کسی نیست که باید نسبت به او سختگیر بود و شدت گرفت. قرآن می‌گوید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛^۱ [یعنی] کسانی که با شما سر ستیزه ندارند و علیه شما توطئه نمی‌کنند و کمر به نابودی نسل و ملت شما نبسته‌اند، ولو از دین دیگری باشند، با آنها نیکی کنید و رفتار خوب داشته باشید؛ کافری که با او باید شدید بود، این نیست». «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ»^۲ [بلکه] باید با کسانی شدید بود که با هویت، اسلام، ملیت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزت، ناموس، سنت‌ها، فرهنگ و ارزش‌های شما مبارزه می‌کنند. این فرهنگی

۱. ممتحنه: ۸؛ ر.ک به: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۳۳.

۲. ممتحنه: ۹؛ ر.ک به: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۰۹.

است که باید بر جامعه ما حاکم باشد. تساهل و تسامح باید بین خود مسلمانان برقرار باشد.^۱ ایشان در فرمایش دیگری نیز فرموده‌اند: «در باره اصحاب پیغمبر ﷺ می‌فرماید: "أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ"؛ اینها در مقابل کفار یعنی همان دشمنانی که صف بسته‌اند، شدیدند. مراد از کفار، آن یهودی یا مسیحی نبود که زیر سایه پیغمبر ﷺ در مدینه زندگی می‌کرد. همان وقت بودند مسیحیان و یهودیانی که داخل مدینه زندگی می‌کردند و پیغمبر ﷺ و اصحابش با آنها روابط خوبی داشتند. آنها را "أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ" نمی‌گویند. "أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ" به کفاری می‌گویند که یا مثل کفار قریش به‌طور دائم علیه اسلام و مدینه اسلامی در حال تحرکات نظامی بودند؛ یا مثل یهودی‌های بنی قریظه و خیبر و بقیه مناطق دائم کارشکنی می‌کردند، بروند این طرف و آن طرف سفر کنند، این گروه و آن گروه را علیه اسلام جمع کنند؛ لشکرکشی کنند، تحریک کنند، شایعه درست کنند و یا کسانی که در چهره مسلمان، اما با دل و باطن کافر در داخل مدینه زندگی می‌کردند و دائم هم یا با کفار دسته اول و یا با کفار دسته دوم ارتباط داشتند. "أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ"، یعنی اشداء بر این سه دسته».^۲

گفتنی است سیره زندگانی ائمه اطهار عليهم السلام در برخورد با کافران غیرحربی نیز مؤید این ادعاست؛ چنان‌که امیرالمؤمنین عليه السلام با فرد کافر غیرحربی با محبت برخورد کرد و اتفاقاً همین امر موجب مسلمان شدن آن فرد شد.^۳

با روشن شدن مراد از فقره «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ»، ضرورت اقتضا می‌کند معنای «رحماء بینهم» نیز در جایگاه بخش مهم دیگری از آیه ۲۹ سوره «فتح» تبیین شود.

تبیین معنای «رحماء بینهم»

خدای متعال در آیه ۲۹ سوره «فتح»، به غیر از عبارت «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» به یکی دیگر از صفات مؤمنان اشاره می‌نماید: «رحماء بینهم»؛ بدین معنا که مؤمنان حقیقی، هرچند در برابر دشمنان مستحکم و نفوذناپذیرند، ولی در مواجهه با یکدیگر به‌شدت با عطف و بر خودشان که هستند ... دیگر آن شدت و آن صلابت نیست. اینجا باید دل داد و دل گرفت.

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با جوانان استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶.

۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با گروه کثیری از پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۷۰.

اینجا باید با هم با تعاطف رفتار کرد»^۱.

معظم‌له در بیان دیگری نیز می‌فرماید: «رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ» [یعنی] بین خودتان، دل‌هایتان با هم صاف باشد، با هم مهربان باشید؛ اسم‌ها نتواند شما را از هم جدا کند، مرزهای جغرافیایی نتواند شما را با هم دشمن کند، مرزهای جغرافیایی نتواند ملت‌ها را در مقابل هم قرار بدهد»^۲.
در عبارت دیگری نیز از ایشان می‌خوانیم: «رَحْمَاءٌ بَيْنَهُمْ» باشند؛ همدیگر را تحمل کنند؛ در جهت ترسیم هدف‌های والا و عالی و برای رسیدن به آنها به یکدیگر کمک کنند و از ایجاد تشنج، بداخلاقی، درگیری، اهانت و متهم کردن پرهیزند»^۳.

پرواضح است این فقره از آیه اگر به خوبی در میان مسلمانان محقق شود، به یقین نفوذناپذیری که در بخش قبل بدان اشاره شد نیز محقق خواهد شد. بر همین اساس، دیگر هیچ قدرتی توان ضربه‌زدن به امت اسلامی را نخواهد داشت.^۴

گفتنی است به لزوم روابط حسنه میان یکایک مسلمانان در نصوص دیگری نیز تأکید شده است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مسلمان، برادر مسلمان است؛ به او ستم نمی‌کند، او را تنها نمی‌گذارد و به او خیانت نمی‌ورزد. بر مسلمانان لازم است که در جهت توجه به یکدیگر و همدردی با نیازمندان، سهم کردن آنان در مال خود و مهربانی به یکدیگر بکوشند و همان‌گونه باشند که خداوند عزوجل به شما فرمان داده است: "رحماء بینکم"، همان‌طور که انصار در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین بودند»^۵. همچنین حضرت فرمود: «با یکدیگر ارتباط داشته باشید و به هم نیکی کنید و با یکدیگر مهربان باشید و همچنان‌که خداوند به شما دستور داده است،

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ۱۳۸۷/۰۵/۰۹.

۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان بیست‌وهشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۱۳۹۳/۱۰/۱۹.

۳. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با هیئت رئیسه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

۴. «أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ باشید و اگر با هم بودید، هیچ‌کس نمی‌تواند به شما آسیبی برساند» (سخنرانی

رهبر انقلاب در مراسم بیعت ائمه جمعه سراسر کشور به اتفاق رئیس مجلس خبرگان، ۱۳۶۸/۰۴/۱۲).

۵. «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا يَخُونُهُ وَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَ الْمَوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ تَعَاوُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى تَكُونُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - رُحَمَاءَ بَيْنَكُمْ مُتْرَاحِمِينَ مُعْتَمِينَ لِمَا غَابَ عَنْكُمْ مِنْ أَمْرِهِمْ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ مَعْشَرُ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۴).

برادرانی نیکوکار باشید»^۱.

دقیقاً بر اساس همین آیات و روایات، عالمان بصیر و روشنفکر مسلمان همواره امت اسلامی را به برادری و هم‌افزایی دعوت کرده‌اند. شهید بهشتی؛ در این باره فرموده‌اند: «برادری اسلامی تا حد همدردی، شرکت در سود و زیان اجتماعی و بالاخره یگانگی به جای بیگانگی بالا می‌رود. برادری اسلامی این است که اگر در هر گوشه از جهان به یک فرد یا گروه از مسلمانان تجاوزی شود یا ستمی رود یا آسیبی برسد، همه مسلمانان جهان آن را تجاوز و ستم و آسیب به خود بشمارند و در برابر آن واکنش مناسب نشان دهند. وقتی سخن از این نوع برادری اسلامی به میان می‌آید، باید با کمال تأسف اعتراف کرد که بهره ما از آن بسیار ضعیف است و باید به تقویت آن پرداخت»^۲. ایشان در عبارت دیگری نیز می‌نویسد: «اگر برادری اسلامی صرفاً همین بود که دو مسلمان باید یکدیگر را قلباً دوست بدانند و وقتی به هم می‌رسند، سلام‌علیکم و اهلاً و مرحباً بگویند، هرگز نمی‌گفتم تفاهم و همبستگی مسلمانان کم است؛ چون با کمال خوشوقتی می‌بینیم که برادران و خواهران مسلمان به‌ویژه طبقه جوان، غالباً با محبت قلبی و گشاده‌رویی و سلام با یکدیگر برخورد می‌کنند؛ ولی اسلام بسیار فراتر از اینها از ما خواسته است»^۳.

سخن آخر

در نهایت شایسته است پس از تبیین معانی فوق، به دو نکته دیگر اشاره شود:

اول: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»، شاخصه‌ای برای شناسایی مؤمنان واقعی است. امام خمینی^{علیه‌السلام} در اشاره به آیه ۲۹ سوره «فتح» می‌فرماید: «از خاصه‌هایی که خدای تبارک و عالی برای مؤمنان ذکر می‌فرماید، این است که "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ"؛ بر کفار شدید هستند و کوبنده و در بین خودشان رحیم و با رحمت رفتار می‌کنند. ما اگر بخواهیم بفهمیم که مؤمن هستیم و تابع دستورات اسلام هستیم، باید این میزان را در خودمان ببینیم که برای مشرکین توفنده و کوبنده و برای مسلمین رحمان و رحیم و با رحمت. و رحما باشید بینتان»^۴.

شهید مطهری^{علیه‌السلام} ذیل آیه ۲۹ «فتح» می‌فرماید: «در سوره مبارکه "إِنَّا فَتَحْنَا" می‌فرماید:

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَوَاصَلُوا وَتَبَاؤُوا وَتَرَاحَمُوا وَكُونُوا إِخْوَةً بَرَزَةً كَمَا أَمَرَ كُمْ اللَّهُ» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵).

۲۰. سید محمد حسین بهشتی، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، ص ۲۵-۲۶.

۲۱. همان.

۴. سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۵.

"مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ"؛ «در اینجا چهره يك جامعه اسلامی ترسیم شده است و مسئله اولی که ذکر می‌کند، معیت با پیغمبر و ایمان به پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. مرحله دوم "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ"، در مقابل بیگانگان محکم، قوی و نیرومند بودن است. پس این خشکه مقدس‌هایی که فقط پلاس مساجد هستند و هزارتایشان را يك سرباز جلو می‌اندازد و صدایشان در نمی‌آید، مسلمان نیستند. یکی از خاصیت‌های مسلمان و اولین خاصیتی که قرآن کریم ذکر کرده است، شدت، قوت و استحکام در مقابل دشمن است. اسلام، مسلمان سست را نمی‌پذیرد... در میان خودشان، با مسلمان‌ها چطور؟ "رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ" مهربان، دوست و صمیمی. باز وقتی می‌رویم سراغ مقدس‌های خودمان، چیزی که در وجود اینها نمی‌بینیم، صمیمیت و مهربانی نسبت به دیگران است؛ همیشه اخم کرده و عبوس‌اند، با احدی نمی‌جوشند، با احدی نمی‌خندند، به احدی تبسم نمی‌کنند، بر سر همه مردم دنیا منت دارند. اینها مسلمان نیستند، خودشان را به اسلام بسته‌اند. این هم خصوصیت دوم»^۱.

دوم: التزام به «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» از نشانه‌های حیات جامعه اسلامی است. افزون بر آنکه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» از جمله شروط مؤمنان واقعی به شمار می‌آید، شهید مطهری می‌نویسد: «جامعه اسلامی از لحاظ دینی زمانی دارای حیات و زنده است که آثار مطلوب دین اسلام که خود اسلام به آنها اشاره کرده، از جمله عزت، سربلندی، همدردی و هم‌فکری در آن جامعه مترتب شود؛ اما زمانی که هیچ اثر قابل توجهی از این آثار وجود نداشته باشد، نمی‌توان نام حیات را بر آن گذاشت»^۲.

کتاب‌نامه

۱. بهشتی، سیدمحمدحسین، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی رحمته‌الله علیه، ۱۳۹۰ ش.
۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، چ ۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۸۹ ش.
۳. صادقی تهرانی، محمد، ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم، چ ۱، قم: شکرانه، ۱۳۸۸ ش.

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۵۰۷-۵۰۸.

۲. همو، یادداشت‌های استاد مطهری رحمته‌الله علیه، ج ۱، ص ۱۶۶.

۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر قرآن، ج ۲، بیروت: مؤسسه‌ی علمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.

۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری رحمته، ج ۸، قم: صدرا، ۱۳۷۲ ش.

۸. _____، یادداشت‌های استاد مطهری رحمته، ج ۱، تهران: صدرا، [بی تا].

۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.

10. www.farsi.khamenei.ir

11. www.eshia.ir

زندگی عزت‌مندانه از دیدگاه آیات و روایات

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر*

اشاره

زندگی عزت‌مندانه، یکی از اصول اساسی تعالیم اسلامی است. اگر مسلمانان این اصل را در زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی خود جدی بگیرند و در گفتار و عمل به آن پایبند باشند، می‌توانند با برنامه‌ریزی و اقدامات مناسب برای تحقق اهداف عالی و تأمین نیازهای خود، تمامی مشکلات و موانع را از پیش پای خود بردارند؛ بنابراین می‌توانند به سوی آرامش، آسایش، پیشرفت، استقلال همه‌جانبه و سعادت حرکت کنند و در روبروشدن با بلاها و حوادث ناگوار آمادگی لازم را داشته باشند. چنین نگرشی می‌تواند زندگی سرشار از موفقیت و سربلندی را برای فرد و جامعه به ارمغان آورد و کشور را از خطرهای بدخواهان داخلی و دشمنان خارجی مصون کند؛ چراکه ریشه بسیاری از محرومیت‌ها، ناکامی‌ها و بزهکاری‌های مختلف می‌تواند در نبود عزت و کرامت نفس جستجو شود.

مفهوم عزت و عزت‌مندی

عزت، حالتی است که مانع مغلوب‌شدن انسان می‌شود؛ عزیز نیز قاهری است که مقهور و مغلوب نمی‌شود.^۱ عزت به قوت، صفت و کرامت کسی معنا شده است که از پذیرش ذلت امتناع دارد و عزیز به کریم هم تعبیر شده است.^۲ عزت به معنای عظمت، بزرگواری، ارجمندی،

* پژوهشگر پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن.

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۶۳، «عز».

۲. سیدعلی‌خان بن احمد کبیر مدنی شیرازی، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۱، ص ۴۵۹-

ارج و سرافرازی، کرامت و بزرگی،^۱ عزیز گرامی، سربلندی و ارجمند است؛^۲ همچنین عزت‌مند کسی است که عزت داشته باشد.^۳ این کلمه، صفت نیز به کار می‌رود و معمولاً برای توصیف افراد یا گروه‌هایی به کار برده می‌شود که دارای شأن و مقام هستند.

بایستگی و اهمیت زندگی عزت‌مندانه

از دیدگاه قرآن، عزت و زندگی عزتمندانه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. خداوند در قرآن کریم به انسان‌ها آهنگ عزت را می‌آموزد و به آنان می‌فرماید برای دستیابی به عزت، باید در پرتو عزت الهی حرکت کنند. زندگی عزتمندانه نه تنها سبب ارتقای شخصیت فردی می‌شود، بلکه موجب تقویت جامعه نیز خواهد شد: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً...».^۴ عزت حقیقی و اصیل تنها از آن خداوند است و عزت انسان‌ها و دیگران، اعتباری و نسبی است.^۵ علی عليه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ يَوْمَئِذٍ مَنْ شَاءَ»؛^۶ خداوند عزت خود را به هر کسی که اراده کند، عطا می‌نماید».

در قرآن و در راستای اهمیت زندگی عزت‌مندانه، گروهی از مؤمنان به دلیل رفتار عزت‌مندانه با کافران ستایش شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ»؛^۷ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از آیین خود بازگردد، [به خدا زبانی نمی‌رساند؛] خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند».

در روایات هم به بایستگی زندگی عزتمندانه تأکید شده است. در روایات بسیاری از رسول اعظم صلی الله علیه و آله که شیعه و اهل سنت آنها را گزارش کرده‌اند، به زندگی عزتمندانه فردی و اجتماعی از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توجه شده است؛ چنان‌که حضرت برای برخورداری از زندگی عزتمندانه به

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، واژه عزت.

۲. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، واژه «عزت».

۳. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، واژه عزت «مند».

۴. فاطر: ۱۰.

۵. محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرةالمعارف قرآن کریم، ج ۹، ص ۸۶.

۶. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۳۴.

۷. مانند: ۵۴.

زندگی عزت‌مندانه از دیدگاه آیات و روایات ■ ۱۰۳

عزت الهی استعاده می‌نمود^۱ و با تمسک به عزت الهی، از دیگران درخواست عزت نمی‌کردند.^۲ ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دعای خویش به عزت الهی استعاده می‌کردند: «... أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُضِلَّنِي...».^۳ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فَوَضَّ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلالَ نَفْسِهِ؛^۴ خداوند تبارک و تعالی اختیار هر کاری را به مؤمن داده است، مگر اختیار خوارکردن خویشتن را». حضرت در روایتی به آیه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» تمسک می‌جویند و می‌فرمایند: «فَالْمُؤْمِنُ يَكُونُ عَزِيزًا، وَ لَا يَكُونُ ذَلِيلًا؛^۵ پس به تحقیق مؤمن عزیز است و ذلیل نیست».

از امیرمؤمنان پرسیدند آیا در شما عظمت است؟ حضرت فرمودند: نه، بلکه عزت است.^۶

الا ای آن‌که داری عزت نفس	مشو هرگز اسیر شهوت نفس
مهم باشد چگونه زیست کردن	نیرزد زندگی با یوغ کردن
گرسنه چون عقابی پیر مردن	به از مانند کرکس مرده‌خوردن ^۷

راهکارهای زندگی عزت‌مندانه

آگاهی از راهکارهای عزت‌مندی، می‌تواند به کسانی که مشتاق زندگی عزت‌مندان هستند، کمک کند تا آسان‌تر به خواسته‌های خود دست یابند. موضوعات زیادی مانند راست‌گویی، گذشت، جهاد، روحیه شهادت‌طلبی، توکل و قناعت می‌توانند راهکار مناسبی برای رسیدن به زندگی عزت‌مندانه باشند. برای ایجاد زندگی عزت‌مندانه راهکارهای بسیاری وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. ایمان

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۱۲۹.
۲. همان، ص ۱۲۸.
۳. احمد بن محمد ابن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۴، ص ۴۷۶.
۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۵۰۴.
۵. همان، ص ۵۰۳؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۰.
۶. «قِيلَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَام: فِيكَ عِزَّةٌ. قَالَ: لَا، بَلْ فِيَّ عِزَّةٌ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸)؛ حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۷۵.
۷. حسین قمی اویلی.

ایمان واقعی به خداوند متعال، سبب عزت‌مندی افراد، جامعه ایمانی و حاکمان اسلامی می‌شود. خداوند که خود دارای عزت است، آن را برای پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حاکمان اسلامی و مؤمنان مقرر نموده است؛ اما تداوم و پایداری بر عزت، نیازمند ایمان ثابت به خداوند متعال است؛ زیرا عزت او بالاصاله و ذاتی است: «... فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً»^۱ و «مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً...»^۲.

ایمان به خداوند آثار متعددی دارد؛ از جمله:

الف) سبب اطمینان قلبی آنان به قدرت خداوند خواهد شد؛ همان‌طور که حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به این مقام دست یافت.^۳

ب) سبب تسلیم‌بودن در برابر خداوند و پیروی نکردن از وسوسه‌های شیطان می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ... فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ»^۴.

ج) سبب توکل و اعتماد برای او خواهد شد: «وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ...»^۵.

د) سبب برطرف‌شدن اندوه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سخنان دشمنان گردید: «وَ لَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً...»^۶.

ه) سبب پیروزی مسلمانان در برخی جنگ‌ها مانند بدر شده است: «وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَ أَنْتُمْ أَذِلَّةٌ ...»^۷.

۲. الگوپذیری

الگوپذیری نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت و رفتار فردی و اجتماعی دارد. افراد به طور معمول از کسانی تأثیرپذیری دارند که در جایگاه الگو در زندگی خود می‌شناسند. الگوها می‌توانند به افراد انگیزه دهند و نشان دهند که با تلاش و کوشش می‌توان به اهداف رسید. دیدن

۱. نساء: ۱۳۹.

۲. فاطر: ۱۰.

۳. بقره: ۲۶۰.

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ... فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ...» (بقره: ۲۰۹-۲۰۸).

۵. انفال: ۴۹.

۶. یونس: ۶۵.

۷. آل عمران: ۱۲۳.

موفقیت‌های دیگران، الهام‌بخش افراد در مسیر پیشرفت شخصی و حرفه‌ای است. این الگوها می‌توانند اهل بیت: و اولیا و شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار در زندگی باشند؛ بر این اساس، داشتن الگو در زندگی عزت‌مندانه، از ضرورت‌های زندگی و مطابق با عقل است. در قرآن^۱ و روایات نیز به داشتن الگو در زندگی توجه ویژه‌ای شده است.^۲

نمونه‌هایی از الگوی موفق

امیرالمؤمنین علی علیه السلام الگویی بسیار شایسته برای زندگی عزت‌مندانه است. حضرت در نامه‌ای به عثمان بن حنیف انصاری - فرماندار بصره - فرمودند: «ای پسر حنیف، به من گزارش داده‌اند که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به مهمانی دعوت کرده و تو به سرعت به سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند. بیندیش در کجایی و بر سر کدام سفره می‌نشینی. بنابراین آن غذایی که حلال و حرام‌بودنش را نمی‌دانی، دور بیفکن و آنچه را به پاکی و حلال‌بودنش یقین داری، مصرف کن». ایشان سپس درباره الگو بودن رهبران جامعه و چگونگی زندگی خود می‌فرمایند: «آگاه باش، هر پیروی را امامی است که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌گیرد. آگاه باش، امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است. بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید، اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاک‌دامنی و راستی، مرا یاری دهید».^۳

ابن ابی‌الحدید می‌نویسد: «در اواخر خلافت عثمان، معاویه در جمع بزرگان اصحاب حاضر شد و به بهانه دفاع از عثمان با کمال جسارت آنها را تحقیر کرد و خود و پدران بت‌پرستش را به نیکی و بزرگی ستود. او گفت: ای مهاجران، شما می‌دانید که هر یک از شما پیش از اسلام در میان قومتان فردی ورشکسته و گمنام بودید و امور اجتماع بدون نظرخواهی از شما رتق و فتق می‌شد تا اینکه خداوند رسولش را مبعوث کرد و شما سبقت جست، زودتر به او پیوستید. پس

۱. ممتحنه: ۴-۶؛ احزاب: ۲۱.

۲. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب الي الصواب، ج ۲، ص ۳۹۶-۴۲۰، ۲۷۲؛ محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ص ۸۰.

۳. محمد بن حسین شریف‌الرضی، نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۱۶-۴۱۷ و ترجمه محمد دشتی، ص ۵۵۳.

شما تنها به واسطه سبقتتان سیادت یافته‌اید و گرنه پیش‌تر شما قابل ذکر نبودید». بر اساس گزارش‌های تاریخ، همه اصحاب حاضر در مجلس سخنان تحقیرآمیز معاویه را تحمل کردند؛ اما تنها کسی که در مقابلش ایستاد، امیرالمؤمنین علیه السلام بود که خطاب به او فرمودند: «ای پسر زن کثیف، تو را چه به این حرف‌ها...» و سپس برخاستند و از مجلس خارج شدند.^۱

امام حسین علیه السلام الگوی زندگی عزت‌مندانه‌ای است که همواره به اصول و اعتقادات خود پایبند بود و در سخت‌ترین شرایط، ایمان و اعتقاد خود به خداوند را حفظ کرد. از ویژگی‌های بارز امام حسین علیه السلام، مبارزه با ظلم و ستم است. ایشان در کربلا با نامالایمات و تهاجم‌های یزیدیان مواجه شد، ولی به هیچ‌وجه تسلیم نشد. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أُفْرَزُ فِرَازَ الْعَبِيدِ»^۲ به خدا سوگند، نه دست‌ظلت و خواری به شما می‌دهم و نه چونان بردگان می‌گیرم».

رهبر معظم انقلاب رحمته الله می‌فرماید: «... همان‌جایی هم که حسین بن علی علیه السلام یک شب را مهلت می‌گیرد، عزت‌مندانه مهلت می‌گیرد. همان‌جایی هم که می‌گوید "هل من ناصرٍ - استتصار می‌کند - از موضع عزت و اقتدار است. آنجایی که در بین راه مدینه تا کوفه با آدم‌های گوناگون برخورد می‌کند و با آنها حرف می‌زند و از بعضی از آنها یاری می‌گیرد، از موضع ضعف و ناتوانی نیست؛ این هم یک عنصر برجسته دیگر است».^۳

امام خمینی رحمته الله نیز الگویی مناسب برای زندگی عزت‌مندانه است؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند: «امام در طول حیات، چه در حوزه علم و تدریس، چه در دوران مبارزه دشوار و چه در حوزه مدیریت و حاکمیت... در همه اینها مصداق "و توکل علی العزیز الرحیم" بود... او علاوه بر اینکه خود مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. وقتی ادبیات انقلابی امام را می‌بینید، تکیه اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت است».^۴

۳. اطاعت از خداوند

اطاعت از خداوند، موضوعی مهم است که همگان باید بدان توجه کنند و ملاک ارزیابی‌ها،

۱. ر.ک به: ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۳۳۹.

۲. شیخ مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۹۷.

3. <https://farsi.khamenei.ir/> =2165.

4. <https://farsi.khamenei.ir/> =1391.

گزینش‌ها و قضاوت‌ها باشد. بهترین راهکار برای دستیابی به عزت واقعی و پایدار، اطاعت از خداوند در همه عرصه‌های زندگی است. در روایتی آمده است که خداوند در وحی خود به داود پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «ای داود، من عزت را در طاعت از خود قرار دادم؛ ولی مردم آن را در خدمت به سلطان جستجو می‌کنند و از این‌رو آن را نمی‌یابند».^۱

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيَطِيعِ الْعَزِيزَ...»^۲؛ ... هرکس نفس خود را در طاعت خدا ذلیل نماید، عزیزتر از کسی است که با نافرمانی خدا به عزت برسد». همچنین امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «إِذَا طَلَبْتَ الْعِزَّ فَاطْلُبْهُ بِالطَّاعَةِ»^۳؛ هرگاه طلب کنی عزت را، پس طلب کن آن را به طاعت، یعنی فرمان‌برداری حق تعالی؛ چراکه ظاهر است سبب عزت در دنیا و آخرت می‌گردد.

۴. اطاعت از امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام و جانشینان آنان

در آیات مختلفی از قرآن، اطاعت از پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ واجب دانسته شده است؛ از جمله خداوند متعال می‌فرماید: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رُسُلَهُ».^۴ همچنین اطاعت از اولی الامر یعنی جانشینان به حق ایشان یعنی امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام تا حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام که در راستای اطاعت از خداوند پیامبر است، واجب دانسته شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ».^۵ شیخ طوسی ذیل آیه اظهار می‌دارد بر اساس روایتی که اصحاب ما از امامین باقر و صادق گزارش نمودند، مراد از «اولی الامر»، ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام از آل پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند که خداوند اطاعت آنان را به طور مطلق واجب نموده است؛ همان‌طور که اطاعت خود و پیامبرش را واجب کرده است.^۶

ولّی فقیه در جایگاه رهبری که صلاحیت‌های فقهی و سیاسی دارد، نقشی کلیدی در هدایت جامعه و حفظ ارزش‌های اسلامی ایفا می‌کند؛ از این‌رو در تفکر شیعی، ولّی فقیه جامع شرایط،

۱. احمد بن محمد ابن فهد حلّی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۱۷۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۲۰.

۳. محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، شرح بر غرر الحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۱۳۵.

۴. انفال: ۴۶.

۵. نساء: ۵۹.

۶. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۶؛ برای اطلاعات بیشتر، ر.ک به: عبدعلی بن

جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ص ۴۹۷-۵۰۸ و روایات ۳۲۷-۳۶۰.

نایب عام امام زمان علیه السلام به شمار می آید. امام عسکری علیه السلام فرمود: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ، وَذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضَ فُقَهَاءِ الشِّيْعَةِ، نَهْ جَمِيعَهُمْ؛^۱ هر فقیهی که خویشان دار و نگاهبان دین خود باشد و با هوای نفسش بستیزد و مطیع فرمان مولایش باشد، بر عوام است که از او تقلید کنند و البته این ویژگی ها را تنها برخی فقیهان شیعه دارا هستند، نه همه آنها».

همچنین در توقیع امام زمان علیه السلام آمده است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَازْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛^۲ در رویدادهایی که اتفاق می افتد، به روایان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم».

با توجه به نقش آفرینی ولی فقیه در دوران زعامت امام خمینی علیه السلام و در یک دهه پرتلاطم کشور، از جنگ و آشوب های داخلی گرفته تا فعالیت های تجزیه طلبان در مناطق مختلف و ترور شخصیت ها و نیز پذیرش قطعنامه و بعد از آن دوران زعامت مقام معظم رهبری که بیش از سه دهه به عنوان خلف صالح آن بزرگ مرد در حال حرکت است، ایشان توانسته است کشور را از گزندهای داخلی و خارجی حفظ کند. ایشان در عرصه های مختلف با پیشنهادها و پیگیری های خود، افق روشنی را پیش روی ملت گشودند.

امام خمینی علیه السلام ولایت فقیه را یکی از نعمت های خداوند و نشان دهنده ولایت رسول الله می دانستند و آن را هدایتی الهی برای مسلمانان تلقی می کردند^۳ که دارای آثار مترقی است.^۴ بهترین اصل در اصول قانون اساسی، ولایت فقیه است. آنچه در قانون اساسی درباره ولایت فقیه مطرح شده است، تنها بخشی از شأن آن را دربر می گیرد و تمامی شئون این نهاد را دربر نمی گیرد.^۵ نظارت ولایت فقیه بر امور دولت اسلامی، آسیبی به کشور وارد نمی کند و موجب به وجود آمدن دیکتاتوری نخواهد شد؛ همچنین اقداماتی که خلاف مصالح کشور

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴-۴۸۳؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۳۱.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.

۳. همان، ص ۴۰۷.

۴. همان، ص ۵۲۵.

۵. همان، ج ۱۱، ص ۴۵۶-۴۶۵.

باشد، انجام نمی‌دهد.^۱

کتاب‌نامه

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج‌البلاغه، محقق/ مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه‌آیت‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن‌حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محققان: عامر غضبان و دیگران، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۳. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف‌العقول، ج ۲، قم: [بی‌نا]، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن‌فهد حلّی، احمد بن محمد، عدة‌الداعی و نجاح‌الساعی، محقق/ مصحح: احمد موحدی قمی، تهران: دار‌الکتب‌الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، كشف‌الغمة فی معرفة‌الأئمة (ط- القدیمة)، محقق/ مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۶. آقاجمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقاجمال خوانساری بر غرر‌الحکم و درر‌الکلم، محقق/ مصحح: جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح‌البخاری، مصر: وزارة‌الأوقاف، [بی‌تا].
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر‌الحکم و درر‌الکلم، محقق/ مصحح: مصطفی‌درایتی، قم: دفتر‌تبلیغات قم، ۱۳۶۶ ش.
۹. حلوانی، حسین بن محمد، نزهة‌الناظر و تنبیه‌الخاطر، محقق/ مصحح: مدرسة‌الإمام المهدي علیه‌السلام، قم: مدرسة‌الإمام المهدي علیه‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور‌الثقلین، مصحح: هاشم رسولی، ج ۴، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه‌امام، ج ۵، تهران: مؤسسه‌تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات‌الفاظ‌القرآن، بیروت: دار‌القلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، ۱۳۷۹ ش.
۱۴. شوشتری مرعشی، قاضی نورالله، احقاق‌الحق، قم: مکتبه‌آیت‌الله المرعشی النجفی،

۱. همان، ج ۱۰، ص ۵۸.

- ۱۴۰۹ ق.
۱۵. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، مترجم: احمد جنتی، محقق/ مصحح: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: نوید، ۱۳۶۲ ش.
۱۶. _____، وسائل الشيعة، ج ۱، قم: [بی نا]، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. شیخ صدوق، محمد بن علی، التوحید، محقق/ مصحح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۹۸ ق.
۱۸. _____، کمال الدين و تمام النعمة، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۲، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۱۹. _____، من لا يحضره الفقيه، محقق/ مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، جامع البيان في تفسير القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، محقق/ مصحح: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. _____، التبيان في تفسير القرآن، مصحح: احمد حبيب عاملی، مقدمه نویس: محمد محسن آقابزرگ تهرانی، بیروت: دار إحياء التراث العربي، [بی تا].
۲۳. _____، تهذيب الأحكام، محقق/ مصحح: حسن الموسوی خراسان، ج ۴، تهران: دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. _____، كتاب الغيبة للحجة، مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دار المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العين، ج ۲، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. قرشی، باقر شریف، حياة الإمام الحسين عليه السلام، ج ۴، قم: مدرسه علمیه ایروانی، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. کبیر مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد، رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين، محقق/ مصحح: محسن حسینی امینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/ مصحح: دارالحديث، قم: دار الحديث، ۱۴۲۹ ق.
۲۹. لیثی واسطی، علی بن محمد، عيون الحكم و المواعظ، محقق/ مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحديث، ۱۳۷۶ ش.

امام حسن عسکری علیه السلام در منابع اهل سنت

علی جباری*

اشاره

امام حسن عسکری علیه السلام یکی از شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام است. حضرت نه تنها در منظر شیعیان بلکه در دیدگاه علما و شخصیت‌های دیگر مذاهب جهان اسلام نیز از جایگاه والا و با عظمتی برخوردار است و اعتراف دارند که حضرت از حیث علمی و تقوا سرآمد همه مردم عصر خود بوده است. آنچه که ملاحظه می‌نمایید جایگاه امام حسن عسکری علیه السلام در منابع اهل سنت است

۱. ولادت

امام حسن بن علی علیه السلام، پیشوای یازدهم شیعیان، در ۸ ربیع‌الثانی^۱ سال ۲۳۲ هجری،^۲ در سامرا^۳ به دنیا آمد. کنیه‌اش، ابو محمد^۴ و همچون پدر بزرگوارش، ملقب به عسکری هست.^۵ سکونت

* کارشناس ارشد تاریخ تشیع و پژوهشگر تاریخ مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.

۱. داودبن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۱۵. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۷۹.

۲. احمدبن محمدبن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. محمدبن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۱۷۹.

ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۷۹.

۳. سبطبن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۳۲۴.

۴. احمدبن محمدبن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل‌بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص

۱۱۳. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۱۲، ص ۱۵۸. ابن مهلب؛ مجمل التواریخ و القصص؛ ص

۳۵۴.

۵. احمدبن محمدبن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل‌بن ابیک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص

۱۱۳، ص ۱۵۸. ابن مهلب؛ مجمل التواریخ و القصص؛ ص ۳۵۴.

امام علیه السلام در سامرا، علت اطلاق این لقب بر ایشان بود.^۱ نام مادر ایشان، سوسن بود.^۲

۲. نقش انگشتر

نقش انگشترهای ایشان: «مَنْ لَانَتْ كَلِمَتُهُ وَجَبَتْ مَحَبَّتُهُ»،^۳ «اللَّهُ شَهِيدٌ»^۴ و «سُبْحَانَ مَنْ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۵ بود.

۳. امامت

امام حسن عسکری علیه السلام به علت وجود فضایل بسیار و برتری ایشان از نظر علم و تقوا و زهد و عقل بر همه مردم روزگار خویش و همچنین وجود نص بر امامت ایشان از جانب پدرشان، شایسته امامت بود.^۶

یحیی بن یسار عنبری می‌گوید: امام دهم، امام علی النقی علیه السلام، چهار ماه قبل از وفات خویش، فرزندش را به‌عنوان امام بعد از خود معرفی کرد و من و تعدادی از موالی را بر این امر شاهد گرفت.^۷

۴. کرامات و معجزات

ابی هشام بن عدی می‌گوید: وقتی معتز امر کرد که امام را به کوفه ببرند، نامه‌ای به ایشان نوشتم و عرض کردم: این چه خبری است که به ما رسیده و ما را غمگین کرده است! امام حسن علیه السلام در پاسخ نوشت: «سه روز دیگر، فرج حاصل می‌شود؛ ان شاء الله تعالی.» معتز عباسی، در سومین روز از دنیا رفت.^۸

ابی هاشم جعفری می‌گوید: از امام حسن علیه السلام شنیدم که می‌گفت: «در بهشت، دری است که به آن باب المعروف می‌گویند و فقط نیکوکاران و اهل خیر از آن داخل می‌شوند.» پس از

۱. شمس‌الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام؛ ج ۱۹، ص ۱۱۳.

۲. سیط بن جوزی؛ تذکرة النخاوص؛ ج ۱، ص ۳۲۴. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۱۸۰.

۳. محمد بن یوسف زرنندی؛ معارج الوصول؛ ص ۱۸۰.

۴. همان؛ ص ۱۸۱.

۵. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۱.

۶. همان؛ ص ۱۰۷۸.

۷. همان؛ ص ۱۰۷۹.

۸. همان؛ ص ۱۰۸۲.

شنیدن این سخن، در دلم خدا را شکر کردم و خوشحال شدم که حوائج مردم را برآورده می‌کنم. امام نگاهی به من کرد و فرمود: «از آنچه به آن فکر می‌کنی، آگاهم. به درستی که نیکوکاران در دنیا و آخرت اهل خیر به شمار می‌روند. خدا تو را از آنها قرار دهد و پیامرزد.»^۱

ابوهاشم جعفری می‌گوید: با گروهی از شیعیان در زندان بودیم که امام حسن عسکری علیه السلام و برادرش، جعفر را نیز به آن زندان آوردند. من دلم به حال ابو محمد علیه السلام سوخت. مأمور زندان آن حضرت، صالح بن وصیف بود. مردی از قبیله جمح نیز با ما در زندان بود که می‌گفت علوی است. ابو محمد علیه السلام مخفیانه به من فرمود: «اگر مردی که از شما نیست، در بین شما نبود، به شما چیزهایی می‌آموختم تا از اینجا نجات پیدا کنید. از این مرد بترسید؛ او آنچه را شما درباره‌اش صحبت می‌کنید، برای خلیفه می‌نویسد و اطلاع می‌دهد. کاغذی همراه اوست که می‌خواهد با حيله‌ای آن را به خلیفه برساند.»

ابوهاشم می‌گوید: همگی سراغ آن مرد رفتیم و لباس‌هایش را بررسی کردیم و نوشته‌ای را بین لباس‌هایش یافتیم که بر ضد ما بدگویی کرده بود.^۲

محمد بن حمزه دوری می‌گوید: از طریق ابوهاشم جعفری، نامه‌ای به امام حسن عسکری علیه السلام نوشتم و از ایشان خواستم تا از خدا بخواهد که مرا غنی و ثروتمند گرداند. حضرت جواب داد: «بشارت می‌دهم که خدا تو را غنی خواهد کرد. پسر عمه تو، یحیی بن حمزه، از دنیا رفته و صد هزار درهم مال از او بر جای مانده و غیر از تو، وارثی ندارد و آن مال، به تو خواهد رسید. خدا را شکر کن و در مصرف آن دقت کن و اسراف نکن که از کارهای شیطان است.»

همان‌گونه که امام فرموده بود، بعد از مدت اندکی، خبر مرگ پسر عمه‌ام به من رسید و آن اموال نیز در دست من قرار گرفت و فقر و نداری‌ام برطرف شد. حقوق الهی را پرداخت کردم و به دیگران نیز از آن مال بخشیدم و بعد از آن، در خرج مال دقت کردم؛ درحالی که قبلاً اهل اسراف بودم.^۳

اسماعیل بن محمد عباسی می‌گوید: از حاجتی که داشتم، خدمت ابو محمد حسن علیه السلام شکایت کردم و قسم یاد کردم که هیچ مبلغی نزد من نیست. امام فرمود: «قسم دروغ یاد کردی؛ در صورتی که دویست دینار در زیر زمین پنهان کرده‌ای؛ البته این حرف را از آن جهت نمی‌گویم

۱. همان.

۲. همان؛ ص ۱۰۸۴ و ۱۰۸۵.

۳. همان؛ ص ۱۰۸۳.

که چیزی به تو ندهم.» بعد به غلامش فرمود: «هر مقدار پول همراهت هست، به او بده.» غلام صد دینار به من داد. سپس، امام رو به من کرد و فرمود: «آن پول‌هایی را که پنهان کرده‌ای، با وجود نیاز شدیدی که به آن داری، از دست خواهی داد.»

اسماعیل می‌گوید: به مکان پول‌ها رفتم و آنها را به جای دیگری انتقال دادم که هیچ‌کس از آن مطلع نبود. بعد از مدتی که به آنها احتیاج پیدا کردم، به سراغش رفتم؛ ولی پول‌ها را نیافتم. فهمیدم که پسر من از مکان آنها مطلع شده و همه را دزدیده و فرار کرده و چیزی از آن پول‌ها به من نرسید. ماجرا همان گونه شد که امام حسن علیه السلام فرموده بود.^۱

عیسی بن فتح می‌گوید: وقتی ابو محمد علیه السلام وارد زندان شد، به من گفت: «ای عیسی! سنّ تو ۶۵ سال و یک ماه و دو روز است.» کتابی همراه من بود که در آن، تاریخ ولادتم نوشته شده بود. به آن نگاه کردم، دیدم همان طور است که ایشان فرمود. سپس، حضرت پرسید: «آیا فرزندی داری؟» گفتم: نه. فرمود: «خدا یا! به او فرزندی عنایت کن که کمکش باشد.» گفتم: مولای من! آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: «والله! صاحب فرزندی خواهم شد که زمین را پُر از قسط و عدل خواهد کرد؛ ولی الآن فرزندی ندارم.»^۲

۵. شهادت

امام حسن عسکری علیه السلام، در ۸ ربیع الاول^۳ سال ۲۶۰ هجری،^۴ در سامرا به شهادت رسید و در کنار مزار پدرش، امام هادی علیه السلام مدفون گردید.^۵

۱. همان؛ ص ۱۰۸۳ و ۱۰۸۴.

۲. همان؛ ص ۱۰۸۷.

۳. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل بن ایبک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۳. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۱۲، ص ۱۵۸. داود بن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۱۵. شمس الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام؛ ج ۱۹، ص ۱۱۳. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۹.

۴. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل بن ایبک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۳. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۱۲، ص ۱۵۸. داود بن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۱۵. شمس الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام؛ ج ۱۹، ص ۱۱۳. سبط بن جوزی؛ تذکرة الخواص؛ ج ۱، ص ۳۲۴. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۹.

۵. احمد بن محمد بن خلکان؛ وفيات الاعیان؛ ج ۲، ص ۹۴. خلیل بن ایبک الصفدی؛ الوافی بالوفیات؛ ج ۱۲، ص ۱۱۳. ابن جوزی عبدالرحمن بن علی؛ المنتظم؛ ج ۱۲، ص ۱۵۸. داود بن محمد بناکتی؛ تاریخ بناکتی؛ ص ۱۱۵.

پس از انتشار خبر شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا، همه شهر یک صدا می گفتند: ابن الرضا از دنیا رفت. بازارها تعطیل و دکانها بسته شد. بنی هاشم و لشکریان و قضات و دیگران، آماده شدند تا در تشییع جنازه ایشان حاضر شوند و وضعیت سامرا، شبیه قیامت شد.^۱

کتابنامه

۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (م ۵۹۷)؛ المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک؛ تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا؛ ج اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق.
۲. _____؛ صفة الصفة؛ تحقیق عبدالسلام هارون؛ بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد بن ابی بکر (م ۶۸۱)؛ وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان؛ تحقیق احسان عباس؛ قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش.
۴. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد (م ۸۵۵)؛ الفصول المهمة فی معرفة الائمة؛ تحقیق سامی الغریبی؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء الحافظ اسماعیل بن عمر (م. ۷۷۴)؛ البداية و النهایة؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۷ ق/۱۹۸۶ م.
۶. ابوالفداء، اسماعیل بن علی بن محمود (م ۷۳۲)؛ تاریخ ابی الفداء المسمی المختصر فی اخبار البشر؛ تحقیق محمود دیوب؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۷. بناکتی، داود بن محمد (م. ۷۳۰)؛ تاریخ بناکتی روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب؛ به کوشش جعفر شعار؛ تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸ ش.
۸. خنجی اصفهانی، فضل الله بن روزبهان (م. ۹۲۷)؛ وسیلة الخادم الی المنخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم؛ به کوشش رسول جعفریان؛ قم: انصاریان، ۱۳۷۵ ش.
۹. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (م ۷۴۸)؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام؛ تحقیق عمر عبدالسلام تدمری؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. زرنندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف (م ۷۵۷)؛ معارج الوصول الی معرفة آل

ابن مهلب؛ مجمل التواریخ و القصص؛ ص ۳۵۴. شمس الدین محمد ذهبی؛ تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و

الاعلام؛ ج ۱۹، ص ۱۱۳. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۹ و ۱۰۹۰.

۱. ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمة؛ ج ۲، ص ۱۰۸۸.

- الرسول و البتول؛ تهران: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، [بی تا].
١١. زمخشری، جارالله (م. ٥٨٣)؛ ربیع الأبرار و نصوص الأخیار؛ بیروت: مؤسسة اعلمی، ١٤١٢ق.
١٢. سبط بن جوزی، یوسف بن قزغلی البغدادی (م ٦٥٤)؛ تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة؛ قم: منشورات الشریف رضی، ١٤١٨ق.
١٣. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم والملوک، بیروت: دار التراث، دوم، ١٣٨٧ق.
١٤. نصیبی، محمد بن طلحه (م ٦٥٢)؛ مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول؛ تصحیح عبدالعزیز طباطبایی؛ بیروت: البلاغ، ١٤١٩ق.
١٥. واقدی، محمد بن سعد کاتب (م. ٢٣٠)؛ الطبقات الکبری؛ تحقیق: عبدالقادر عطا؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ١٤١٠ق.